



کتاب چہارم

ہشتاد بہ یک

ناصر کاوہ

کتاب ہشتاد بہ یک — ناصر کاوہ



کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

این کتاب تقدیم می‌شود

به ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین)

امام خمینی (ره)، شهدای ایران اسلامی از صدر اسلام تا شهدای جبهه ی مقاومت

رزمنده تا زمانی که خاطراتش را ثبت نکرده، هنوز به تاریخ و آینده و آرمانش بدهکار است. خاطره نویسان جنگ مقتل خوانان دفاع مقدس هستند که، صحنه‌های جنگ را دیدند و نوشتند. اگر این دسته از نویسندگان این کار را انجام ندهند شاید نسل‌های بعدی حقایق را باور نکنند و کارهای بزرگ در زمان خود خفه شوند، چرا که ترس‌ها، امیدها و فداکاری‌ها در تاریکی و گمنامی جبهه‌ها اتفاق افتاده که جز خدا هیچ کس از آن خبر ندارد. هیچ کس این حقایق و بهجت‌هایی که رزمندگان هنگام عملیات‌ها داشتند را نمی‌بینند، مگر اینکه جهاد بزرگی رخ دهد و آن ثبت خاطرات برای دیگران است... ((امام خامنه ای))

کتاب هشتم به یک؟! (جلد چهارم)

مدیر پروژه و نویسنده: ناصر کاوه

هوش مصنوعی، گرافیک و طراح: علی کربلائی

رسانه و فضای مجازی: مهدی کاوه

تایپ و حروف نگار و مشاور طرح: نرگس کاوه

روابط عمومی و پشتیبانی: فاطمه عاقلی

قیمت: ۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ: اول

فهرست مطالب

مقدمه/۹

نقش فرانسه در جنگ تحمیلی و کمک به صدام/۱۸

میراث شوم آلمان و معامله با جان ایرانیان/۵۶

مرور تجاوز شیمیایی به حلبچه/۱۴۴

کشف دخالت اسپانیا در تولید سلاح های شیمیایی عراق/۱۷۰

کمک های بریتانیای کبیر به صدام/۱۷۲

لیست ۳۴ مورد از خسارت های انگلیس به ملت ایران/۲۱۸

کمک کشور ایتالیا به دیکتاتور عراق/۲۶۱

بلژیک و ساخت پایگاه های نظامی برای عراق/۲۷۹

کمک های کشور اطریش به عراق/۲۹۲

پرتقال و فروش اورانیوم و جنگ افزار به عراق/۲۹۳

کمک های کشور هلند به عراق/۲۹۴

کمک های یوگسلاوی به عراق/۲۹۵

فهرست کمک های کشورهای اروپایی به عراق/۲۹۹

بسم الله الرحمن الرحيم وَلَا تُسَبِّحُوا لِلَّهِ دُنَى حَقِّهِ الْكِبَرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ



امام خمینی (رحمة الله عليه)

بدخواهان ما گمان نکنند که جوانان ما از مردن از شهادت
باکی دارند! شهادت ارثی است که از اولیاء به ما می
رسد. آنهایی باید از مردن بترسند که بعد از مرگ، موت را فنا
می دانند. ما که بعد از موت را حیات بالا تر از این حیات می
دانیم، چه باک داریم؟



کتاب هستاد به یک _ ناصر کاوه

بسم الله الرحمن الرحيم
 وَلَا تَسْأَلُوا النَّاسَ أَنْ يَمْسُوا بِيَدِكُمْ لِأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ



امام خامنه ای (مد ظله العالی)

آن عالم است که می تواند محتوای ذهن انسانی را تبدیل به چیزی کند که از این جسم، به اصطلاح رایج امروز، از این سخت افزار وجود بشری، یک انسان متعالی، یک انسان پیشرو و یک انسان فعال و پیشرو بسازد. یک عالم می تواند این کار را بکند



هفته
 دفاع مقدس

کتاب هشتم به یک _ نگارنده کاوه

حامیان عراق در جنگ با ایران



کتاب هشتم به یاد ناصر کاوه

مقدمه

... این نوشته جات را قدر بدانید. این پدیده‌ها و این فرآورده‌های تاریخ انقلاب را، تاریخ دفاع مقدّس را قدر بدانید؛ این‌ها را باید خیلی قدر دانست و بین مردم هم منتشر بشود... «امام خامنه ای»

۸۰ کشور تجهیزکننده صدام در جنگ با ایران

هنگامی که عراق در شهریور ۱۳۵۹ حمله به ایران را آغاز کرد، شرایط دو کشور با یکدیگر کاملاً متفاوت بود؛ با آغاز جنگ ایران از هرگونه حمایت خارجی بی‌نصیب بود ولی رژیم بعثی عراق با پشتیبانی‌های جهانی وارد جنگ با ایران شده بود و کشورهای متعدد غربی و عربی به صدام هواپیما و امکانات راداری و پدافندی می‌دادند و مدرن‌ترین وسایل و تجهیزات را در اختیارش می‌گذاشتند.

علاوه بر این کمک‌های نظامی، انواع کمک‌های اقتصادی نیز عراق را پوشش می‌داد. در این نوشتار حامیان اصلی عراق در جنگ با ایران را در دو گروه حامیان غربی و پشتیبانان عربی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بر اساس اسناد ارائه شده در کتاب «جنگ ایران و عراق»، نوشته «پیرازوکس»، که توسط «انتشارات دانشگاه هاروارد» منتشر شده است، مجموع کمک‌های نظامی خارجی در دوره جنگ هشت ساله به عراق ارزشی در حدود ۸۰ میلیارد دلار و مجموع کمک‌های نظامی خارجی به جمهوری اسلامی در حدود ۲۴ میلیارد دلار بوده است. منظور از کمک نظامی معادل ارزش دلاری کلیه کمک‌ها و مساعدت‌های نظامی اعم از، تدارکاتی و مستشاری، آموزشی و خدماتی، فروش مستقیم و غیرمستقیم سلاح و تجهیزات نظامی و تعمیرات و قطعات یدکی آن، کالاهای غیرنظامی که به نوعی در جنگ و در پشتیبانی از نظامیان از آن‌ها استفاده می‌شود (مثل امکانات درمانی و بیمارستانی)، کمک‌های نقدی و اعتباری و هر گونه تسهیلات مشابه دیگر مثل وام برای خریدهای مورد نیاز نظامیان است که در جریان جنگ به دولت پذیرنده ارائه می‌شود.

جنگ ایران و عراق، مبتنی بر قاعده هژمونی و رویارویی مستقیم نبود و رویکرد توازن قوا (در کنار دو رویکرد برخورد مستقیم یا هژمونی و رویکرد چندجانبه گرایی) از اصول انکارناپذیر این جنگ خصوصا در حمایت از طرف عراقی برای مهار انقلاب بود.

اتحاد جماهیر شوروی در راس کشورهای کمک‌کننده به عراق در جنگ با ایران قرار داشت. ارزش مجموع کمک‌های نظامی شوروی به عراق دست کم ۳۰ میلیارد دلار بوده که در برخی از منابع تا ۴۰ میلیارد هم تخمین زده شده است. این رقم نشان می‌دهد نیمی از همه کمک‌های خارجی که صدام برای جنگیدن با ایران دریافت کرده، از سوی شوروی تامین شده است.

پس از شوروی، فرانسه با ۱۷ میلیارد دلار، چین ۶ میلیارد، ایتالیا نزدیک به ۴ میلیارد، مصر ۳ میلیارد، برزیل ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار و یوگسلاوی ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار، در ردیف‌های بعدی کمک نظامی به عراق هستند.

کشورهایی که کمتر از یک میلیارد دلار به صدام در زمان جنگ با ایران کمک کردند عبارتند از رومانی، لهستان، چکسلواکی، اتریش، مجارستان، آفریقای جنوبی، آلمان غربی، اسپانیا، سوئیس و سوئد. بر اساس کتاب جنگ ایران و عراق، نوشته رازوکس، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، از جمله عربستان سعودی، کویت، امارات، بحرین، قطر و عمان کمک‌های بسیار ناچیزی به صدام کردند که رقم آن‌ها کمتر از ۵۰ میلیون دلار بوده است.

از طرف دیگر با وجود اینکه کشورهای حوزه خلیج فارس، خصوصا عربستان سعودی یکی از تامین‌کنندگان مالی عراق در جنگ با ایران معرفی می‌شوند. بر اساس آرشیو اسناد ملی عراق پس از سقوط صدام حسین و تطبیق با اسناد وزارت دفاع آمریکا مشخص می‌شود که، کمک‌های مالی کشورهای خلیج فارس به صدام در حدی است که در مقایسه با کمک عظیم شوروی، می‌توان از آن‌ها صرف نظر کرد.

اما در ۲۴ میلیارد کمک خارجی به ایران در زمان جنگ چه کشورهایی نقش اصلی را داشته‌اند؟ چین و کره شمالی با کمک مالی هریک به ارزش تخمینی ۳ میلیارد دلار (در مجموع ۶ میلیارد) در بالای فهرست کمک‌کنندگان به جمهوری اسلامی قرار داشته‌اند. لیبی با ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار، شوروی ۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار، کره جنوبی ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیارد دلار، دیگر کمک‌کنندگان اصلی به ایران بوده‌اند. بلغارستان، سوریه، پرتغال، اسپانیا، بریتانیا، سوئد، ایتالیا، فرانسه، اتریش، برزیل، سوئیس، یونان، آفریقای جنوبی و اتیوپی، در ردیف کشورهایی هستند که کمتر از یک میلیارد در طول جنگ هشت ساله به ایران کمک کرده‌اند.

سوریه مهم‌ترین هم‌پیمان جمهوری اسلامی در این جنگ معادل ۸۰۰ میلیون دلار کمک کرد که کمتر از کمک کره جنوبی محسوب می‌شود که رابطه نزدیکی هم با جمهوری اسلامی ندارد.

ارزش مالی کمک‌های ایالات متحده به ایران در این جنگ هشت‌ساله معادل ۶۵۰ میلیون دلار بوده است. در مقابل کمک آمریکا به عراق ۲۵۰ میلیون دلار بوده است؛ یعنی ارزش مساعدت‌های نظامی آمریکا به ایران، تقریباً سه برابر ارزش کمک به عراق بوده است. بر خلاف آنچه تبلیغات رسمی جمهوری اسلامی می‌گوید ارزش کمک‌های نظامی ایالات متحده به ایران بیش از عراق بوده است و اتحاد جماهیر شوروی که جمهوری اسلامی وارث آن؛ یعنی روسیه را، «متحد استراتژیک» خود می‌داند، بیشترین مساعدت‌های نظامی به عراق را بر عهده داشته است؛ مساعدت‌هایی که به معنی نیمی از کمک‌های خارجی به عراق بوده‌اند.

از نکات بسیار قابل توجه تاریخ جنگ ایران و عراق این است که در جریان این نبرد هشت ساله، بیش از ۶۰ درصد از کمک‌های خارجی به عراق را کشورهای بلوک شرق به رهبری اتحاد جماهیر شوروی تامین کردند، در حالی که کمک‌های مالی و مساعدت‌های نظامی این گروه از کشورها به ایران در حدود ۱۰ درصد را تشکیل می‌دهند و آمریکا سهم بیشتری در کمک مستقیم و غیرمستقیم به جمهوری اسلامی دارد تا عراق تحت رهبری صدام که در نهایت توسط ایالات متحده سرنگون شد.

آمریکا در ابتدای جنگ گفت که مستقیماً از صدام حمایت نمی‌کنم، ولی امام (ره) از همان اول گفتند صدام یک دیوانه است که مهره آمریکاست و بعد با لو رفتن پایگاه‌های آمریکا در عراق و مصر معلوم شد که همین‌طور بوده است. در کربلای ۴ و ۵ شوروی ۱۵۰ تانک در اختیار عراق قرار داد؛ فرانسوی‌ها نخستین هواپیماهای دور پرواز خود را به عراق دادند و آلمانی‌ها در حوزه شیمیایی و هسته‌ای هم سلاح و هم تکنولوژی‌اش را به عراق دادند.

کویت، امارات و عربستان هر سه با هم ۸۰ میلیارد دلار به صدام کمک کردند در حالی که ما در دوران جنگ سالانه فقط ۷ میلیارد دلار درآمد داشتیم و این در مقام قیاس نشان می‌دهد که ما در مقابل آن‌ها در چه وضعی بودیم و تنها با ایستادگی و جهاد و تلاش بود که در برابر این‌ها ایستادیم و پیروز شدیم.

باحول وقوه الهی، باتوسل به چهارده خورشید منور و با استعانت از شهدا از میان هزاران خاطره و به رسم چیدن بهترین گل‌های معطر و تهیه خوش‌بوترین عطرها و با امید برآمدن هزاران آرزو با نام مقدس و مبارک امام زمان (عج) و با رمزی زهرا (س) نوشتن «**کتاب هشتاد به یک؟! جلد چهارم**»، را شروع می‌کنیم تا انشاءالله مورد رضایت و خشنودی «خداوند عزوجل» واقع گردد...

ارادتمند: ناصر کاوه

امام خامنه ای : در دوم خرداد ۱۳۹۷ در دیدار رضائی مسئولان نظام فرمودند: ما بنای دعاو کردن با اروپایی‌ها را نداریم؛ با این سه کشور اروپایی بنای معارضه و مخالفت و بگومگو نداریم، اما واقعیت‌ها را باید بدانیم. این سه کشور نشان داده‌اند که در حساس‌ترین موارد با آمریکا همراهی می‌کنند و دنبال آمریکا حرکت می‌کنند.



مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه ۲۷ دی، ضمن اشاره به تلاش اروپایی‌ها برای تحت‌الشعاع قراردادن حماسه آفرینی‌های اخیر مردم ایران و سپاه پاسداران در تشییع پیکر مطهر حاج قاسم و در هم

کوبیدن عین‌الاسد، با فعال کردن مکانیسم ماشه علیه ایران، گفتند: یکی از کارهای دیگری که برای تحت‌الشعاع قرار دادن این حوادث بزرگ انجام دادند، همین کاری است که این سه دولت اروپایی کردند؛ دولت خبیث انگلیس، دولت فرانسه، و دولت آلمان؛ تهدید ایران که ما مسئله‌ی هسته‌ای را بار دیگر به شورای امنیّت می‌بریم؛ که البتّه مسئولین کشور خوشبختانه محکم پاسخ این‌ها را دادند، جواب محکم به این‌ها داده شد؛ این سه کشور همان سه کشوری هستند که در دوران جنگ تحمیلی به ما، تا توانستند، به صدام‌حسین کمک کردند؛ دولت آلمان، ابزار، وسایل شیمیایی و سلاح شیمیایی را در اختیار صدام‌حسین گذاشت که شهرها و جبهه‌ها را با آن سلاح هدف قرار بدهد، که هنوز آثارش در بین رزمندگان قدیمی ما وجود دارد؛ دولت فرانسه بالگردهای جنگی سوپر اتاندارد را برای زدن کشتی‌های نفتی ما در اختیار صدام‌حسین قرار داد؛ سوابق این‌ها این است؛ دولت انگلیس با همه‌ی وجود در خدمت دشمنان ما بود، در خدمت صدام بود. این‌ها این جوری‌اند، سوابق شان این است، امروز هم این جوری دارند عمل می‌کنند.

کمک های فرانسه به رژیم بعث



در طول جنگ تحمیلی دولت فرانسه کمک های زیادی به
صدام حسین کرد .

از فروش تجهیزات نظامی با فناوری بالا گرفته تا فروش
اورانیوم .

یکی از آخرین دستاوردهای نظامی فرانسه هواپیما های
سوپر استاندارد و همچنین موشک های لیزری بود که این
هواپیماها و موشک ها که قیمت بسیار بالایی داشت توسط
فرانسه در اختیار عراق قرار داده شد.



کتاب هشتاد به یک ناصر کاوه

نقش فرانسه در جنگ تحمیلی و کمک به صدام

فرانسه گرچه در ابتدا اعلام بی‌طرفی کرد، اما وجود برخی از منابع و آمارها نشان می‌دهد که این کشور ۴/۷ میلیارد دلار کمک مالی در اختیار رژیم بغداد قرار داد. همچنین به منظور تجهیز صدام هواپیماهای سوپر اتاندارد و موشک‌های لیزری را که از آخرین دستاوردهای صنعت نظامی فرانسه بود، در اختیار ارتش عراق قرار داد. بحث در هیأت دولت فرانسه درباره امکان حمایت از دستیابی محدود عراق به سلاح هسته‌ای در جنگ نیز دلیلی دیگر بر حمایت فرانسه از صدام بود. آغاز جنگ عراق علیه ایران، فرانسه را در یک رودربایستی قرار داد. دوراهی که بر سر آن قرار گرفته بود، خلاصه می‌شد دراین که چگونه فروش سلاح و همکاری صنعتی خود با عراق را حفظ کند، بدون این‌که ایران را از دست بدهد؟! پاریس نمی‌توانست از بغداد چشم‌پوشد، چراکه منافع اقتصادی و صنعتی مهمی در آنجا داشت. مقامات فرانسه، در عین حال، نگران بودند که پشتیبانی همه جانبه و کاملاً آشکار از عراق، ایران را به واکنش خشونت آمیزی (علیه آنان)، وادار کند.

عراق؛ الدورادوی جدید برای صنایع فرانسه

پس از جنگ اسرائیل و اعراب در ژوئن ۱۹۶۷، محبوبیت فرانسه در خاورمیانه، به دلیل بی طرفی اعلام شده توسط ژنرال دوگل در جنگ ۶ روزه، پیریزی شد. دولت فرانسه پس از مبارزات الجزایر، احساس می کرد که از نظر افکار عمومی این آزادی عمل را دارد که درباره طرفداری از اعراب، سیاست احتیاط آمیزی داشته باشد. فرانسه امیدوار بود که با بخشی از نفوذ خود، خاورمیانه را که بعد از پایان جنگ جهانی دوم از دست داده بود، بار دیگر بدست آورد. همچنین این کشور به دنبال فتح بازارهای کشورهای متعدد عربی بود که به مدد نفت، ثروتمند شده بودند. در هفتم فوریه ۱۹۶۸، ژنرال دوگل، همتای عراقی خود را در پاریس پذیرفت و روابط (بسیار خوب و دوستانه) شارلمانی [۱] با خلیفه عباسی بغداد، هارون الرشید، را به وی یادآوری کرد. او با تملق گویی و چاپلوسی، تمامی منافع را که عراق می توانست از قبل رابطه با فرانسه، داشته باشد، برای همتای عراقی خود روشن کرد. البته کار آسانی نبود چرا که عراق روابط تنگاتنگی با اتحاد جماهیر شوروی داشت

و به همین دلیل از سوی بسیاری از کشورهای غربی تحت فشار بود. تماس‌ها، موفقیت آمیز بودند.

شرکت «پانارد» که به دولت نزدیک بود، به همین مناسبت اولین سری از تجهیزات؛ شامل ۱۰۶ قبضه مسلسل اتوماتیک AML-۶۰ را به ارتش عراق فروخت. درحالی که شرکت «برلیه» و «ساویم» هم قراردادی برای تحویل ۶۸۷ دستگاه کامیون نظامی را به دست آوردند. با اعلام ملی شدن صنعت نفت عراق در بهار ۱۹۷۲، بغداد بلافاصله به پاریس اطلاع داد تمام اقدامات لازم برای حفظ منافع فرانسه، به عمل خواهد آمد. دولت عراق اعلام کرد که آماده انعقاد یک قرارداد همکاری اعطای امتیاز با کمپانی‌های نفتی فرانسوی (CFP)، گروه توتال (شرکتی که دارای ۲۳/۷۵ درصد سهام شرکت عراقی پترولیوم کمپانی IPC را داشت) و موسسه الف_اراپ، می‌باشد.

مذاکرات به مدد مداخله «ژان دورک_دانه» یکی از پرسنل CFP که در بغداد شخصیت بی همتایی بود و خود را طی ۱۵ سال به عنوان یک شخصیت مرکزی در روابط فرانسه و عراق معرفی کرده بود، به خوبی

پیش رفت. روز ۱۱ ژوئن ۱۹۷۲، صدام حسین به فرانسه رفت تا چگونگی اجرای همکاری‌های نفتی (مدالیته) بین بغداد و پاریس را نهایی کند. این اولین مسافرت وی به اروپا بود. او از این مسافرت استفاده و بر آمادگی عراق برای خرید تسلیحات تأکید کرد. او به مقامات فرانسوی لیست اقلامی را ارائه کرد و گفت که عراق مایل است هرچه زودتر آنها را دریافت کند. این لیست شامل، هواپیمای جنگی «میراژ»، بالگرد، رادار و تسلیحات مختلف زمینی بود. بخش صنعت نفت فرانسه که نگران منافع خود در عراق بود، برای حفظ این منافع، یک کمپین مطبوعاتی به نفع رژیم عراق به راه انداختند و بدین ترتیب فشار را بر روی دولت مضاعف کردند تا تحت عنوان دفاع از منافع صنایع فرانسوی، آن را مجاب به واگذاری اقلام درخواستی صدام نمایند.

ژاک شابان دلماز؛ نخست وزیر وقت و میشل دوبره؛ وزیر وقت دفاع به شدت با این حرکت موافق بودند اما والری ژیکاردستن؛ وزیر وقت دارایی بسیار محتاط و در مورد اعتبار دولت عراق مردد بود. موریس شومان؛ وزیر خارجه در این خصوص به شدت مخالف بود.

روزنامه ساندی تایمز در همان مقطع نوشت: «دولت فرانسه با فروش ۴۵ فروند موشک ضدکشتی آگروسه به مبلغ ۶۰۰ میلیون دلار به کویت (به عنوان واسطه برای تحویل به عراق) موافقت کرده است. قیمت هر یک از این موشک‌ها که بین ۲/۱ تا ۴/۱ میلیون دلار است در مدت یک سال به کویت تحویل داده خواهد شد.

THE TIMES THE SUNDAY TIMES



کتاب هشتماد به نام — ناصر کاوه

او موافق تقویت یکی از دشمنان اسرائیل (عراق) و بزرگ کردن مقامات سیاسی آنها نبود. البته او هم با شخصیت صدام حسین و قراردادهایی به ارزش بیش از سه میلیارد دلار که در جیبش بود، اغوا شد.

اولین قرارداد امضا شده بین فرانسه و عراق در زمان جنگ تحمیلی به هرحال اولین قراردادی که به امضا رسید؛ مربوط به فروش ۴۰ فروند هواپیمای «میراژ اف-۱» بود که قرار شد تا پایان سال ۱۹۸۰ تحویل عراق شود. ژاک شیراک رئیس جمهور وقت فرانسه هم حامل خبر جالبی بود: «دولت عراق خواهان همکاری فرانسه در زمینه هسته‌ای غیر نظامی شده بود که امتیازی برای جامعه «سن گوین» و «فراماسون» محسوب می‌شد.»

پیشنهاد فرانسه برای تحویل اورانیوم غنی شده به بغداد

صدام حسین توانست با اهدای قراردادهای شگرف نفتی و تسلیحاتی مقامات فرانسوی را به طمع اندازد. از این جهت بود که سرمایه داران فرانسوی در دو بخش فوق (نفت و تسلیحات) حمایت از کمپین فشار مطبوعاتی را مضاعف کردند تا دولت را برای دریافت لیست صدام

حسین مجاب کنند و استدلالشان دفاع از منافعشان در عراق بود. در خلال سال ۱۹۷۵، هیأت‌های فرانسوی و عراقی در خصوص همکاری‌های هسته‌ای بارها با یکدیگر ملاقات و مذاکره کردند. پیشنهاد پاریس؛ تحویل اورانیوم غنی شده به بغداد و ساخت یک مرکز تحقیقاتی ۸۰۰ کیلوواتی و نیز یک نیروگاه هسته‌ای ۷۰ مگاواتی با عنوان «اوسیراک» در عراق بود.

از ۵ تا ۸ سپتامبر ۱۹۷۵، صدام حسین برای به نتیجه رساندن مذاکرات به فرانسه رفت. ژاک شیراک از او با این کلمات استقبال کرد: «شما دوست شخصی من هستید، در نزد من از احترام بالایی برخوردار هستید و محبت شما در دل من جای دارد.» بهتر از او، نخست وزیر بود که با صدام به تعطیلات پایان هفته رفت و او را در مزرعه «وانکت» همراهی کرد، پیش از آن که نشان افتخار پایتخت فرانسه را به او بدهد. شارلمانی (به فرانسوی: Charlemagne)، شارل یکم فرانسه یا کارل بزرگ یا کارلوس ماگنوس.

از «بمب لیزری» فرانسوی تا «گاز خردل» آلمانی

با آغاز تجاوز صدامیان به ایران، بر حجم فروش تسلیحات و جنگ افزارهای فرانسه به رژیم بعث عراق افزوده شد؛ بگونه‌ای که در سال ۱۳۶۰ در شرایطی که یکسال از تجاوز صدامیان به ایران می‌گذشت، ۴۰ درصد از تسلیحات ساخته شده در فرانسه به عراق منتقل می‌شد.

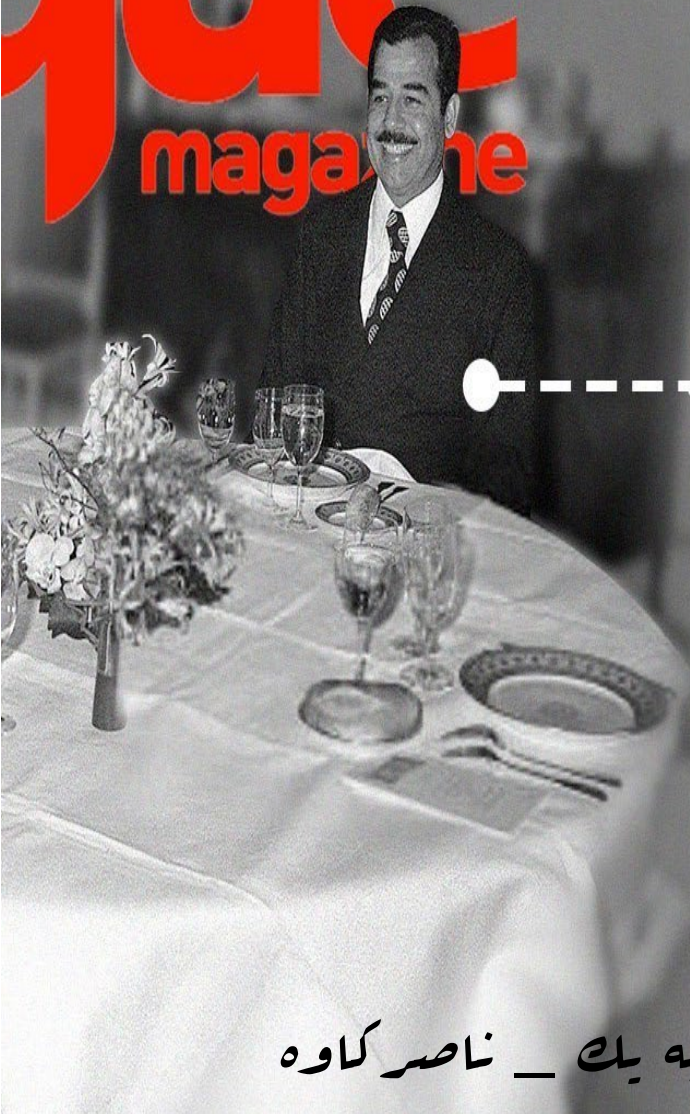
۱۳۳ فروند جنگنده «میراژ اف ۱»؛ ۵ فروند هواپیمای «سوپراتاندارد» مجهز به موشک‌های اگزوسه؛ ۱۳ سامنه موشک‌انداز متحرک؛ ۸۵ دستگاه توپ ۱۵۵ میلیمتری؛ موشک‌های هوا به هوای «مجیک»؛ بالگردهای «سوپر فرلون»؛ سیستم‌های اختلال الکترونیکی هوایی؛ خودروهای زرهی سبک و بمب‌های لیزری، از جمله جنگ‌افزارهای فرانسوی بودند که در زرادخانه رژیم صدام برای تداوم تجاوز به ایران و حمله به مردم ایران ذخیره شده بود.

اما علاوه بر فروش تسلیحات و جنگ افزارهای نظامی، فرانسوی‌ها حمایت لجستیکی ویژه‌ای نیز از صدام متجاوز به عمل آوردند؛ به گونه‌ای که حدود هزار نفر از تکنسین‌های نظامی فرانسه برای استقرار جنگ افزارهای این کشور به خاک عراق تردد داشتند؛ همچنین خلبان‌های رژیم بعث به طور محرمانه در یک پایگاه هوایی فرانسه در حوالی شهر «برنت» آموزش می‌دیدند.

علاوه بر این‌ها، پاریس در طول هشت سال تجاوز رژیم صدام به ایران، حدود هفت میلیارد دلار وام در اختیار بغداد گذاشت. همچنین چندین قرارداد ساخت تسلیحات و انتقال فناوری ساخت جنگ افزار در دوران تجاوز به ایران، میان دولت فرانسه و رژیم بعث عراق منعقد شد؛ که از میان آن‌ها می‌توان به قراردادهای «طرح ولکان» و «پروژه فاو» اشاره کرد. همچنین فرانسه در همان ایام، قراردادی برای بازسازی راکتور هسته‌ای «اوسیراک» عراق با صدام منعقد کرد.

به اعتقاد هفته نامه دینوی چاپ
برلین غربی، «اگر کمک‌های
اقتصادی و تسلیحاتی آمریکا،
انگلستان، فرانسه ایتالیا، اتریش،
آلمان فدرال و همچنین رژیم‌های
دست‌نشانده آنها نظیر برزیل،
مصر، اردن، عربستان سعودی و یا
کویت نبود رژیم عراق مدت‌ها
پیش ورشکسته شده و جنگ تجاوز
کارانه اش به پایان رسیده بود.»

ÊTRE EN AFRIQUE, ÊTRE DANS LE MONDE
que
magazine



صدام حسین
Saddam Hussein
رئیس جمهور عراق

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

هفته نامه فرانسوی ژون آفریک هم
طی مقاله‌ای درباره معامله‌های
تسلیماتی بغداد با پاریس اعلام
کرد: «میزان معامله‌های
تسلیماتی عراق با فرانسه در
سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ بیست و
هشت میلیارد دلار بوده است و
عراق بهترین مشتری فرانسه در
خاورمیانه است.»

AM
afric

ژاک شیراک
Jacques Chirac
نخست‌وزیر وقت فرانسه

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

ارتباط دیپلمات‌های فرانسوی با مسعود رجوی منافق

دکتر الجنابی با اشاره به اسناد جدیدی که از وزارت امور خارجه، وزارت کشور، وزارت دفاع و صنایع نظامی، استخبارات و دفتر نخست‌وزیری رژیم صدام معدوم به دست آمده است، می‌گوید: «فرانسوی‌ها توسط سفارت‌شان در تهران برای صدام جاسوسی می‌کردند. آنها در این ارتباط با عوامل جنایتکار گروهک تروریستی مسعود رجوی نیز همکاری داشتند و بعضا برخی دیپلمات‌های اروپایی و آفریقایی مقیم تهران را نیز به صورت محدود در این اقدامات خود به کار می‌گرفتند.

در سال‌های ۱۳۶۳، ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ که ایران نبردهای سنگینی را در جبهه‌های جزایر مجنون، نزدیک العماره، القَرنه و شلمچه و بصره و همچنین فاو تدارک دید، سفارت فرانسه در تهران به دفعات نقش منابع اطلاع‌رسانی را برای رژیم صدام باز می‌کرد.

در گزارش‌هایی که از تهران برای عراقی‌ها ارسال شده بود، به نحوه کمک‌رسانی به جبهه‌ها، اعزام نیرو، فضای روانی شهرهای زیرآتش ایران و حتی وضعیت دارویی و امدادی بیمارستان‌های ایران اشاره می‌شود،

در یکی از گزارش‌ها که مربوط به بمباران پالایشگاه اصفهان در اواخر آبان ۱۳۶۵ است، آمده است که حمله بامدادی هواپیماهای عراقی به پالایشگاهی که جور پالایشگاه آبادان برای تأمین سوخت ایران را می‌کشد، بسیار موفقیت‌آمیز بوده است، حتی بالن‌های منحرف‌کننده سیستم ناوبری هواپیماها نتوانسته خللی بر عملیات برق‌آسای هواپیماهای عراقی وارد کند و آنها مخزن آب بخار پالایشگاه را به شدت درهم کوبیده‌اند و برخی قسمت‌های دیگر این پالایشگاه که دود از آن تا چند ساعت از دور قابل رویت بوده است، نیز آسیب جدی دیده است.

گزارش اطلاعاتی جاسوسان فرانسوی

سفارت فرانسه در گزارش‌های دیگری در خصوص جنگ‌های زمینی در جنوب معرکه ایران و عراق می‌نویسد: ایرانی‌ها اگرچه کند عمل می‌کنند و به دلیل مشکلات ساختاری در تسلیحات و تاکتیک‌های نظامی دچار محدودیت هستند، اما ایجاد جای پا با تصرف فاو و جزایر استراتژیک

مجنون آنها را امیدوار کرده است که نبردها را به دروازه‌های بصره و العماره نزدیک‌تر کنند. آنچه که جاسوسان فرانسوی اعلام می‌دارند ابراز رضایت از عملکرد هواپیماهای میراژ در بمباران عقبه نیروهای ایرانی در جبهه‌های جنوبی و تأسیسات نفتی ایران به ویژه در خارک و خلیج فارس است که هم بر توان نظامی و هم بر توان اقتصادی این کشور تاثیر می‌گذارد.

رد پای دلانان فرانسوی در تجهیز تسلیحاتی صدام

صدام به واسطه دوستی عمیق با «ژاک شیراک» و روابط ویژه با کمپانی‌های اسلحه‌سازی فرانسه به‌ویژه شرکت «داسوبرگه» و همچنین پرداخت رشوه به اعضای دولت «میتران» و برخی نظامیان ارشد فرانسوی و دلانان تسلیحاتی این کشور، از این امکان برخوردار شده بود تا به غیر از دسترسی به تسلیحات فوق مدرن فرانسه، از امکانات جاسوسی سفارت این کشور در تهران نیز استفاده کند.

مهم‌ترین اسناد کمک‌های اطلاعاتی فرانسه به رژیم صدام

فرانسوی‌ها در گزارشی که منافقین نیز آن را تأیید می‌کنند به مقامات عراقی در اواخر جنگ عراق علیه ایران اطلاع می‌دهند که سطح آموزش نیروهای نظامی ایران پایین آمده است. فرانسوی‌ها برای این ادعای خود دلایلی نیز ذکر می‌کنند و همچنین تأکید می‌کنند که هرچه به پایان جنگ نزدیک‌تر می‌شویم، توان نیروی هوایی ایران در برابر نیروی هوایی عراق تحلیل می‌رود. به‌طوری که خلبان تازه‌کار عراقی نیز فرصت جولان در عمق خاک ایران را می‌یابد.

سفارت فرانسه آمار تشییع جنازه و به‌خاک سپاری رزمندگان ایرانی را به عراقی‌ها می‌داد و آن را سنجشی برای تلفات آنها در نبرد با عراق تعیین می‌کرد. در حالی که فرانسوی‌ها نمی‌توانستند خوشحالی خود را از شکست ایران در عملیات «کربلای ۴» پنهان کنند به یکباره آغاز عملیات «کربلای ۵» و گسست دشمن بعثی در برابر رزمندگان ایرانی در شلمچه و شرق بصره، آنان را شوکه می‌کند.

فرانسوی‌ها اعتقاد دارند حرکت نظامی ایران در شرق بصره از یک تاکتیک و استراتژی نظامی فراتر است.

آنها در حالی که عراقی‌ها از استحکامات خطوط پدافندی خود اطمینان داشتند، مورد حمله غافلگیرانه قرار گرفته‌اند و علی‌رغم استفاده از سلاح‌های ممنوعه توسط رژیم صدام روند نبردها به نفع ایرانی‌ها در جریان است.

سفارت فرانسه در بغداد در گزارشات و دیدارهای خود در بغداد، این گونه از «کربلای ۵» گزارش می‌دهد که در عراق با آغاز عملیات جدید ایران (کربلای ۵) اوضاع به گونه‌ای دیگر است. صدام و اطرافیانش وحشت کرده‌اند.

او شخصا به هتل شرایتون بصره رفته است و ژنرال‌هایش در کنارش متمرکز شده‌اند. حسنی مبارک رئیس جمهوری مصر و ملک حسین پادشاه اردن برای همبستگی با صدام به عراق آماده‌اند، قرار است اجلاس فوق‌العاده عرب‌ها نیز در مغرب برای حمایت از صدام و جلوگیری از سقوط صدام تشکیل بشود.

سیاهه فرانسوی؛ از «خون‌های آلوده» و «کمک به صدام»

تا «پذیرایی از منافقین» توسط فرانسوی ها

اما در خلال تجاوز رژیم صدام به ایران، معاملات تسلیحاتی میان فرانسه و این رژیم به قدری گسترده شده بود که در میانه‌های جنگ، فرستاده ویژه «والری ژیسکاردستن» رئیس جمهور وقت فرانسه، ضمن سفر به عراق به وزیر دفاع رژیم بعث یعنی «عدنان خیرالله» اعلام کرد که فرانسه می‌تواند یک بمب اتمی به صدام اعطا کند.

وابستگی رژیم صدام به تسلیحات و جنگ‌افزارهای فرانسوی در جریان تجاوز به ایران به قدری زیاد بود که سرویس‌های امنیتی فرانسه در نیمه دوم سال ۱۳۶۵ گزارش دادند که اگر فرانسه تنها سه هفته از ارسال سلاح به رژیم بعث خودداری کند، صدام شکست خواهد خورد.

فرانسه بعد از شوروی دومین کشوری
بود که بیشترین کمک‌های نظامی را به
صدام داشت به طوری که ۴۰ درصد
فروش تسلیحات فرانسه در سال ۶۱ و ۶۲
فقط متعلق به عراق بود.



فرانسه با فروش هواپیمای میراژ و
موشک‌های اگزوست که جزو تسلیحات
اصلی صدام در بمباران مناطق
مسکونی و جزایر نفتی ایران بود، نقش
مهمی در حمله به این مناطق ایفا کرد.

کتاب هستاد به یک _ ناصر کاوه

گوشه ای از جنایت‌های فرانسه بر ضد بشریت

۱. جنگ الجزایر

در ۱۸ مه ۱۸۳۰ فرانسه به بهانه آن که فرمانروای الجزایر، سه سال پیش از آن، برای وصول هفت میلیون فرانک طلب این کشور از فرانسه، پاریس را تهدید کرده بود، دستور حمله به الجزایر را صادر کرد. اما بر خلاف تصور دولت‌مردان فرانسه، مردم الجزایر در مقابل حمله به کشورشان به شدت مقاومت کردند و حتی پس از اشغال این کشور توسط سربازان فرانسوی، امیر عبدالقادر الجزایری، سال‌ها با آن‌ها مبارزه کرد. با این وصف، به دلیل برتری تجهیزات فرانسویان، آنان پس از کشتار و شکنجه مردم و تجاوز به عنف در این کشور و سرکوب مقاومت آزادی‌خواهان مسلمان الجزایری، بر این کشور مسلط شدند.

سرانجام در سال ۱۹۶۲، پس از یک جنگ استقلال‌طلبانه خونین که طی آن بین ۵۰۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰۰ نفر به دست ارتش فرانسه و جبهه ملی آزادی کشته شدند، کشور الجزایر به پایتختی الجزیره اعلام استقلال

کرد. بهانه حمله به الجزایر ادب کردن پادشاه آن کشور خوانده شد اما نتیجه آن تخریب آبادی الجزایر و آوارگی ملت آن و شکنجه و کشتن هزاران الجزایری و تجاوز وحشیانه به نوامیس آنان بود. از جمله جنایت‌های تاریخی این اشغال جدا کردن سر مسلمانان توسط نیروهای فرانسوی در الجزایر بود.

۲. جنایات فرانسه در جنگ جهانی دوم

کشتار آندلوت یکی از فجایع جنگی فرانسوی‌ها در ۱۲ سپتامبر ۱۹۴۴ است. در این تاریخ نیروهای فرانسوی حدود ۵۰۰ اسیر آلمانی را در انباری جمع کردند و به دستور فرمانده با تانک به جمعیت شلیک کردند. دست و پای قربانیان به همه سو پراکنده می‌شد و آن‌هایی که هنوز نفس می‌کشیدند را با مسلسل تیرباران کردند.

در دوران جنگ جهانی دوم، در آوریل ۱۹۴۵ شهر فرودنشتات در جنوب غربی آلمان مورد هجوم نیروهای فرانسوی قرار گرفت. فرانسوی‌ها این شهر را که مردم غیرنظامی در آن سکونت داشتند به مدت ۱۶ ساعت

زیر توپ گرفتند. حدود ۶۰۰ ساختمان، یعنی ۹۵ درصد از کل شهر در این چند ساعت نابود و ۱۴۰۰ خانوار آواره شدند. فرانسوی‌ها طی حملات بعدیشان از هر گونه خشونت و تجاوزی استفاده کردند. سربازان فرانسوی سربازان آلمانی را آغشته به گازوئیل می‌کردند و به آتش می‌کشیدند و سوختنشان را تماشا می‌کردند. صدها اسیر آلمانی در فرودگاه لو بورژ در نزدیکی پاریس کشته شدند و بسیاری از اسرا زیر چرخ‌های تانک توسط فرانسوی‌ها از بین رفتند.

۳. کمک‌های فرانسه به رژیم بعث در جنگ تحمیلی علیه ایران

مجموعه کمک‌های نظامی و اطلاعاتی فرانسه از قبل از جنگ ایران و عراق یعنی سال ۱۹۷۳ شروع شد و با شروع جنگ ۸ ساله نیز این کمک‌ها شدت گرفت. حجم کمک‌های نظامی و فروش تجهیزات فرانسه به عراق در طول جنگ تا حدی بود که این کشور در رده دوم فروشندگان تسلیحات به عراق قرار گرفت. با توجه به سند شماره ۵۳/۴/۲۰۹۹/د مورخ ۲ آوریل ۱۹۸۷ وزارت دفاع عراق، فیلیپ روندو، از

نقش خود در ارسال هواپیماهای میراث و موشک‌های رولاند خطاب به عدنان خیرالله سخن می‌گوید. وی همچنین خبر از بحث در هیئت دولت فرانسه بر سر امکان دستیابی محدود عراق به سلاح هسته‌ای در جنگ می‌دهد.

دکترین نیروی هوایی عراق بیش از شوروی به فرانسه نزدیک بود. رژیم بعث از بهترین خلبانان خود بجای هواپیماهای شوروی، بر روی هواپیماهای فرانسوی استفاده می‌کرد.

فرانسه قرار داد فروش ۱۳۳ فروند داسو میراث اف ۱ را بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۷ با عراق امضا کرد. فرانسه ۵ فروند سوپر اتاندارد در اختیار عراق قرار داد که به موشک اگزوست مجهز شده و در جنگ نفتکش‌ها توسط عراق بکار گرفته شد. در همین راستا، فرانسه هلیکوپترهای آئروسپاسیال آلوت ۴ پوما (بالگرد) سوپر فلون را در اختیار عراق قرار داد. اطلاعاتی که در سال ۱۹۹۰ منتشر شد نشان می‌داد که فرانسه از تأمین کنندگان زنجیره تولید بمب‌های شیمیایی برای عراق علیه ایران بوده‌است.

ده‌ها هزار ایرانی که بخش عمده‌ای از آنان را غیر نظامیان تشکیل می‌دادند از جمله ده‌ها هزار کرد عراقی با بمب‌های شیمیایی صدام قتل‌عام یا مجروح شدند و پس از تحمل سال‌ها درد و رنج از دنیا رفتند. یک شرکت فرانسوی در سال‌های ۶۱ تا ۶۳ داروهای فاکتور ۸ و ۹ پلاسمایی را برای ایران صادر می‌کرد، آن زمان که مقارن با جنگ تحمیلی بود؛ افراد آغشته به خون آلوده شدند و هرگز غرامت از آن شرکت درخواست نشد؛ در حالی که عراق غرامت ۱۹۸ بیمار عراقی را به دلار دریافت کرد.

۴. دست‌های آلوده فرانسه در پرونده «خون‌های آلوده»

ما در شرایط جنگی بودیم و شرایط بحران در کشور وجود داشت؛ شرکت فرانسوی در نامه‌ای اعلام کرد که حاضر به پرداخت غرامت است اما کانون هموفیلی در آن زمان پیگیری خاصی در این زمینه نداشت و اکنون بعد از ۴۰ سال این پرونده را بازگشایی می‌کنیم. دولت فرانسه هیچ گاه درباره این ماجرا عذرخواهی نکرده است؛ در حالی که براساس

قانون فرانسه، مسئولیت همه داروهایی که از این کشور صادر می‌شود برعهده دولت است و بر همین اساس دولت فرانسه باید عذرخواهی کند. با توجه به اینکه ۵۴ هزار نفر اکنون مبتلا به ایدز هستند، مسئولیت بروز بیماری تعداد زیادی از این افراد برعهده فرانسه است و ما به صورت جدی پیگیر این موضوع هستیم.



پرونده «خون‌های آلوده» به یک مشکل جدی در حوزه سلامت عمومی در اواخر دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۵ میلادی اشاره دارد که به دلیل نبود شناخت کافی و صحیح نسبت به ویروس ایدز، انجام نشدن غربالگری صحیح و فقدان پروتکل‌های مناسب پیشگیری روی داد و باعث شد تعداد

زیادی از بیماران هموفیلی به واسطه دریافت خون‌های حاوی ویروس ایدز و هپاتیت آلوده شوند.

در آن سال‌ها از طریق ارسال فاکتورهای انعقادی خون از کشور فرانسه در سال‌های دهه ۸۰ میلادی برای استفاده بیماران هموفیلی، برخی از این بیماران به ایدز مبتلا شدند و عده‌ای نیز جان باختند. قربانیان این خون‌های آلوده کشورهای بسیاری از جمله آلمان، ایتالیا، آرژانتین، پرتغال، عربستان، ایران، فرانسه، کانادا، ایرلند، بریتانیا، عراق و یونان را در بر می‌گرفت و برآوردها نشان داد که فقط در کانادا حدود ۳۳ هزار نفر به هپاتیت C و ایدز، در آمریکا حدود ۱۰ هزار نفر و در ایران هم ۱۹۳ نفر به دلیل خون‌های آلوده به ایدز مبتلا شدند.

در سال‌های دهه هشتاد میلادی، انستیتو مریو فرانسه فاکتورهای انعقادی خون را برای استفاده بیماران هموفیلی علاوه بر خود کشور فرانسه به ۱۰ کشور از جمله آلمان، ایتالیا، آرژانتین، عربستان، عراق، ایران و یونان صادر کرد. در سال‌های دهه هشتاد میلادی، انستیتو مریو فرانسه فاکتورهای انعقادی خون را برای استفاده بیماران هموفیلی

ANNE-MARIE CASTERET

L'affaire du sang

**LA DECOUVERTE
ENQUÊTES**

کتاب هشتاد به یک - ناصر کاوه

علاوه بر خود کشور فرانسه به ۱۰ کشور از جمله آلمان، ایتالیا، آرژانتین، عربستان، عراق، ایران و یونان صادر کرد. مدتی بعد فرانسه به کشورهای دریافت کننده خون اعلام کرد که خون‌ها حامل ویروس اچ‌آی‌وی/ایدز است، برخی از کشورها خون‌ها را مرجوع کردند، برخی دور ریختند، اما در برخی موارد همچون ایران، سازمان انتقال خون ایران، خون‌ها را پیش از آزمایش به بیماران تزریق کرده بود. منبع: ایرنا

۵. عملیات هوایی، نظامی و اطلاعاتی فرانسه علیه لیبی

فرانسه در سال ۲۰۱۱ میلادی نقش مهمی در حملات هوایی ناتو به لیبی داشته است. پاریس همچنین تایید کرده است که یک پایگاه نظامی پیشرفته را در شمال نیجر در مرز لیبی احداث کرده است. حمله هوایی علیه ارتش لیبی اولین بار توسط نیروی هوایی فرانسه انجام شد و طی اقدامات نیروهای فرانسوی، بسیاری از غیرنظامیان کشته شدند.

منبع: پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی

خیانت بزرگ و تاریخی فرانسه به ایران!؟

در جریان کشورگشایی‌های ناپلئون بُناپارت، امپراتور فرانسه و حمله به کشور روسیه، شکست سختی در ناحیه فریدلند به روس‌ها وارد آمد. از این رو تزار روسیه از ناپلئون تقاضای متارکه جنگ کرد و با امضای معاهده دوستی در شهر تیلسیت بین دو طرف در ۸ ژوئیه ۱۸۰۷م، روابط دوستانه بین فرانسه و روسیه ایجاد شد.



بر اساس این پیمان، که به پیمان اتحاد دو امپراتور معروف شد، روسیه و فرانسه متعهد شدند در صورت حمله کشور ثالث به خاک آنها، یکدیگر را یاری کنند. همچنین ناپلئون برای جلب رضایت و دلجویی

از تزار روسیه، ایالات مولداوی و والاشی در شرق روسیه را به روس واگذار کرد و متعهد شد که اگر سلطان عثمانی با این امر مخالفت نماید با آن مقابله خواهد کرد.

در این میان دولت ایران که بر اساس قرارداد دوستی با فرانسه، خود را برای مقابله با دشمنانی که برای نابودی ناپلئون تحریک شده بود آماده می‌کرد، ناگهان در سخت‌ترین زمان، تنها شد. ناپلئون در این عهدنامه نامی از ایران به عنوان متحد خود در منطقه نبرد و دولت فتحعلی شاه را در برابر روسیه رها کرد. پس از امضای این عهدنامه، ارتش روسیه از جبهه اروپا رهایی یافت و تمام توانش را متوجه ایران و عثمانی گردانید.

اما دوره دوستی و اتحاد دو کشور تنها تا سال ۱۸۱۰م ادامه یافت. در این سال، دولت روسیه به این نکته پی بُرد که هم پیمانی با ناپلئون و هواداری از وی، تجارت خارجی روسیه را مختل خواهد کرد. به همین دلیل این کشور، بندرهای خود را بر روی کشتی‌های بی‌طرف گشود و برای ورود کالاهای فرانسوی به روسیه نیز مالیات‌های سنگین وضع کرد

سرانجام دوران اتحاد این دو امپراتوری با هجوم نافرجام ناپلئون به روسیه در ۲۴ ژوئن ۱۸۱۲، خاتمه یافت.

عهد نامه تیلسیت در حالی بین فرانسه و روسیه بسته شد که قرارداد فین‌کنشتاین در تاریخ ۴ مه ۱۸۰۷م بین فرستاده فتحعلی‌شاه قاجار و نماینده ناپلئون منعقد شد. این قرارداد حدود هشت ماه بعد که ژنرال گاردان به تهران رسید، توسط فتحعلی‌شاه به امضاء رسید. گاردان، چنان که دیدیم، گروهی کارشناس نظامی و مهندس همراه داشت که وظیفه داشتند ضمن کمک به سازماندهی مجدد قشون ایران و افزایش توان رزمی آن، راه‌ها و امکانات لشکرکشی فرانسه به هندوستان را از طریق ایران بررسی کنند.

«افسرانی که مأمور تربیت و تعلیم سپاه جدید ایران بودند در تهران و آذربایجان به کار خود مشغول شدند و به ظاهر در حدود ۳۵ هزار نفر پیاده‌نظام ترتیب دادند، «فابویه» متخصص توپخانه در اصفهان کارخانه توپ‌ریزی تأسیس کرد و به دستور فتحعلی‌شاه ۲۰ توپ سبک

صحرائی در مدت ۸ ماه فراهم آورد. «بن‌تان» و «لامی» مأمور شدند که در اردوی عباس‌میرزا خدمت کنند.

افواج سمنانی و مازندرانی در تهران و ۲۰ هزار پیاده آذربایجانی در تبریز و ۱۴ هزار نفر سرباز در اصفهان تحت تعلیم نظامی افسران فرانسه قرار گرفتند و بعد از یک سال عده سپاه تعلیم دیده به ۳۵ هزار رسید که با سواران چریک اردوی عباس‌میرزا متحداً در جنگ‌های قفقازیه شرکت کردند».

ناپلئون در قرارداد فینک‌نشتاین متعهد شد که ارتش قاجار را مدرن کند و در ماده سوم پذیرفت گرجستان جزء ایران است و تعهد کرد در برگرداندن گرجستان به ایران تلاش کند اما فرانسه در نبرد دیپلماتیک در ایران شکست خورد و بعد از پیروزی بر روسیه و اجرای عهد نامه تیلسیت نتوانست به تعهدات خود در ایران عمل کند و انگلستان با قراردادی موفق شد همه اتباع فرانسوی را از ایران اخراج کند. منابع:

۱. راسخون

۲. ایران در دوره سلطنت قاجار»، علی‌اصغر شمیم

عهدنامه فین کن اشتاین

نتیجه این مذاکرات انعقاد قرارداد، معروف «فین کن اشتاین» بود که در تاریخ ۱۸۰۷م. (۱۲۲۲ه.ق) در ۱۶ ماده به امضاء رسید.

عهدنامه فین کن اشتاین علی‌الظاهر خواسته‌ها و مقاصد فتحعلی‌شاه را تامین می‌کرد؛ ولی مواد قرارداد طوری تنظیم شده بود که ناپلئون می‌توانست، هر موقع بخواهد، از زیر تعهدات خود شانه خالی کند.

تعهد فرانسه راجع به تدارک توپ و تفنگ و افسر و عده‌ای کارشناس نظامی، نسبت به موارد دیگر واضح و مثبت بود و همین فتحعلی‌شاه را به امضاء عهدنامه مزبور وادار نمود؛ زیرا شاه و عباس میرزا ولیعهد بر آن شدند، ارتش را نوسازی و به بسیج نیروی منظم اقدام کنند.

مفاد عهدنامه فین کن اشتاین

تعهدات فرانسه به ایران

۱. ضمانت استقلال تمامیت ارضی ایران

۲. شناختن حق ایران بر گرجستان

۳. وعده بذل مساعی کامل در مجبور ساختن روسیه به تخلیه گرجستان
و اراضی اشغالی ایران

۴. دخالت فرانسه در عقد عهدنامه صلح میان ایران و روسیه

۵. تعهد تدارک توپ و تفنگ و سلاح‌های دیگر به قدر لزوم به قیمت
بازارهای اروپا به ایران

۶. اعزام عده‌ای افسر توپخانه و مهندس پیاده نظام برای تقویت و تعلیم
ارتش ایران به سبک اروپایی.

تعهدات ایران

۱. قبول اعلان جنگ فوری به انگلیس

۲. قطع روابط سیاسی و تجاری به انگلیس

۳. احضار وزیر مختار از بمبئی

۴. اخراج کنسول و نمایندگان کمپانی انگلیس از خاک ایران

۵. بستن سرحدات زمینی و دریایی بر روی عمال انگلیس

۶. عقد اتحاد با افغان‌ها و قبایل هرات و قندهار و شوراندن آنها علیه

انگلیس

۷. جلب رضایت افغان‌ها برای عبور ارتش فرانسه از راه ایران و

افغانستان به سوی هندوستان

۸. قرار دادن بنادر ایران واقع در خلیج فارس برای ناوگان فرانسه و

مرتفع ساختن کلیه احتیاجات فرانسه در ایران.

فرانسه با امضای این عهدنامه می‌خواست، ایران را در جهت سیاست

جهانی خود قرار دهد و این توجه به خاطر موقعیت حساسی بود که

ایران داشت؛ از یک طرف با حمله به قفقاز دولت روسیه را از حملات

به اروپا باز می‌داشت و از طرف دیگر فرانسه را در رساندن به هندوستان

کمک می‌کرد...

عهدنامه تیلسیت

فتحعلی شاه می‌خواست از موقعیت فرانسه استفاده کند و به وساطت فرانسه گرجستان را متصرف شود. شاه ایران به ژنرال گاردان مکرراً گوشزد می‌کرد که کمک ایران به فرانسه در موقع لشکرکشی به هندوستان مستلزم واگذاری گرجستان به ایران می‌باشد، در غیر این صورت دولت ایران در موقع لزوم به فرانسه کمکی نخواهد کرد.

آغاز اقدامات ژنرال گاردان در ایران مقارن ایامی بود که فرانسه با کمال شدت، جنگ علیه روسها را در اروپا ادامه می‌داد و چون دولت روسیه نمی‌توانست، در دو جبهه جنگ کند، سبب شد که روسها نتوانند در جبهه قفقاز دست به اقدام جدی بزنند و علاقه داشتند، به نحوی با ایران صلح کنند و قوای خود را به جبهه اروپا گسیل دادند؛ به همین مناسبت نماینده‌ای از جانب روسیه به نام "استپانف" برای صلح وارد ایران شد و دولت ایران که به پشتیبانی دولت فرانسه و کمک ناپلئون امیدوار بود و انتظار ورود هیئت نظامی را داشت، به پیشنهاد روس اعتنایی نکرد؛ اما انقلاب عثمانی و خلع "سلطان سلیم" که بلافاصله بعد

از انعقاد عهدنامه فین کن اشتاین رخ داد، اساس سیاست ناپلئون را در شرق به هم ریخت و از آن پس امپراطور فرانسه سیاست جدیدی که مبتنی بر تضعیف عثمانی بود، در پیش گرفت و برای مقابله با انگلستان تصمیم گرفت، با روسیه متحد شود.

پس از شکست سختی که ناپلئون در «فریدلاند» به روسیه وارد کرد، "الکساندر اول" تزار روسیه تقاضای متارکه نمود و حاضر شد، در تیلسیت با امپراطور فرانسه ملاقات نماید، ملاقات دو امپراطور منجر به انعقاد عهدنامه در ۱۸۰۷م. (۱۲۲۲ه.ق) گردید که به «عهدنامه صلح تیلسیت» مشهور است و به موجب آن تغییرات مهمی در اوضاع سیاسی اروپا و دنیا وارد شد. دولت ایران از جریان قرارداد تیلسیت اطلاعی نداشت و به امید وعده‌های ناپلئون خود را آماده می‌کرد که شهرهای از دست رفته را پس بگیرد.

اثرات عهدنامه تیلسیت در ایران

فرانسه در ضمن اینکه می‌خواست، از ایران به زیان انگلیسی‌ها بهره‌مند شود، کوچک‌ترین قدم را برای پشتیبانی از ایران در برابر روسها بر

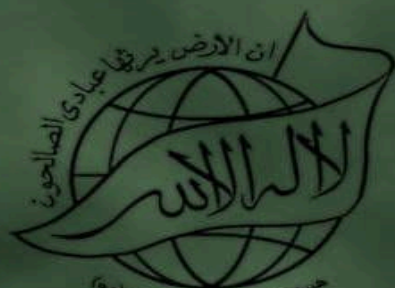
نداشت. از دستوراتی که ناپلئون به گاردان بعد از بستن قرارداد تیلسیت داده است، تغییر روش ناپلئون کاملاً واضح است؛ امپراطور فرانسه تا به حال در خصوص دفاع از حقوق ایران و تخلیه قوای روسیه از شهرهای ایران صحبت می‌کرد؛ ولی بعد از عهدنامه تیلسیت به گاردان دستور می‌دهد که بین روسیه و ایران وساطت کند و رعایت روسیه را نیز بنماید. البته بی‌اطلاعی فتحعلی شاه از جریان عقد قرارداد باعث شده بود که در مقابل روسها سخت باشد.

ناپلئون که به موجب عهدنامه فین کن اشتاین تعهداتی را نسبت به ایران به دوش گرفته بود، به یکباره آنها را نادیده گرفت و در لحظه حساسی که ایران به کمک فرانسه نیاز داشت و بر این اساس محاسباتی را انجام داده بود، فرانسه در نقطه حساس جنگ نسبت به وضع ایران بی‌اعتنایی کامل کرد و به هیچ وجه گرفتاری فتحعلی‌شاه را در نظر نگرفت و **فتحعلی‌شاه این عمل ناپلئون را خیانت شمرد**. دولت ایران که دیگر به کلی از کمک فرانسوی‌ها نا امید شده بود، تصمیم گرفت دست دوستی و اتحاد انگلستان را بفشارد. منبع: ویکی پدیا

کمک های آلمان به رژیم بعث



در ابتدا آلمان غربی و بریتانیا اجازه گسترش برنامه های موشکی و رادار های دفاعی را برای عراق صادر کردند . آلمان بعد از اینکه مشاهده کرد کمک های فرانسه کمک زیادی نمی تواند به عراق در مقابل ایران بکند ۶۰۰۰ تن بمب شیمیایی را برای صدام حسین ارسال کرد و نتیجه این ۶۰۰۰ تن بمب شیمیایی ۱۱۰۰ شهید در سردشت و ۵۰۰۰ شهید در حلبچه شد.



هسته بین المللی امام خمینی (ره)
دفتر امام خمینی (ره)

Iran Khomeini International
Core Of Shahid Beheshti University



کتاب هشدار به یک ناصر کاوه

میراث شوم آلمان و معامله با جان ایرانیان

در سالیان گذشته همراهی آلمان و سایر کشورهای اروپایی با تحریم‌های یکجانبه آمریکا موجب نقض فاحش حقوق بشر مردم ایران شده است. همچنین حافظه تاریخی ملت ایران هیچ گاه از یاد نخواهد برد که شرکت‌های آلمانی چگونه در دوران هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران با صدام بر سر جان رزمندگان و مردم ایرانی معامله کردند و روشن شده است دولت‌های غربی که به طور همه جانبه از رژیم بعث حمایت می‌کردند، در تجهیز شیمیایی عراق نقش فعالی داشتند. از جمله کشورهایی که در کنار دیگر کشورها مثل امریکا، فرانسه و انگلیس به تجهیز رژیم بعث پرداخت، آلمان بود که حتی رسانه‌ها و برخی مقامات آلمان هم به آن اعتراف کردند.

مجله «اشپیگل» چاپ آلمان ذیل یکی از گزارش‌های خود درباره جزئیات تجهیز رژیم بعث به سلاح‌های شیمیایی توسط آلمان در زمان جنگ تحمیلی می‌نویسد: یک عراقی به نام علی قاضی گرفتار زندان صدام می‌شود که با وساطت رئیس‌جمهوری و وزیر امور خارجه آلمان

از مرگ نجات پیدا می‌کند. پس از بازگشتش به آلمان با همکاری یک افسر عضو سازمان ضدجاسوسی آلمان غربی، ترتیب صدور یک کارخانه تهیه سلاح‌های شیمیایی به عراق داده می‌شود.



علی قاضی پس از بازگشت به آلمان بلافاصله با کمک یک عضو ارتش سازمان ضدجاسوسی آلمان در شهر هامبورگ شرکت صادرات و واردات تأسیس می‌کند و از طریق این شرکت از «کنسرن معروف فورستای آلمان» وسائل یک کارخانه بزرگ تولید اسلحه شیمیایی را خریداری می‌کند. این کارخانه قادر بود سالیانه یک میلیون و هفتصد و شصت هزار تن مواد شیمیایی را به گازهای کشنده خردل و تابون مبدل سازد.

صدور و حمل چنین کارخانه عظیمی به یکباره صورت نگرفت بلکه در قطعات و دفعات متعدد به واسطه ترکیه به عراق صادر می‌شد.

مجله اشپیگل در گزارش دیگری می‌نویسد: اینک در عراق در «سلمان پاک» در ساحل رودخانه دجله آزمایشگاه‌های تحقیقاتی تهیه گاز شیمیایی قرار دارد. در شهر «فلوجا» مواد خام اولیه تهیه می‌شود و بالاخره در شهر «سامره» گازهای خردل و گاز عصبی تابون به‌طور انبوه تولید می‌شود. بنابر این گزارش در هر سه شهر، شرکت‌های مختلف آلمان غربی حضور داشته و در ساختمان و تکمیل این کارخانه از آزمایشگاه تا تولید انبوه سهم بوده‌اند.



بنابر گزارش همین مجله، اطلاعات تحقیقات محرمانه حاکی از آن بود که تأسیسات شیمیایی ساخته شده توسط شرکت‌های آلمانی در سامره عراق اخیراً موفق به تولید مواد شیمیایی بسیار مرگ‌بار «تابون» و «لاست» هم شده‌اند. کارشناسان آلمانی همچنین متوجه شده‌اند که سه کارخانه فروخته شده آلمانی به عراق قادر به تولید اسید سیانیدریک غلیظ و فشرده بوده است.



ادو اولفکات، خبرنگار آلمانی روزنامه مشهور «فرانکفورتر آلگماینه» که در دوران جنگ تحمیلی خبرنگار اعزامی این روزنامه به مناطق جنگی عراق بود می‌گوید: مقامات آلمانی بسیار خرسند بودند که این گازها را

برای استفاده علیه ایران به صدام داده‌اند. علاوه بر این، آلمان طی دوران جنگ تحمیلی ساخت تأسیسات «سعد ۱۶» و قطعات کارخانه شیمیایی سامره را در اختیار رژیم بعث قرار داد و ضمن آن نیز در زمینه صنایع موشکی با بغداد همکاری کرده است. یک سخنگوی وزارت اقتصاد آلمان غریبی در اعترافات خود در این باره می‌گوید: یک پروژه نظامی موسوم به «سعد - ۱۶» در عراق توسط شرکت‌های آلمانی تحت پوشش یک مؤسسه وابسته به دانشگاه انجام شده است. با آشکار شدن نقش آلمان در تجهیز رژیم بعث عراق در دوران جنگ تحمیلی، اشیپگل ذیل یک گزارش نوشت: امروزه دیگر ثابت شده است که بدون فن‌آوری آلمان، عراق قادر به تولید موشک‌های دوربرد اسکاد B نبوده است. فن‌آوری پیشرفته آلمان که در اختیار عراق قرار می‌گرفت؛ به بغداد این امکان را می‌داد که برد موشک‌های اسکاد B را به ۶۰۰ کیلومتر افزایش دهد. علاوه بر این، آلمان همچنین ۶۰ فروند بالگرد «BO-۱۰۵» مجهز به موشک وحشتناک ضد تانک «هات» به عراق فروخت. این بالگردها به صورت محرمانه و توسط اسپانیا که مونتاژ

قسمتی از آنها را بر عهده داشت، تحویل رژیم بعث عراق شد تا نقض بی‌طرفی آلمان در برابر طرفین درگیر آشکار نشود.



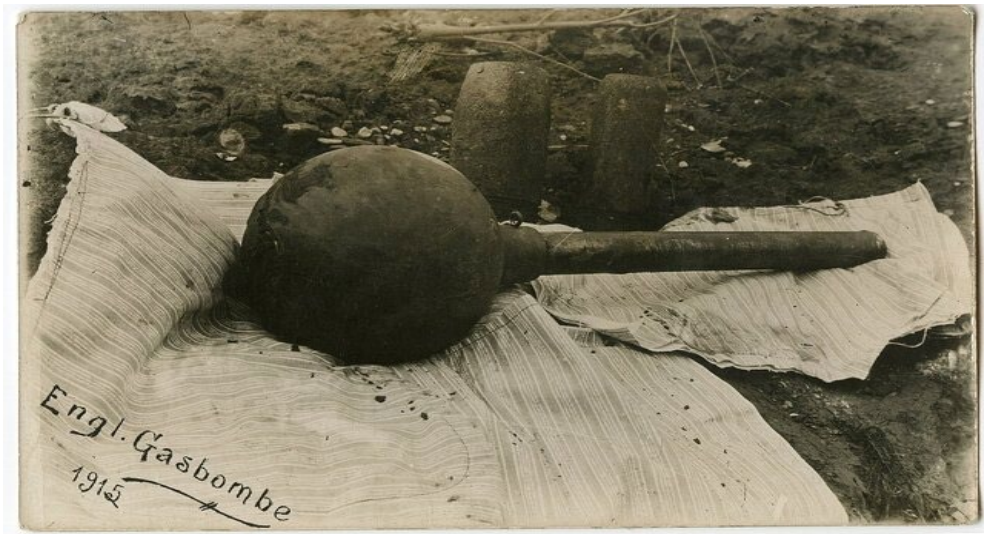
معامله هلیکوپترهای هیوز (Hughes Helicopters) راه‌هایی که از سال ۱۹۶۷ بین دو کشور عراق و آمریکا بسته شده بودند را به روی عراق گشود. شرکت «ام بی بی» آلمان چند فقره فروش عمده هلیکوپتر به عراق را از طرق مختلف مخفی ساخت نخستین فقره معامله شامل ۲۰ فروند هلیکوپتر BO۱۰۵ را مؤسسه پژوهشی استکهلم در زمینه صلح بین المللی (SIPRI) در سال ۱۹۸۱ ردیابی کرد. ظاهراً هلیکوپترهای عراقی در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳، از مونیخ به بغداد ارسال شده‌اند. البته این محموله‌ها را مستقیماً به عراق نمی‌فرستادند، بلکه ابتدا آنها را به

سوئیس منتقل کردند و شرکتی به نام «سوئیس ترانسار» تفنگ‌های آتش سریع ساخت سوئیس و سایر سلاح‌های لازم را بر آنها نصب کرد. سپس به مرز اتریش فرستاده شدند و شرکت «دنتسل» وسایل مخابراتی و دستگاه کنترل آتش مخصوص عملیات نظامی را بر روی آنها سوار کرد. یک گروه صلح طلب اتریشی آخرین این هلیکوپترها را در سال ۱۹۸۴ در فرودگاه پیچلینگ اتریش شناسایی کرد در حالی که در پوشش استتاری بودند و با هواپیمای باری عراقی حمل میشدند تا به مقصد نهایی یعنی بغداد فرستاده شوند.



اولین بمب شیمیایی تاریخ

آن طور که در کتابهای تاریخ ثبت شده است مواد شیمیایی نخستین از جمله قیر، روغن، نفت، آتش یونانی، ناپالم، دی اکسید سولفور و آرسنیک‌ها بودند که برای اولین بار در جنگ‌های پلوپونز که در سالهای ۴۰۴ تا ۴۳۱ قبل از میلاد بین اسپارت و آتن اتفاق افتاد، استفاده شد.



اما استفاده گسترده‌تر و مدرن‌تر از مواد شیمیایی در جنگ جهانی اول کلید خورد. شرکت‌های تولید مواد شیمیایی آلمان نازی برای پیروزی بر قدرت‌های اروپایی برای اولین بار از این مواد به عنوان جنگ‌افزار استفاده کردند. نازی‌ها در آلمان مبداء و منشاء تولید مواد شیمیایی

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

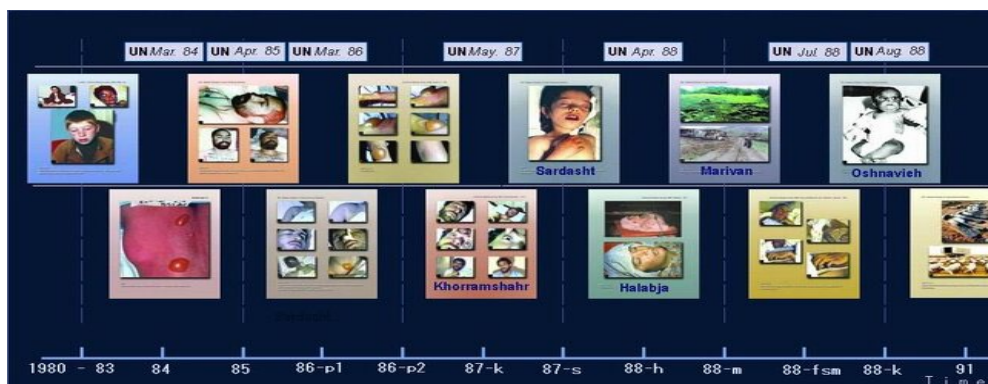
خطرناک و بمب‌ها و جنگ‌افزارهای پیشرفته در جنگ جهانی اول بودند که بیش از ۱۲۴ هزار تن انواع مواد و جنگ‌افزارهای شیمیایی را تولید کردند و موجب مرگ صدها هزار نفر و مجروح شدن بیش از یک میلیون اروپایی در این جنگ شدند. بعد از نازی‌های آلمان شرکت‌های آمریکایی به کاربرد وسیع و تاثیرگذار مواد و بمب‌های شیمیایی پی بردند و از آنها در جنگ علیه مردم ویتنام به خصوص برای پیروزی بر ویتنامی‌های مخفی شده در جنگل‌های انبوه این کشور استفاده کردند.



استفاده گسترده ارتش نازی آلمان از گاز شیمیایی در جنگ جهانی اول

کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه

با پایان جنگ جهانی اول که ۴ سال طول کشید تعدادی از کشورهای جهان در ژنو گرد آمدند و پروتکل ۱۹۲۵ را برای منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیکی و میکروبی به تصویب رساندند، اما این پروتکل هم مانع استفاده مستمر و گسترده رژیم‌های متجاوز به خصوص رژیم بعث عراق از سلاح‌های مرگبار جمعی نشد. عراق بعد از دو جنگ جهانی اول و دوم بیشترین و وسیع‌ترین حملات شیمیایی را علیه ایران انجام داد. صدام علاوه بر استفاده پراکنده از دی ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۳ به صورت پیوسته در خط مقدم رزم و شهرهای مرزی علیه ایران از گاز تابون استفاده کرد. گران قیمت بودن و سخت بودن تامین مواد اولیه گاز تابون باعث شد تا صدام به سراغ گاز وی‌ایکس که پایداری و قدرت تلفات بیشتری داشت، برود.



با تجاوز سراسری ارتش رژیم بعث عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به خاک کشورمان و شکست‌های پی‌درپی ارتش این کشور بعد از پیروزی‌ها و پیش‌روی‌های ماه‌های اول اشغال خاک کشورمان و جهت پیشگیری از شکست در نخستین ماه‌های جنگ، صدام رییس رژیم بعث عراق از چهارمین ماه شروع تجاوز نظامیش به خاک ایران از دی ۱۳۵۹ به طور پراکنده استفاده از سلاح‌های مرگبار شیمیایی علیه نیروهای ایران را آغاز کرد. با متوقف شدن دائمی پیشرفت‌های نظامی ارتش عراق در داخل خاک ایران، صدام از اوائل سال ۱۳۶۱ به صورت پیوسته به گرفتن تلفات یکجا و گسترده از رزمندگان ایران در سراسر جبهه‌های نبرد با به کار بردن سلاح‌های بیولوژیک، میکروبی و شیمیایی روی آورد.

حزب بعث عراق حتی برای پاکسازی مخالفانش در مناطق و استان‌های کردنشین کشور خودش از بمب‌های شیمیایی صرف نظر نکرد. او در جنایتی هولناک و بی‌سابقه که عملیات «انفال» نامگذاری کرد و از چهارم اسفند ۱۳۶۶ تا ۱۵ شهریور ۱۳۶۷ طول کشید با استفاده از

جنگ‌افزارها و سلاح‌های شیمیایی، هزاران تن انواع بمب‌های شیمیایی بر سر مردمش در استان‌های کرکوک، نینوا، صلاح‌الدین و دیاله و شهرهای حلبچه، منطقه کردستان، ام‌الرصاص، بصره، فاو، نجف، کربلا، بخش خورمال، پنجوین، قلعه‌دیزه، سنگ‌سر، طویلا، جوارتا، قلاچولان، ماوه‌ت، چمچمال و کلار ریخت.

در این جنایت بیش از ۴۲۰۰ روستای عراق به کلی نابود شد و بیش از ۱۸۲ هزار نفر از مردم بی‌پناه و مظلوم این مناطق به دستور مستقیم صدام قتل‌عام شدند. این جنایت سالها بعد توسط مجامع و سازمان‌های بین‌المللی و حتی صادرکنندگان تسلیحات شیمیایی به عراق به‌عنوان فجیع‌ترین جنایت بشری ثبت شد.

گزارش جنایت

کشورهای صادرکننده جنگ افزارها، تسلیحات و بمب های شیمیایی که خود در سازمان های بین المللی زیرمجموعه های سازمان ملل و شورای امنیت از جمله سازمان یونسف عضویت داشتند با تاخیرهای زیاد و طولانی بالاخره در گزارش ها و اعلامیه های شان اعلام کردند که رژیم بعث عراق طی سال های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۷ از طریق ۱۹ هزار و ۵۰۰ بمب هوایی، ۵۴ هزار گلوله توپ و ۲۷ هزار راکت کوتاه برد بیش از ۱۸۰۰ تن گاز خردل، ۱۴۰ تن گاز اعصاب تابون و ۶۰۰ تن گاز اعصاب سارین بر سر رزمندگان ایرانی در جبهه های غرب و جنوب ریختند.

ارتش بعث عراق تنها در ۳۷۸ بمباران شیمیایی استان ها و شهرهای مرزی ایران، جان بیش از ۱۰۰ هزار نفر و جانبازی دهها هزار خانواده ایرانی و انواع آلودگی های دائمی انسانی و زیست محیطی که تاثیر مستقیمی بر نسل های آینده آنان گذاشت را موجب شد.

شدت و حجم بکارگیری سلاح‌های شیمیایی علیه شهروندان و رزمندگان ایران در جنگ هشت ساله به حدی زیاد بود که کشورمان بعد از ژاپن که طی دو حمله اتمی آمریکا به شهرهای ناکازادی و هیروشیما در جنگ جهانی دوم بیش از ۲۵۰ نفر از شهروندانش را از دست داد، رتبه دوم بالاترین شهدای میکروبی و شیمیایی را در اختیار دارد.

سالها بعد از سرنگونی رژیم بعث، مقامات وقت عراق در گزارشی که در سال ۱۳۷۰ منتشر کردند اعلام داشتند در طول سالهای بمباران شیمیایی استان‌های جنوبی و غربی ایران و کشتار بی‌رحمانه مناطق کردنشین عراق بیش از ۱۷ هزار ۶۰۲ تن انواع جنگ‌افزارها و مواد اولیه تولید بمب‌های شیمیایی از صدها شرکت از ایالات متحده، شوروی، چین، آلمان، فرانسه، اسپانیا، ایتالیا، هلند، اتریش، لوکزامبورگ، مصر، هند، برزیل و سنگاپور دریافت کردند.

وقتی شهرهای ایران شیمیایی شد!

ارتش عراق از تابستان سال ۱۳۶۱ تا پایان جنگ در مرداد ۱۳۶۷ به صورت مستمر شهرهای مرزی ایران از جمله حاج عمران، زرده، نساردیره، نساردیره سفلی، شاهماردیره، باباجانی، دودان، شیخ صله، مریوان، بانه و روستاهای مجاور، پیرانشهر، نودشه از روستاهای استان کرمانشاه، سردشت، اشنویه، سومار، طلائیه و جزایر مجنون را بمباران شیمیایی کرد. ارتش بعث صدام مناطق عملیاتی عملیات رمضان را از ۲۲ تیر تا ۷ مرداد ۱۳۶۱، مناطق عملیاتی عملیات خیبر در ایران و منطقه حلبچه عراق را از سوم تا ۲۲ اسفند ۱۳۶۲، مناطق عملیاتی والفجر ۲ در شمال غرب ایران را از ۲۹ تیر تا ۱۳ مرداد ۱۳۶۲ و مناطق عملیاتی عملیات والفجر ۴ را از ۲۷ مهر تا ۳۰ آبان ۱۳۶۲ به صورت مستمر بمباران شیمیایی کرد. علاوه بر این عملیات‌ها، رژیم بعث در عملیات‌های والفجر ۸ و فتح فاو، عملیات کربلای ۸، عملیات بدر، نبرد دوم فاو و عملیات توکلنا علی‌الله به صورت گسترده و پیوسته از انواع بمب‌های بیولوژیکی و شیمیایی علیه رزمندگان ایرانی و شهروندان کرد عراقی استفاده کرد.

کاری که صدام بی‌اعصاب با بمب‌های شیمیایی کرد!؟

هر قدر از شروع جنگ می‌گذشت و صدام بیشتر به خلل‌ناپذیر بودن قدرت مقاومت رزمندگان ایرانی در جبهه‌های غرب و جنوب پی می‌برد، بر به کار بردن مواد میکروبی و شیمیایی جدید مصرتر می‌شد.

دو گاز سارین و خردل از جمله سلاح‌های شیمیایی فراوانی بودند که در حجم وسیع‌تری توسط صدام و ارتش بعث عراق علیه رزمندگان ایرانی و شهروندان کرد عراقی به کار گرفته شد. این دو گاز تأثیرات بلند مدتی چون نابینایی، بیماری‌های پوستی و گوارشی، ناباروری، نقص عضوهای پیش از تولد و انواع سرطان داشت.

بر اساس گزارش بازرسان سازمان ملل متحد از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۷ موارد متعددی از گاز خرد و عوامل اعصاب علیه رزمندگان ایرانی و غیر نظامیان ساکن روستاها و شهرهای مرزی ایران استفاده شد.

شرکت‌های آلمانی همانطور که در جنگ جهانی اول رتبه اول تولید مواد اولیه و جنگ‌افزارهای شیمیایی را در اختیار داشتند در جنگ هشت

ساله عراق علیه ایران نیز رتبه نخست و سهم بالایی از صادرات جنگ‌افزارهای شیمیایی و ساخت کارخانه‌های تولید سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی در عراق را در اختیار داشتند. بعد از آلمان آمریکا، فرانسه، هلند، انگلیس و شوروی در صادر کردن مواد اولیه و ساخت و فروش تسلیحات یا تجهیزات شیمیایی به عراق نقش اساسی داشتند.

استمداد ایران از سازمان ملل

ماه‌ها بعد از درخواست رسمی مقامات وقت کشورمان از سازمان ملل برای ممانعت از استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی، اکیپ‌ها و تیم‌های تخصصی این سازمان در پنج نوبت اسفند ۱۳۶۲، فروردین، بهمن و اسفند ۱۳۶۴، فروردین و اسفند ۱۳۶۶ و تیر و مرداد ۱۳۶۷ به مناطق جنگی ایران سفر کردند. تیم‌های حقیقت‌یاب سازمان ملل طی مدت حضورشان در ایران علاوه بر بازرسی‌های میدانی به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی ایران رفتند و با تجزیه و تحلیل‌های آزمایشگاهی و نمونه‌گیری‌های انجام شده بکارگیری ارتش عراق از گاز خردل و عوامل اعصاب علیه ایرانیان را تایید کردند و گزارش‌های‌شان را به اعضای

شورای امنیت دادند. آنان حتی برای آزمایشات بیشتر برخی مجروحان شیمیایی ایران را به بیمارستان‌های اروپایی منتقل کردند.

شورای امنیت سازمان ملل بعد از دریافت گزارش‌های تیم‌های حقیقت‌یاب در دو بیانیه جداگانه که در تاریخ‌های ۲۳ اسفند ۱۳۶۲ و یک فروردین ۱۳۶۵ صادر کرد، رژیم بعث عراق را به دلیل حملات شیمیایی محکوم کرد، اما این بیانیه‌ها هیچ اثری در کاهش استفاده مستمر و گسترده سلاح‌های شیمیایی علیه رزمندگان ایرانی و شهروندان کرد عراق نداشت.

شورای امنیت سازمان ملل علاوه بر دو بیانیه فوق سه بیانیه دیگر هم در تاریخ‌های ۱۰ فروردین ۱۳۶۳، ۵ اردیبهشت ۱۳۶۴ و ۶ فروردین ۱۳۶۵ صادر کرد اما هیچ یک از آنها مانع از بمباران میکروبی و شیمیایی استان‌ها و شهرهای مرزی ایران توسط ارتش متجاوز عراق نشد. ارتش عراق بعد از صدور هر یک از بیانیه‌ها حملات شیمیایی گسترده‌تری را علیه رزمندگان ایرانی در میدان نبرد و علیه مردم بی‌پناه و مظلوم ایرانی و عراقی در پشت جبهه ترتیب می‌داد.

کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه

منابع:

سوداگری مرگ / کنت آر. تیمرمن؛ ترجمه احمد تدین / رسا / ۱۳۷۶

خاطری شهریار، جنگ شیمیایی عراق علیه ایران به روایت اسناد

سازمان ملل، انتشارات صریر، ۱۳۸۶



فهرستی از «خباثت» های ۵۰ ساله آلمان علیه ملت ایران

«سردشت»، «حلبچه»، «سرپل ذهاب»، «گیلانغرب»، «اشنویه»، «فاو» و ... این‌ها اسامی مناطقی است که صدامیان در آن‌ها علیه مردم ایران، تسلیحات شیمیایی به کار می‌بردند؛ تسلیحاتی که بنا به اقرار آلمانی‌ها، دولت برلین در ساختش با رژیم صدام مشارکت داشت.



بنا به گفته «سید کمال لوح موسوی» دبیر حمایت از جانبازان شیمیایی، هم اکنون ۱۵۰ هزار جانباز شیمیایی در کشور وجود دارد؛ جانبازانی که به دلیل مشکلات عدیده جسمی، زندگی مشقت بار و بسیار سختی

دارند و اغلب آن‌ها پس از گذراندن یک دوره ۱۰ الی ۱۵ ساله تحمل بیماری طاقت فرسا، به فیض شهادت می‌رسند.

نام دولت آلمان در فهرست حامیان تسلیحاتی و شیمیایی صدام جنایتکار، برجسته است؛ آلمان سهم ویژه‌ای در تجهیز زرادخانه صدام متجاوز داشت و به همراه آمریکا، از بزرگترین تامین کنندگان تسلیحات شیمیایی و بیولوژیک صدام بود.

رژیم صدام در طول جنگ، ۳۵۰۰ بار به ایران حمله شیمیایی کرد که ۳۰ مورد از آن‌ها در مناطق مسکونی بود و این حملات که در زمره جنایت جنگی محسوب می‌شد، غالباً با تسلیحات شیمیایی آلمانی انجام می‌گرفت. چند سال پس از پایان جنگ تحمیلی، یک موسسه مرتبط با مسائل نظامی غرب آسیا در پاریس با نام «وزینتال» طی گزارش مبسوطی اعلام کرد که از ۲۰۷ شرکت طرف قرارداد با رژیم صدام برای تسلیح شیمیایی ارتش بعثی عراق، ۸۶ شرکت آلمانی بودند.

همچنین در اسفند سال ۱۳۶۵ در میانه‌های جنگ، یک نشریه آلمانی با نام «اشترن» گزارشی از تسلیحات شیمیایی عراق و کارخانه صنایع

شیمیایی این کشور در ۱۲۰ کیلومتری شمال بغداد، منتشر کرد. کارخانه‌ای به وسعت ۲۵ کیلومترمربع که در آن دو ردیف سیم خاردار بلند نصب شده و به وسیله موشک‌های زمین به هوا محافظت می‌شد. رژیم صدام در کارخانه مزبور، «گاز خردل»، «تابون» و «سارین» جهت استفاده در جنگ علیه ایران، تولید می‌کرد.



تمام مواد اولیه و تجهیزات این کارخانه با هزینه تقریبی یک میلیارد مارک از شرکت‌های آلمانی و مشخصاً شرکتی با نام «پیلوت پلانت» تهیه شده بود. در گزارش نشریه آلمانی «اشترن» به این نکته نیز اشاره

شده بود که در طول جنگ میان ایران و عراق شرکتی در هامبورگ واقع در شمال آلمان، برای تولید گاز خردل، ماشین‌آلات به بغداد صادر می‌کرد. امام خامنه‌ای: در چند سخنرانی خود نیز مسئولان را از هرگونه اعتماد و دلخوش کردن به اروپا در قضیه برجام برحذر داشتند؛ از جمله ایشان در دوم خرداد ۱۳۹۷ در دیدار رضانی مسئولان نظام فرمودند:

ما بنای دعوا کردن با اروپایی‌ها را نداریم؛ با این سه کشور اروپایی بنای معارضة و مخالفت و بگومگو نداریم، اما واقعیت‌ها را باید بدانیم. این سه کشور (آلمان، فرانسه و انگلیس) نشان داده‌اند که در حساس‌ترین موارد با آمریکا همراهی می‌کنند و دنبال آمریکا حرکت می‌کنند.



نقش آلمان در تجهیز صدام در جنگ تحمیلی علیه ایران

آلمان طی دوران جنگ تحمیلی ساخت تأسیسات «سعد ۱۶» و قطعات کارخانه شیمیایی سامره را در اختیار رژیم بعث عراق قرار داد و ضمن آن نیز در زمینه صنایع موشکی با بغداد همکاری کرد. یک سخنگوی وزارت اقتصاد آلمان غربی در اعترافات خود در این باره گفته است: یک پروژه نظامی موسوم به «سعد - ۱۶» در عراق توسط شرکت‌های آلمانی تحت پوشش یک مؤسسه وابسته به دانشگاه انجام شده است.

در پی پیشگامی آلمان برای برگزاری نشست ویژه شورای حقوق بشر در مورد رویدادهای اخیر کشورمان و تکرار اظهارات مداخله‌جویانه و بی‌پایه و اساس مقامات آلمانی، هانس اودو موتسل، سفیر جمهوری فدرال آلمان به وزارت امور خارجه احضار شد.

در سالیان گذشته همراهی آلمان و سایر کشورهای اروپایی با تحریم‌های یکجانبه آمریکا که موجب نقض فاحش حقوق بشر مردم ایران شده است. همچنین حافظه تاریخی ملت ایران هیچ گاه از یاد نخواهد برد که شرکت‌های آلمانی چگونه در دوران هشت سال جنگ

تحمیلی عراق علیه ایران با صدام بر سر جان رزمندگان و مردم ایرانی معامله کردند. از این سو باید گفت که آلمان فاقد هر گونه وجاهت و صلاحیت برای طرح ادعاهای حقوق بشری است چرا که با وجود ممنوعیت به کارگیری سلاح‌های شیمیایی توسط سازمان ملل، در جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران، به طور مکرر این سلاح‌ها توسط رژیم بعث مورد استفاده قرار می‌گرفت.



اکنون روشن شده است دولت‌های غربی که به طور همه جانبه از رژیم بعث حمایت می‌کردند، در تجهیز شیمیایی عراق نقش فعالی داشتند. از جمله کشورهایی که در کنار دیگر کشورها مثل امریکا، فرانسه و

انگلیس به تجهیز رژیم بعث پرداخت آلمان بود که حتی رسانه‌ها و برخی مقامات آلمان هم به آن اعتراف کردند.

حافظه تاریخی ملت ایران هیچ گاه از یاد نخواهد برد که شرکت‌های آلمانی چگونه در دوران هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران با صدام بر سر جان رزمندگان و مردم ایرانی معامله کردند. از این سو باید گفت که آلمان فاقد هر گونه وجاهت و صلاحیت برای طرح ادعاهای حقوق بشری است چرا که با وجود ممنوعیت به کارگیری سلاح‌های شیمیایی توسط سازمان ملل، در جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران، به طور مکرر این سلاح‌ها توسط رژیم بعث مورد استفاده قرار می‌گرفت.

دولت‌های غربی که به طور همه جانبه از رژیم بعث حمایت می‌کردند، در تجهیز شیمیایی عراق نقش فعالی داشتند. از جمله کشورهایی که در کنار دیگر کشورها مثل امریکا، فرانسه و انگلیس به تجهیز رژیم بعث پرداخت آلمان بود که حتی رسانه‌ها و برخی مقامات آلمان هم به آن اعتراف کردند.

کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه

در مجموع ۲۰۷ شرکت اروپایی از جمله شرکت‌هایی از کشورهای هلند، آلمان و فرانسه در دوران جنگ تحمیلی به رژیم بعث عراق سلاح کشتار جمعی شیمیایی و تجهیزات مرتبط با آن را فروختند که بعدها دادگاه بین‌المللی «لاهی» جنایت بمباران شیمیایی صدام را نسل‌کشی علیه بشریت اعلام و به آن رای داد.

روزنامه «واشنگتن پست» در یکی از گزارش‌های خود حمایت شیمیایی آلمان از عراق در دهه ۱۹۸۰ را موضوعی دانسته که اسناد و شواهد فراوانی برای آن وجود دارد. ضمن اینکه تا سال ۱۹۸۹، پشتیبانی آلمان از عراق در زمینه تسلیحات شیمیایی موجب شد تا این کشور به بزرگترین تولیدکننده گازهای شیمیایی جنگی خاورمیانه تبدیل شود.



بر اساس آماری که در این اسناد و مدارک منتشر شده است تعداد شرکت‌های آلمانی تامین کننده تسلیحات شیمیایی رژیم صدام در جنگ با ایران به رقم ۸۰ مورد رسید که نشان دهنده حجم گسترده این حمایت‌ها و پشتیبانی‌ها است. همچنین گزارش ۱۱ هزار صفحه‌ای ارسال شده در سال ۲۰۰۲ برای سازمان ملل متحد، جزئیات نحوه تشویق عراق از سوی شرکت‌های آلمانی برای تولید سلاح‌های شیمیایی و معمولی را به خوبی و با لحاظ کردن تمامی موارد و جزئیات تشریح کرده است.



کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه

کمک‌های شیمیایی:

مقام نخست آلمان در توسعه تسلیحات شیمیایی به عراق
تیمر من محقق و نویسنده امریکایی:

«شرکت آلمانی کارل کولمب سر انجام ۶ خط تولید سلاح شیمیایی
جداگانه به نام احمد، محمد، عیسی، عانی، مدای و قاضی در مجتمع
سامره ایجاد کرد. اولین آنها در سال ۱۹۸۳ و آخرینشان در سال ۱۹۸۶
تکمیل شدند. از گاز خردل و اسید پروسیک تا گازهای عصبی سارین و
تابون در این کارخانه تولید می‌شدند و در خمپاره‌ها، راکتها و
گلوله‌های توپ جاسازی می‌شدند. بی‌تردید این بزرگترین کارخانه
سلاح شیمیایی در جهان بود.»

رادیو بی بی سی به نقل از مجله اشپیگل:

«هیچ کشوری به اندازه آلمان چنین کمک تحقیقاتی و تولیدی به عراق
در تهیه یک نوع سلاح کشنده و تعیین کننده نکرده است.»

مجله «اشپیگل» چاپ آلمان نیز ذیل یکی از گزارش‌های خود درباره جزئیات تجهیز رژیم بعث به سلاح‌های شیمیایی توسط آلمان نوشت: یک عراقی به نام علی قاضی گرفتار زندان صدام می‌شود که با وساطت رئیس‌جمهوری و وزیر امور خارجه آلمان از مرگ نجات پیدا می‌کند. پس از بازگشت وی به آلمان با همکاری یک افسر عضو سازمان ضدجاسوسی آلمان غربی، ترتیب صدور یک کارخانه تهیه سلاح‌های شیمیایی به عراق داده می‌شود. به گزارش این مجله، علی قاضی پس از بازگشت به آلمان بلافاصله با کمک یک عضو ارتش سازمان ضدجاسوسی آلمان در شهر هامبورگ شرکت صادرات و واردات تأسیس می‌کند و از طریق این شرکت از «کنسرن معروف فورستای آلمان» وسائل یک کارخانه بزرگ تولید اسلحه شیمیایی را خریداری می‌کند. این کارخانه قادر بود سالیانه یک میلیون و هفتصد و شصت هزار تن مواد شیمیایی را به گازهای کشنده خردل و تابون مبدل کند. بنابراین گزارش، صدور و حمل چنین کارخانه عظیمی به یک‌باره صورت نگرفته بلکه در قطعات و دفعات متعدد به واسطه ترکیه به عراق صادر می‌شد.

بنابر گزارش همین مجله، اطلاعات تحقیقات محرمانه حاکی از آن است که تأسیسات شیمیایی ساخته شده توسط شرکت‌های آلمانی در سامره عراق در زمان خود موفق به تولید مواد شیمیایی بسیار مرگ‌بار تابون و لاست هم شده‌اند. کارشناسان آلمانی همچنین متوجه شده بودند که سه کارخانه فروخته شده آلمانی به عراق قادر به تولید اسید سیانیدریک غلیظ و فشرده است. «ادو اولفکات» خبرنگار آلمانی روزنامه مشهور «فرانکفورتر آلماینه» که در دوران جنگ تحمیلی خبرنگار اعزامی این روزنامه به مناطق جنگی عراق بود، می‌گوید: مقامات آلمانی بسیار خرسند بودند که این گازها را برای استفاده علیه ایران به صدام داده‌اند.



همچنین در اسفند سال ۱۳۶۵ در میانه‌های جنگ، یک نشریه آلمانی با نام «اشترن» گزارشی از تسلیحات شیمیایی عراق و کارخانه صنایع شیمیایی این کشور در ۱۲۰ کیلومتری شمال بغداد، منتشر کرد. کارخانه‌ای به وسعت ۲۵ کیلومترمربع که در آن دو ردیف سیم خاردار بلند نصب شده و به وسیله موشک‌های زمین به هوا محافظت می‌شد. رژیم صدام در کارخانه مزبور، «گاز خردل»، «تابون» و «سارین» جهت استفاده در جنگ علیه ایران، تولید می‌کرد. نکته قابل تامل آنکه مواد اولیه و تجهیزات این کارخانه با هزینه تقریبی یک میلیارد مارک از شرکت‌های آلمانی و مشخصاً شرکتی با نام «پیلوت پلانت» تهیه شده بود. در گزارش نشریه آلمانی «اشترن» به این نکته نیز اشاره شده بود که در طول جنگ میان ایران و عراق شرکتی در هامبورگ واقع در شمال آلمان، برای تولید گاز خردل، ماشین‌آلات به بغداد صادر می‌کرد. با آشکار شدن نقش آلمان در تجهیز رژیم بعث عراق در دوران جنگ تحمیلی، اشیپگل ذیل یک گزارش نوشت: امروزه دیگر ثابت شده است که بدون فن‌آوری آلمان، عراق قادر به تولید موشک‌های دوربرد اسکاد

B نبوده است. فن آوری پیشرفته آلمان که در اختیار عراق قرار می‌گرفت؛ به بغداد این امکان را می‌داد که برد موشک‌های اسکاد B را به ۶۰۰ کیلومتر افزایش دهد. علاوه بر این، آلمان همچنین ۶۰ فروند بالگرد «BO-۱۰۵» مجهز به موشک وحشتناک ضد تانک «هات» به عراق فروخت. این بالگردها به صورت محرمانه و توسط اسپانیا که مونتاژ قسمتی از آنها را بر عهده داشت، تحویل رژیم بعث عراق شد تا نقض بی‌طرفی آلمان در برابر طرفین درگیر آشکار نشود.



Rhein Bayern Fahrzeugbau:

این شرکت با مشارکت ۵ شرکت آلمانی دیگر، تجهیزات لازم برای تولید سم بوتولین و مایکوتوکسین را به عراق منتقل کرده است. پاسخ سخنگوی شرکت در این مورد، «بی اطلاعی از صادرات تجهیزات با خاصیت بیولوژیک» بود. با وجود انجام تحقیقاتی ۱۸ ماهه، هرگز اتهامی رسمی علیه این شرکت مطرح نشده است. هرچند برخی از مقام‌های این شرکت در زندان هستند. در پایان باید گفت که تعداد زیادی از شرکت‌های آلمانی، کارخانه تولید صدها تن گاز سمی مهلک و دیگر تجهیزات مورد نیاز برای پر کردن تسلیحات شیمیایی را برای عراق تهیه کردند. شش شرکت آلمانی نیز برخی تجهیزات مورد نیاز عراق را برای ساخت سلاح‌های میکروبی سم «بوتولین» و «مایکوتوکسین» تهیه کردند. روزنامه واشنگتن پست گزارش داد که اسناد و مدارک زیادی مبنی بر حمایت آلمان از رژیم صدام در دهه هشتاد قرن گذشته با مواد شیمیایی موجود است. این حمایت تا سال ۱۹۸۹ عراق را به بزرگترین تولیدکننده گازهای شیمیایی در خاورمیانه تبدیل کرده بود.

مشارکت در جنایت جنگی

ماجرای ساخت کارخانه «بمب اتمی فقرا» در عراق به کمک آلمان

بنابر گزارش همین مجله، اطلاعات تحقیقات محرمانه حاکی از آن است که تأسیسات شیمیایی ساخته شده توسط شرکت‌های آلمانی در سامره عراق اخیراً موفق به تولید مواد شیمیایی بسیار مرگ‌بار تابون و لاست هم شده‌اند. کارشناسان آلمانی همچنین متوجه شده‌اند که سه کارخانه فروخته شده آلمانی به عراق قادر به تولید اسید سیانیدریک غلیظ و فشرده است. ادو اولفکات، خبرنگار آلمانی روزنامه مشهور «فرانکفورتر آلگماینه» که در دوران جنگ تحمیلی خبرنگار اعزامی این روزنامه به مناطق جنگی عراق بود می‌گوید: مقامات آلمانی بسیار خرسند بودند که این گازها را برای استفاده علیه ایران به صدام داده‌اند.

علاوه بر این، آلمان طی دوران جنگ تحمیلی ساخت تأسیسات «سعد ۱۶» و قطعات کارخانه شیمیایی سامره را در اختیار رژیم بعث قرار داده و ضمن آن نیز در زمینه صنایع موشکی با بغداد همکاری کرده است. یک سخنگوی وزارت اقتصاد آلمان غربی در اعترافات خود در این باره

می‌گوید: یک پروژه نظامی موسوم به «سعد - ۱۶» در عراق توسط شرکت‌های آلمانی تحت پوشش یک مؤسسه وابسته به دانشگاه انجام شده است.

بنابر گزارش اسپیکل، شرکت‌های تسلیحاتی آلمانی متعلق به گروه «ام.بی.بی» بیش از آن‌چه تصور می‌رفت در تقویت قدرت نظامی عراق دست داشته‌اند. به طور مثال یک سلاح ساخته شده توسط ام.بی.بی که موج انفجاری آن مشابه با انفجار یک بمب کوچک اتمی است از طریق مصر به عراق فروخته شده است.



ام.بی.بی همچنین از طریق شرکت فرانسوی «اوپرومیسیل» حدود ۱۰ هزار قبضه موشک ضدتانک سیستم میلان و هات و نیز ۱۰۵۰ موشک ضدهوایی رولاند به عراق فروخته است.

با آشکار شدن نقش آلمان در تجهیز رژیم بعث عراق در دوران جنگ تحمیلی، اشیگل ذیل یک گزارش نوشت: امروزه دیگر ثابت شده است که بدون فن‌آوری آلمان، عراق قادر به تولید موشک‌های دوربرد اسکاد B نبوده است.

فن‌آوری پیشرفته آلمان که در اختیار عراق قرار می‌گرفت؛ به بغداد این امکان را می‌داد که برد موشک‌های اسکاد B را به ۶۰۰ کیلومتر افزایش دهد. علاوه بر این، آلمان همچنین ۶۰ فروند بالگرد «BO-۱۰۵» مجهز به موشک وحشتناک ضد تانک «هات» به عراق فروخت. این بالگردها به صورت محرمانه و توسط اسپانیا که مونتاژ قسمتی از آنها را بر عهده داشت، تحویل رژیم بعث عراق شد تا نقض بی‌طرفی آلمان در برابر طرفین درگیر آشکار نشود.

آلمان چه کمک های را در جنگ ایران و عراق به صدام کرد

حمله شیمیایی رژیم صدام علیه ایران، جنایتی نابخشودنی است که با مشارکت شماری از کشورهای غربی و از همه مهمتر آلمان انجام شد به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ستاد حقوق بشر، همکاری کشورهای غربی در جنایات شیمیایی رژیم صدام علیه ایران، موضوعی است که با وجود گذشت چند دهه همچنان قابل توجه است و قربانیان این جنایت هنوز موفق به گرفتن حق خود نشده اند. تاکنون همکاری و حمایت شیمیایی کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان و چند کشور غربی دیگر از عراق در جریان حمله رژیم بعث به ایران مستند شده است اما قطعنامه های محکومیت این کشورها در سازمان ملل غالبا توسط آمریکا و انگلیس مسدود و وتو شده اند. مهم ترین کشوری که در این جنایت علیه بشریت با اهداف سودجویانه شرکت داشت، آلمان و شرکت های فعال در این کشور بودند. مقامات ایران تاکید کردند که هرگز دست از پیگیری جنایت آلمان مبنی بر مسلح کردن «صدام» با سلاح های شیمیایی بر نمی دارند.

طبق گزارش «واشنگتن پست و پپلز وُرد»، حمایت شیمیایی آلمان از عراق در دهه ۱۹۸۰ موضوعی است که اسناد و شواهد متعددی برای آن وجود دارد؛ تا سال ۱۹۸۹، پشتیبانی آلمان از عراق در زمینه تسلیحات شیمیایی سبب شد تا این کشور به بزرگترین تولیدکننده گازهای شیمیایی جنگی خاورمیانه تبدیل شود. بر اساس آماری که در اسناد منتشر شده، شمار شرکت‌های آلمانی تامین کننده تسلیحات شیمیایی رژیم صدام در جنگ با ایران، به رقم ۸۰ مورد رسید که نشان دهنده گستردگی این حمایت است.



گزارش ۱۱ هزار صفحه‌ای ارسال شده در سال ۲۰۰۲ برای سازمان ملل، جزئیات نحوه تشویق عراق از سوی شرکت‌های آلمانی برای تولید سلاح‌ها اعم از شیمیایی و معمولی را تشریح کرد. در گزارش مذکور اشاره شده که پس از بمباران شیمیایی مکرر توسط رژیم بعث، اگرچه دولت آمریکا تحت تاثیر افکار عمومی ناچار به کاهش همکاری‌های نظامی خود با عراق شد، اما شرکت‌های آلمانی، به همکاری خود تا زمان شروع جنگ خلیج فارس ادامه داد. گزارش محققان عراقی در مورد همکاری شیمیایی رژیم صدام و شرکت‌های آلمانی با اشاره به ساخت تسلیحات شیمیایی با پول عراق و فکر آلمان، به طیف گسترده‌ای از این همکاری‌ها پرداخته است. از نظر تاریخی، آلمانی‌ها در کشف و تولید گازهای سمی کُشنده مورد استفاده در جنگ، استادانی بی رقیب بوده اند. گاز خردل که توسط دانشمندان آلمانی کشف و نخستین بار در سال ۱۹۱۷ مورد استفاده قرار گرفت، از آن جمله است. کشف گاز عامل اعصاب «تابون» در سال ۱۹۳۷ و ترکیب شیمیایی مشابهی با نام «سارین» که ترکیبشان در فلج کامل عضلات و در نهایت موثر هستند، از دیگر اکتشافات خطرناک شیمیایی آلمان‌ها هستند. «اسید سیانید»،

ترکیب شیمیایی پیچیده تری است که طی جنگ جهانی اول در سال‌های ۱۸-۱۹۱۴ سبب مرگ هزاران نفر شد. بروز چنین صحنه‌های خطرناکی در نهایت منجر به تدوین پروتکل ۱۹۲۵ «ژنو» شد تا کنترل دقیق جنگ انجام شود. این نخستین سند بین‌المللی بود که کشورهای درگیر جنگ را از استفاده از تسلیحات شیمیایی و بیولوژیکی منع می‌کرد. عراق جز ۴۰ کشوری بود که در سال ۱۹۳۰ این پروتکل را امضا کرد؛ اگرچه تعداد کشورهای امضاکننده پروتکل مذکور تا سال ۱۹۸۹ به ۱۶۵ کشور رسید، اما نقض پروتکل ژنو همچنان ادامه دارد؛ حتی آلمان در دهه ۱۹۳۰ گازهای کشنده و سمی بیشتری کشف و تولید کرد. در واقع باید گفت نگرش رسمی laissez-faire (لسه فر: بگذار بروند، در تقابل با رویکرد برنامه ریزی مرکزی) که با میل به سود مربوط به صادرات، به شرکت‌های آلمانی اجازه داد از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰ تقریباً ۱۹۸ میلیون دلار اقلام به اصطلاح استفاده دوگانه عراق را تامین کنند. گذشته از دانشمندان و کادر شیمیایی دولت آلمان که با رژیم بعث همکاری داشتند، مهم‌ترین و شناخته شده‌ترین شرکت‌های آلمانی مشارکت کننده در تامین تسلیحات شیمیایی دولت وقت عراق عبارتند از:



Karl Kolb (کارل کوب): در سال ۱۹۹۱ هفت مقام ارشد شرکت آلمانی «کارل کوب» به دلیل تهیه اجزای اساسی و مورد نیاز برای تولید تسلیحات شیمیایی در مجتمع‌های واقع در «سامرا» و «فلوجه» تحت پیگرد قرار گرفتند. در واقع بخش عمده‌ای از همکاری شیمیایی این شرکت با رژیم صدام، همکاری با مرکز تحقیقات و مطالعات «ابن هیثم» تأسیس شده در اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی بود که در زمینه آزمایش و تولید گازهای سمی قدیمی و جدید کار می‌کرد.

براساس گزارش «UNSCOM» در جریان جنگ رژیم بعث علیه ایران، دستکم ۱۵ مرکز تولید و توسعه گازهای کُشنده در عراق فعالیت می‌کردند که با شرکت آلمانی «کارل کوب» همکاری داشتند. همانطور که گفته شد شرکت «کارل کوب» علاوه بر همکاری تحقیقاتی در زمینه گازهای شیمیایی با عراق، براساس گزارش محرمانه آگوست ۱۹۹۰ وزیر اقتصاد آلمان غربی، تجهیزات مهمی در زمینه ایجاد کارخانه‌های کوچک صنعتی به عراق صادر کرد. این کارخانه‌های کوچک مستقیماً در ساخت پروژه شیمیایی «سعد» و ساخت مجتمع نظامی در «التاجی» مشارکت داشتند. این شرکت از سال ۱۹۸۵ تاکنون تحت پیگرد قضایی و قانونی قرار دارد اما همواره همکاری شیمیایی گسترده با رژیم بعث را با وجود اسناد مختلف رد کرده است.

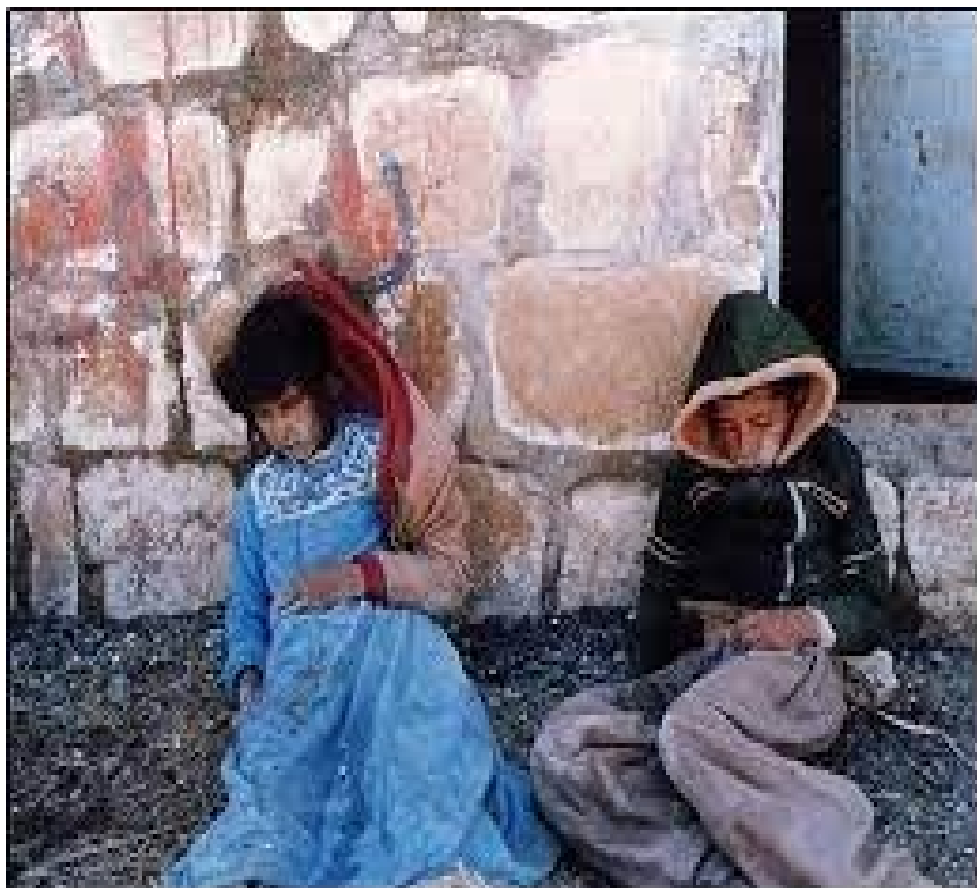
NVA (ان وی ای): این شرکت واقع در آلمان شرقی در اوایل دهه ۱۹۸۰ مجتمعی برای آزمایش تسلیحات شیمیایی در نزدیکی «بغداد» احداث کرد. این مرکز مانند مرکز آزمایش سلاح‌های غیرمتعارف در آلمان شرقی طراحی شده است شرکت ان وی ای در اکتبر ۱۹۹۰ منحل شد.



Rhein Bayern Fahrzeugbau: این شرکت با مشارکت ۵ شرکت آلمانی دیگر، تجهیزات لازم برای تولید سم بوتولین و مایکوتوکسین را به عراق منتقل کرده است. پاسخ سخنگوی شرکت در این مورد، «بی اطلاعی از صادرات تجهیزات با خاصیت بیولوژیک» بود. با وجود انجام تحقیقاتی ۱۸ ماهه، هرگز اتهامی رسمی علیه این شرکت مطرح نشده است. هرچند برخی از مقام‌های این شرکت در زندان هستند.

در پایان باید گفت که تعداد زیادی از شرکت‌های آلمانی، کارخانه تولید صدها تن گاز سمی مهلک و دیگر تجهیزات مورد نیاز برای پر کردن تسلیحات شیمیایی را برای عراق تهیه کردند.

شش شرکت آلمانی نیز برخی تجهیزات مورد نیاز عراق را برای ساخت سلاح‌های میکروبی سم «بوتولین» و «مایکوتوکسین» تهیه کردند.



ایجاد شش خط تولید سلاح شیمیایی

«کارل کولب» سرانجام شش خط تولید سلاح شیمیایی جداگانه به نام‌های «احمد»، «عانی»، «محمد»، «عیسی»، «مدار» و «قاضی» ایجاد کرد؛ بدین ترتیب که اولی را در سال ۱۹۸۳ و آخرین آن را در سال ۱۹۸۶ تکمیل کرد؛ این کارخانه از گاز خردل و اسید پروسیک تا گازهای عصبی «سارین» و «تابون» را تولید می‌کرد.

احداث پناهگاهی مجهز برای صدام

صدام از یک شرکت آلمانی در «اگسبورگ» به نام «بوسوائووکناور» خواست پناهگاه مطمئن‌تر و مجهزتری برای او در زیر کاخ ریاست جمهوری که در دست ساخت بود، بسازد. این پناهگاه در قعر ۳۰۰ پایی زیر رود دجله بنا می‌شد.

مشارکت زیمنس در طرح‌های موشکی

موسسه عمومی سعد در سال ۱۹۸۴ با «گیلد مایستر پروژکتا آو بایلفلد» شرکت سازنده ابزار ماشینی در آلمان غربی قراردادی را امضاء کرد که طرح، ساخت و راه اندازی یک مرکز تحقیق، توسعه و آموزش موشکی در نزدیکی موصل شهر شمالی عراق، مضمون و مفاد این قرارداد را تشکیل می‌داد. نام این طرح «سعد ۱۶» بود. این طرح معادل ۲۳۵ میلیون دلار و بنا به برآوردی، کل برنامه موشکی عراق، حدود ۹۵۰ میلیون دلار هزینه داشت. در این طرح ۳۸ شرکت آلمان غربی فعالیت می‌کردند که در میان آن‌ها تعدادی از شرکت‌های بسیار بزرگ آلمانی مانند «ام بی بی»، «زیمنس»، «تیسن» و «راین» نیز حضور داشتند.

فروش ۸۶۰ میلیون دلار تکنولوژی

سطح همکاری‌های شرکت آلمانی «گیلد مایستر» با عراق در سطحی بود که فقط در سال ۱۹۸۴ رقمی معادل ۸۶۰ میلیون دلار تکنولوژی به عراق فروخت.

مشارکت در مجتمع شیمیایی «فلوجه» و «عکاشات»

شاید بلندپروازانه‌ترین طرح در میان همه پروژه‌ها مجتمع تازه تاسیس شیمیایی «فلوجه» بود که در ۶۰ کیلومتری غرب بغداد بر سر راه «رمادی» و نزدیک پایگاه هوایی «حبانیه» قرار داشت. در این پروژه کنسرسیومی از شرکت‌های آلمان غربی به رهبری «والتر توسی براسوئو» (WTB) و یک شرکت مشاور به نام «اینفراپلان» مشارکت داشتند.

کارخانه اصلی و اولیه این مجتمع را همان طراح کارخانه گاز سمی سامره، یعنی شرکت مهندسی آب WET از هامبورگ طرح ریزی کرد. بدین ترتیب ۱۰۰ تکنسین و کارگزار از آلمان غربی به عراق اعزام شدند تا بر ساخت و تاسیس خطوط تولید «سارین» و «تابون» نظارت کنند. همچنین «کلاکتر اینداستریز» شرکت پتروشیمی آلمان غربی واقع در «دورسبورگ» نیز در اوایل دهه ۱۹۸۰ مجتمع «عکاشات» را که نسخه دوم مجتمع فسفات «القائم» بود، احداث کرد؛ مجتمع‌هایی که جنگ افزارهای شیمیایی تولید می‌کردند.



همچنین مجله آلمانی «اشترن» در گزارشی از صنایع بمب شیمیایی عراق، با اشاره به این که عراق از سال ۱۹۸۳ از این بمب‌ها علیه نیروهای ایرانی استفاده می‌کرد، نوشت: «وسعت منطقه کارخانه سموم جنگی عراق در نزدیکی شهر سامره، ۲۵ کیلومتر مربع بود که در آن دو ردیف سیم خاردار بلند داشت و به وسیله موشک‌های زمین به هوا از آن حفاظت می‌شد.»

اشترن افزود: «پس از آن که اسرائیل در سال ۱۹۸۱ مراکز اتمی را بمباران کرد و امیدهای عراق را برای استفاده از بمب‌های اتمی بر باد داد، عراق کارخانه سموم دفع آفات نباتی در سامره را تبدیل به کارخانه ساخت مواد سمی بمب‌های شیمیایی کرد و دست به ساخت «بمب اتمی فقرا» یعنی «گاز خردل»، «تابون» و «سارین» زد.



قسمت اعظم تأسیسات این کارخانه را شرکت آلمانی «پیلوت پلانت» برای قسمت‌های «احمد ۱ و ۲» این مجتمع را تامین کرده است.

کمک ۴۴۵ شرکت به راه افتادن ماشین جنگی عراق

ماشین مرگ آفرین صدام حسین تنها و تنها به یاری شرکت‌های غربی ساخته شد. قسمت اعظم ابزارهای ماشینی، کامپیوترها و ابزارهای آزمایشی مورد نیاز برای تولید موشک‌های دوربرد، بمب، گلوله، توپ و تفنگ را به صورت قانونی از شرکت‌هایی خریداری کرد که همگی پروانه صادراتی داشتند یک آمار سرانگشتی نشان می‌دهد که ۴۴۵ شرکت غربی در ساختن این ماشین مرگ و پرسود شرکت داشتند که یک‌سوم آن‌ها شرکت‌های آلمانی هستند. امروزه دیگر ثابت شده است که بدون فن‌آوری آلمان، عراق قادر به تولید موشک‌های دوربرد «اسکاد B» نبوده است؛ فن‌آوری پیشرفته آلمان که در اختیار عراق قرار می‌گرفت به بغداد این امکان را می‌داد که برد موشک‌های اسکاد B را به ۶۰۰ کیلومتر افزایش دهد. بدین ترتیب می‌توان گفت که دولت عراق از سال ۱۹۷۵ توسط ۸۰ کمپانی آلمانی، ۲۴ شرکت آمریکایی و حدود ۱۲ شرکت انگلیسی و چند شرکت سوئیسی، ژاپنی، ایتالیایی، فرانسوی، سوئدی، برزیلی و آرژانتینی تجهیزات دریافت کرد.



کتاب هشتماد به یک _ ناصر کاوه

حمله‌های عراق با سلاح شیمیایی

محل	سلاح استفاده شده	تاریخ	تلفات
حاج عمران	خردل	اوت ۱۹۸۳	کمتر از ۱۰۰ ایرانی/کردی
پنجوین	خردل	اکتبر تا نوامبر ۱۹۸۳	ایرانی/کردی ۳۰۰۱
جزیره مجنون	خردل	فوریه - مارس ۱۹۸۴	ایرانی ۲۵۰۰
البصره	تابون	مارس ۱۹۸۴	تا ۱۰۰ ایرانی ۵۰
مرداب حویزه	خردل و تابون	مارس ۱۹۸۵	ایرانی ۳۰۰۰
الفاو	خردل و تابون	فوریه ۱۹۸۶	تا ۱۰۰۰۰ ایرانی ۸۰۰۰
ام الرصاص	خردل	دسامبر ۱۹۸۶	ایرانی ۱۰۰۰
البصره	خردل و تابون	آوریل ۱۹۸۷	ایرانی ۵۰۰۰

ایرانی ۳۰۰۰	اکتبر ۱۹۸۷	خردل و عامل اعصاب	مهران / سومار
کرد/ایرانی دهه ۷۰۰۰	مارس ۱۹۸۸	خردل و عامل اعصاب	حلیچه
ایرانی ۱۰۰۰	آوریل ۱۹۸۸	خردل و عامل اعصاب	الفاو
صدها یا هزاران ایرانی	مه ۱۹۸۸	خردل و عامل اعصاب	دریاچه ماهی
صدها یا هزاران ایرانی	ژوئن ۱۹۸۸	خردل و عامل اعصاب	جزایر مجنون
صدها یا هزاران ایرانی	ژوئیه ۱۹۸۸	خردل و عامل اعصاب	مرز جنوب مرکزی
ناشناخته	مارس ۱۹۹۱	عامل اعصاب و CS	منطقه کربلا نجف

عراق از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۹۱، زمانی که ذخایر سلاح‌های شیمیایی خود را منهدم کرد و برنامه‌های سلاح‌های بیولوژیکی و هسته‌ای خود را طبق

الزام شورای امنیت سازمان ملل متوقف کرد، به طور فعال تحقیق کرد و بعداً از سلاح‌های کشتار جمعی (WMD) استفاده کرد.

پنجمین رئیس‌جمهور عراق، صدام حسین، در سطح بین‌المللی به دلیل استفاده از سلاح‌های شیمیایی در طول مبارزات انتخاباتی دهه ۱۹۸۰ علیه غیرنظامیان ایرانی و کرد در طول جنگ ایران و عراق و پس از آن محکوم شد. در دهه ۱۹۸۰، صدام برنامه سلاح‌های بیولوژیکی گسترده و برنامه سلاح‌های هسته‌ای را دنبال کرد، اگرچه بمب هسته‌ای ساخته نشد. پس از جنگ خلیج فارس (۱۹۹۰-۱۹۹۱)، سازمان ملل متحد (به همراه دولت عراق) مقادیر زیادی از سلاح‌های شیمیایی عراق و تجهیزات و مواد مربوطه را شناسایی و منهدم کردند. عراق برنامه‌های شیمیایی، بیولوژیکی و هسته‌ای خود را متوقف کرد. منبع:

Cleminson, Ronald. What Happened to Saddam's Weapons of Mass Destruction? بایگانی‌شده در ۲۰۱۱-۰۸-۱۲ توسط Wayback Machine Arms Control Association. September 2003.



کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه

توسعه برنامه ۱۹۶۰-دهه ۱۹۸۰

کمک های شرق و غرب به برنامه سلاح های کشتار جمعی عراق

۱۹۵۹-۱۱۷۷ اتحاد جماهیر شوروی و عراق توافقنامه ای را برای اتحاد جماهیر شوروی برای ساخت نیروگاه هسته ای امضا کردند و یک برنامه هسته ای را به عنوان بخشی از درک متقابل خود ایجاد کردند.

۱۹۶۸- یک راکتور تحقیقاتی IRT-2000 توسط شوروی به همراه تعدادی از تأسیسات دیگر که می توانستند برای تولید رادیوایزوتوپ مورد استفاده قرار گیرند در نزدیکی بغداد ساخته شد.

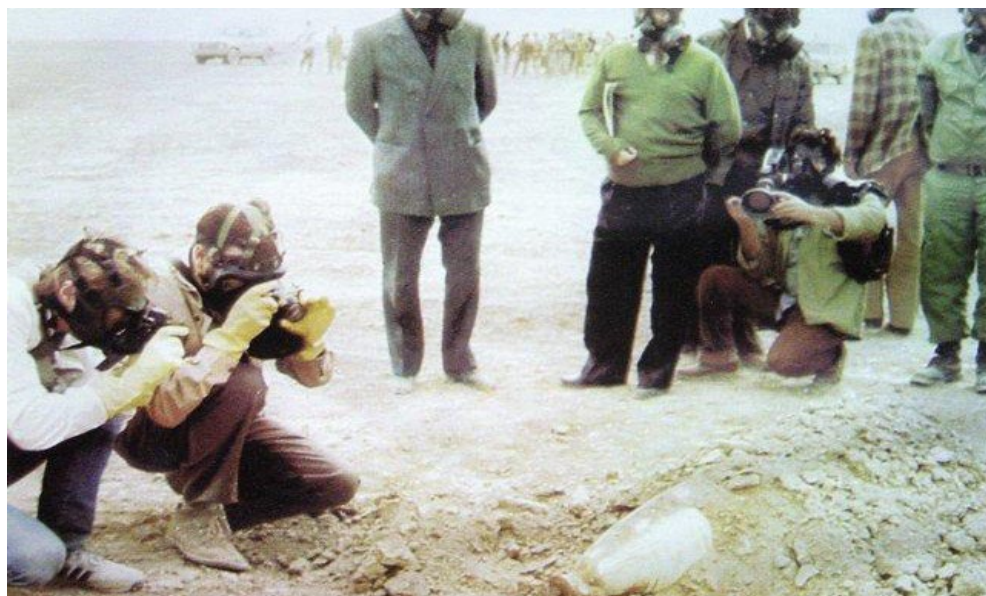
۱۹۷۵- صدام حسین وارد مسکو شد و درباره ساخت مدل پیشرفته یک نیروگاه اتمی سؤال کرد. مسکو تنها در صورتی موافقت می کند که این ایستگاه توسط آژانس بین المللی انرژی اتمی تنظیم شود، اما عراق نپذیرفت. با این حال، توافقنامه همکاری در ۱۵ آوریل امضا شد که جایگزین توافقنامه ۱۹۵۹ شد.

پس از ۶ ماه فرانسه با فروش ۷۲ کیلوگرم اورانیوم ۹۳ درصد [۱۳] و ساخت نیروگاه هسته ای بدون کنترل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به قیمت ۳ دلار بیلیون موافقت کرد.

در اوایل دهه ۱۹۷۰، صدام حسین دستور ایجاد یک برنامه مخفیانه سلاح‌های هسته ای را صادر کرد. برنامه‌های سلاح‌های کشتار جمعی عراق توسط شرکت‌ها و دولت‌های مختلف در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ کمک می‌شد.

به عنوان بخشی از پروژه ۹۲۲، عراق تأسیسات سلاح‌های شیمیایی مانند آزمایشگاه‌ها، پناهگاه‌ها، ساختمان اداری و اولین ساختمان‌های تولیدی را در اوایل دهه ۱۹۸۰ تحت پوشش یک کارخانه آفت کش ساخت. شرکت‌های آلمانی در مجموع ۱۰۲۷ تن پیش سازهای گاز خردل، سارین، تابون و گازهای اشک آور ارسال کردند. این کار به عراق اجازه داد تا در سال‌های ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ به ترتیب ۱۵۰ تن عامل خردل و

۶۰ تن تابون تولید کند که در طول دهه ادامه یافت. پنج شرکت آلمانی دیگر تجهیزاتی را برای تولید سم بوتولین و مایکوتوکسین برای مبارزه با میکروب‌ها فراهم کردند. در سال ۱۹۸۸، مهندسان آلمانی داده‌های سانتریفیوژ را ارائه کردند که به عراق کمک کرد برنامه سلاح‌های هسته‌ای خود را گسترش دهد. تجهیزات آزمایشگاهی و اطلاعات دیگر ارائه شد که بسیاری از مهندسان آلمانی در آن شرکت داشتند. در مجموع، ۵۲ درصد از تجهیزات بین‌المللی سلاح‌های شیمیایی عراق منشأ آلمانی داشتند. مؤسسه دولتی برای تولید آفت کش‌ها (SEPP) رسانه‌های کشت و انکوباتورها را به تجارت مهندسی آب آلمان سفارش داد.



ایالات متحده در طول جنگ ایران و عراق با بیش از ۵۰۰ دلار از عراق حمایت کرد میلیون دلار تجهیزات دو منظوره که توسط وزارت بازرگانی تأیید شده است. در میان آنها رایانه‌های پیشرفته ای وجود داشت که برخی از آنها در برنامه هسته ای عراق استفاده می‌شد.

مجموعه غیرانتفاعی فرهنگ عمومی آمریکایی و مراکز کنترل بیماری تا سال ۱۹۸۹ نمونه‌های بیولوژیکی سیاه زخم، ویروس نیل غربی و بوتولیسم را به عراق می‌فروختند یا ارسال می‌کردند که عراق ادعا می‌کرد برای تحقیقات پزشکی به آن نیاز دارد.

تعدادی از این مواد برای برنامه تحقیقاتی سلاح‌های بیولوژیکی عراق و برخی دیگر برای تولید واکسن مورد استفاده قرار گرفتند.

به‌عنوان مثال، طبق گفته چارلز دوئلفر، برای مثال، ارتش عراق روی سویه مجموعه غیرانتفاعی فرهنگ عمومی آمریکایی ۱۴۵۷۸ به عنوان سویه انحصاری سیاه زخم برای استفاده به عنوان یک سلاح بیولوژیکی مستقر شد. دولت ایالات متحده هیئتی از دانشمندان سلاح‌هایی عراقی را به «کنفرانس انفجار» در اوت ۱۹۸۹ در پورتلند، اورگان دعوت کرد. در

کنفرانس وزارت دفاع و وزارت انرژی ایالات متحده کارشناسانی حضور داشتند که به عراقی‌ها و سایر شرکت کنندگان توضیح دادند که چگونه امواج شوک را در هر پیکربندی مورد نیاز ایجاد کنند. این کنفرانس شامل سخنرانی‌هایی در مورد اچ‌ام‌ایکس، یک ماده منفجره قوی که عموماً برای انفجار هسته‌ای ترجیح داده می‌شود، و در صفحات پرواز، که دستگاه‌هایی برای تولید نوع خاصی از امواج ضربه‌ای لازم برای اشتعال بمب هسته‌ای هستند، بود. هر دو صفحه اچ‌ام‌ایکس و فلایر در واقع بعداً توسط بازرسان سلاح‌هایی سازمان ملل در سایت‌های تحقیقاتی هسته ای عراق پیدا شدند.

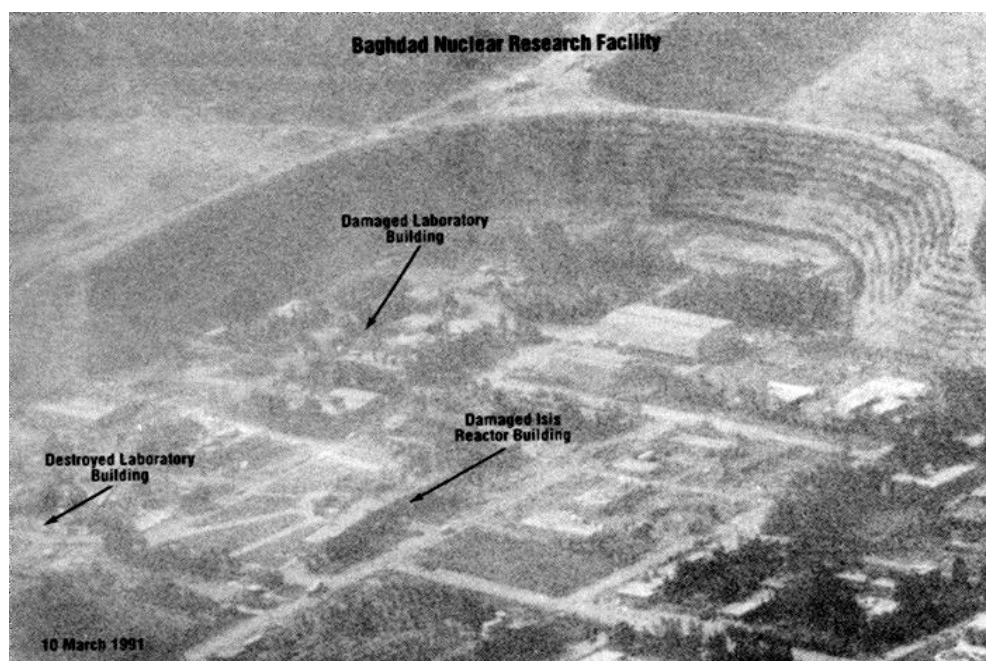


بریتانیا

در اواخر دهه ۱۹۸۰، بریتانیا مخفیانه به شرکت سلاح‌هایی ماتریکس چرچیل اجازه داد تا قطعات برنامه سلاح‌هایی صدام حسین را تأمین کند، در حالی که صنعت بریتانیا جرالد بول را در حین توسعه ابر تفنگ عراقی تأمین می‌کرد. در مارس ۱۹۹۰، یک مورد از ماشه‌های هسته‌ای به مقصد عراق در فرودگاه هیترو کشف و ضبط شد. اسکات ریپورت از محرمانه بودن ماجرای اسلحه به عراق را در زمان مشخص شدن آن فاش کرد. بریتانیا همچنین یک کارخانه کلر را تأمین مالی کرد که قرار بود برای تولید گاز خردل استفاده شود.



برنامه سلاح‌های هسته ای عراق در سال ۱۹۸۱ با شکست جدی مواجه شد، زمانی که راکتور اوسیراک، که می‌توانست مواد هسته ای قابل استفاده از سلاح را تولید کند، قبل از راه اندازی توسط اسرائیل بمباران شد. [۱۳] با این حال، دیوید آلبرایت و مارک هییز، که برای بولتن دانشمندان اتمی می‌نویسند، با این دیدگاه مخالفند. آنها می‌گویند که بسیاری از چالش‌های فن آوری حل نشده وجود دارد.



تأسیسات تحقیقات هسته‌ای بغداد - ۱۰ مارس ۱۹۹۱. مرکز تحقیقات

هسته‌ای تویتا، بغداد، پس از حمله رژیم صهیونیستی



کتاب هشتاد به یک - ناصر کاوه

جنگ ایران و عراق

در سال ۱۹۸۰، آژانس اطلاعات دفاعی ایالات متحده گزارشی مبنی بر اینکه عراق به مدت چندین سال به طور فعال در حال دستیابی به ظرفیت‌های سلاح‌های شیمیایی بوده است، ارائه کرد که بعداً ثابت شد که درست است. در نوامبر ۱۹۸۰، دو ماه پس از جنگ ایران و عراق، اولین گزارش استفاده از سلاح‌های شیمیایی زمانی رخ داد که رادیو تهران از حمله با گاز سمی نیروهای عراقی به سوسنگرد خبر داد. سازمان ملل متحد گزارش داد که بسیاری از حمله‌های مشابه در سال بعد رخ داد و ایران را به توسعه و استقرار قابلیت گاز خردل سوق داد. تا سال ۱۹۸۴، عراق در برابر حمله‌های «موج انسانی» ایران از گازهای سمی استفاده می‌کرد. در طول جنگ ایران و عراق از سلاح‌های شیمیایی به طور گسترده علیه ایران استفاده شد.

در ۱۴ ژانویه ۱۹۹۱، آژانس اطلاعات دفاعی اعلام کرد که یک مأمور عراقی، تلفات آبله نظامی را که به گفته خودش در سال ۱۹۸۵ یا ۱۹۸۶ دیده است، با عبارات دقیق پزشکی توصیف کرده است. دو هفته بعد،

مرکز اطلاعات پزشکی نیروهای مسلح گزارش داد که هشت نفر از ۱۶۹ اسیر جنگی عراقی که آزمایش خون آنها انجام شد، مصونیت نسبت به آبله را نشان دادند که از سال ۱۹۷۱ به طور طبیعی در عراق رخ نداده بود. همین زندانیان نیز برای سیاه زخم تلقیح شده بودند. فرض بر این است که عراق در این جنگ از آبله و سیاه زخم استفاده کرده است.

واشینگتن پست گزارش داد که در سال ۱۹۸۴ سیا مخفیانه شروع به ارائه اطلاعات به ارتش عراق در طول جنگ ایران و عراق کرد. این شامل اطلاعاتی برای هدف قرار دادن حمله‌های سلاح‌های شیمیایی بود. در همان سال پزشکان اروپایی و هیئت‌های متخصص سازمان ملل بدون تردید تأیید کردند که عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه ایرانی‌ها استفاده می‌کند. سلاح‌های شیمیایی یک بار هم علیه قیام مردمی شیعیان در جنوب عراق در سال ۱۹۹۱ استفاده شد. برآوردهای ایران پس از جنگ نشان داد که بیش از ۱۰۰۰۰۰ ایرانی در طول جنگ هشت ساله با عراق تحت تأثیر سلاح‌های شیمیایی صدام حسین قرار گرفتند. ایران

پس از ژاپن دومین کشور آسیب دیده جهان از نظر سلاح‌های کشتار جمعی است. برآورد رسمی تعداد غیرنظامی آلوده در شهرهای مرزی یا فرزندان و بستگان جانبازان را که بسیاری از آنها دچار عوارض خونی، ریوی و پوستی شده‌اند، شامل نمی‌شود.

بر اساس گزارش‌های رسمی، عوامل گاز اعصاب بلافاصله حدود ۲۰۰۰۰ سرباز ایرانی را کشتند. از ۹۰,۰۰۰ بازمانده، حدود ۵,۰۰۰ به طور منظم به دنبال درمان هستند و حدود ۱,۰۰۰ هنوز با شرایط شدید و مزمن در بیمارستان بستری هستند. بسیاری دیگر تحت تأثیر گاز خردل قرار گرفتند. علیرغم برکناری صدام حسین و دولت او توسط نیروهای آمریکایی، در ایران نارضایتی و خشم عمیقی وجود دارد که این کشورهای غربی بودند که در وهله اول به عراق کمک کردند تا زرادخانه سلاح‌های شیمیایی خود را توسعه دهد و هدایت کند و دنیا هیچ کاری برای مجازات عراق انجام نداد. ایالات متحده و بریتانیا از محکومیت حمله‌های شیمیایی شناخته شده عراق در شورای امنیت سازمان ملل جلوگیری کردند.

در طول جنگ هیچ قطعنامه ای تصویب نشد که به طور خاص استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی را مورد انتقاد قرار دهد، علیرغم تمایل اکثریت برای محکوم کردن این استفاده. در ۲۱ مارس ۱۹۸۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد پذیرفت «سلاح‌های شیمیایی توسط نیروهای عراقی علیه نیروهای ایرانی استفاده شده است». این بیانیه با مخالفت ایالات متحده روبرو شد، تنها کشوری که در شورای امنیت به آن رای منفی داد، (انگلیس رای ممتنع داد)

در ۲۳ مارس ۱۹۸۸، منابع رسانه ای غربی از حلبچه در کردستان عراق گزارش دادند که چند روز قبل از حمله شیمیایی گسترده عراق به این شهرک. برآوردهای بعدی حاکی از آن بود که ۷۰۰۰ نفر کشته و ۲۰۰۰۰ نفر زخمی شده‌اند. حمله گاز سمی حلبچه خشم بین‌المللی را علیه عراقی‌ها برانگیخت. بعداً در همان سال، سنای ایالات متحده قانون جلوگیری از نسل‌کشی در سال ۱۹۸۸ را پیشنهاد کرد که تمام کمک‌های ایالات متحده به عراق را قطع کرد و واردات نفت عراق را متوقف کرد. دولت ریگان با

این لایحه مخالفت کرد و آن را زودرس خواند و در نهایت از اجرایی شدن آن جلوگیری کرد، تا حدی به دلیل ارزیابی اشتباه آژانس اطلاعات دفاعی که ایران را مسئول این حمله می‌دانست.

در زمان حمله این شهر در اختیار نیروهای ایرانی و چریک‌های کرد عراقی متحد با تهران بود. عراقی‌ها حمله حلبچه را به نیروهای ایرانی متهم کردند. این هنوز موقعیت صدام حسین در اسارتش در دسامبر ۲۰۰۳ بود.

در ۲۱ اوت ۲۰۰۶، محاکمه صدام حسین و شش متهم از جمله حسن المجید ("علی شیمیایی") به اتهام نسل‌کشی علیه کردها آغاز شد. در حالی که این محاکمه حمله حلبچه را پوشش نمی‌دهد، اما حمله‌های به روستاهای دیگر در جریان عملیات «انفال» عراق را که ادعا می‌شود شامل بمباران با سلاح‌های شیمیایی بوده است، پوشش می‌دهد.

منابع: ویکی پدیا

کولتا، جووانی. «سیاست‌سازی اطلاعات: چه اشتباهی در ارزیابی‌های بریتانیا و ایالات متحده در مورد سلاح‌های کشتار جمعی عراق در سال ۲۰۰۲ رخ داد» مجله تاریخ اطلاعات (۲۰۱۸) ۱۷#۱ صفحات ۶۵-۷۸ یک تحلیل علمی است.

ایسیکوف، مایکل. و دیوید کورن Hubris: داستان درونی چرخش، رسوایی، و فروش جنگ عراق (۲۰۰۶) روزنامه‌نگاری است.

جرویس، رابرت. ۲۰۱۰. چرا اطلاعات شکست می‌خورد درس‌هایی از انقلاب ایران و جنگ عراق. انتشارات دانشگاه کرنل.

لیک، دیوید A. "دو تشویق برای تئوری چانه زنی: ارزیابی تبیین‌های عقل‌گرایانه از جنگ عراق." امنیت بین‌المللی ۳۵.۳ (۲۰۱۰): ۷-۵۲.

برات هگهر، مالفرد. ۲۰۲۰. "معضل شیتز: عراق، سلاح‌های کشتار جمعی، و مسیری به سوی جنگ." امنیت بین‌المللی

گزارش‌های سرویس تحقیقات کنگره (CRS) در مورد عراق

تئوری‌ها و توطئه‌های سلاح‌های کشتار جمعی مجله چشم‌انداز

LookSmart - دسته دایرکتوری بحث سلاح‌های کشتار جمعی در

عراق

مقاله واشینگتن پست توسط آرتور کلر، کارمند سابق سیا که در تلاش

برای یافتن سلاح‌های کشتار جمعی در عراق بود

ریچارد اس. تریسی، در دام یک ذهنیت: شکست اطلاعاتی سلاح

کشتار جمعی عراق، ۲۳ ژانویه ۲۰۰۷، مجله نیروی هوایی و فضایی.

تیزر فیلم مستند آینده سرزمین سردرگمی با سربازان گارد ملی ارتش

پنسیلوانیا که در سال ۲۰۰۴-۲۰۰۵ به گروه بررسی عراق منصوب شده

بودند.

کتابشناسی مشروح برای برنامه سلاح‌های هسته ای عراق از کتابخانه

دیجیتال السوس برای مسائل هسته ای

امام خامنه‌ای مد ظله العالی:

دشمن بعثی بی رحم دور از انسانیت، شهر حلبچه را بمباران شیمیائی کرد.

صدها و شاید هزاره‌ها نفر در آن
بمباران شیمیائی از مردم کرد
حلبچه و آن مناطق از بین رفتند، به
خاطر اینکه صدام حسین میخواست
از مردم کردی که در مقابله‌ی با
نیروهای مؤمن جمهوری اسلامی
مقاومت نکرده بودند و با آغوش
باز آنها را پذیرفته بودند، انتقام

بگیرد.

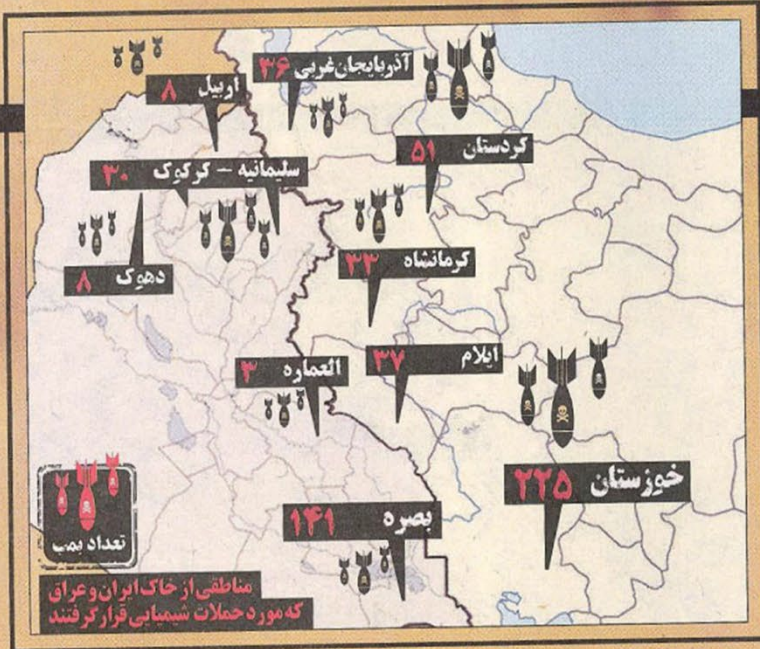
دیدار با مردم مریه ۲۶/۰۲/۱۳۸۸ _ ناصر کاوه

عراق به عنوان آغازگر جنگ موظف به پرداخت تمام و کمال خسارات وارد شده به ایران طی هشت سال دفاع مقدس است؛ این حکم در شرایطی اعلام می‌شود که سازمان ملل متحد وقت رژیم بعث را به عنوان آغازگر جنگ معرفی کرده بود. اگرچه خسارت‌های مادی را می‌توان با محاسبات ریاضی به دست آورد، اما موضوعی مثل حمله‌های شیمیایی چیزی نیست که خسارات آن با حساب و کتاب‌ها قابل برآورد باشد، حملات شیمیایی رژیم بعث به حلبچه و سردشت و برخی دیگر از شهرهای مرزی ایران با توجه به تبعاتی که برای خسارت دیدگان داشت و همچنان هم ادامه دارد قابل محاسبه مادی نیست. جنگ هشت ساله اگرچه با زیاده‌خواهی‌های رژیم بعث عراق آغاز شد اما در کنار آن کشورهای اروپایی که سلاح‌های شیمیایی را به این رژیم فروختند و یا در اختیار آنها قرار دادند جزو متهمان پرونده کشتارهای جمعی در جنگ هشت ساله به شمار می‌روند؛ اگرچه کشورهای مثل آلمان و انگلیس که بیشترین نقش را در فروش سلاح‌های شیمیایی در سال‌های جنگ ایفا کرده‌اند اکنون در مجامع بین‌المللی به عنوان محکومان رسمی شناخته نشده‌اند اما این نکته حائز اهمیت است که

بدون شك رژيم بعث عراق بدون حمايت‌هاي غرب و آمريكا قادر به چنين حملات شيميايي گسترده‌اي نبوده است. در عين حال از بين دو کشور آلمان و انگليس، انگلستان کشوري بوده که سلاح‌هاي نظامي هم در اختيار رژيم بعث قرار داده اما آلمان به عنوان يك کشور توليد کننده سلاح‌هاي شيميايي، تنها به فروش سلاح‌هاي شيميايي و همکاري با رژيم بعث در درمان مصدومان شيميايي در اين کشور بيشترين نقش را در صدمات شيميايي ايفا کرده است، اگرچه حرف و حديث‌هاي مبني بر شکايت دولت ايران از آلمان در مجامع بين‌المللي وجود دارد اما همچنان مستنداتي مبني بر محکوم شدن مسئولان آلمان از سوي دادگاه‌هاي بين‌المللي ديده نمي‌شود. جنگ تحميلي رژيم بعث از شهريور ۱۳۵۹ تا مرداد ۱۳۶۷ ميان نيروهای مسلح دو کشور ايران و رژيم بعث جريان داشت. جنگ ۸ ساله عراق و ايران يکی از فاجعه‌های تاريخ بشري در قرن بيستم، و پس از جنگ ويتنام و بالاتر از جنگ جهانی اول، دومين جنگ طولانی قرن بيستم بوده است. اين جنگ با آتش بس موقت ميان عراق و ايران پايان يافت. پس از پايان جنگ تاکنون آنچه که مورد اعتراض ملت ايران در رابطه با قضاوت در

مورد جنگ هشت ساله قرار گرفته است مربوط به دو مساله مي‌شود
اول اينكه جامعه جهاني به رژيم بعث در توسعه سلاح‌هاي شيميايي
كمك كرد و دوم اينكه جامعه جهاني هيچ اقدامي براي تنبيه دولت
بعث عراق، حتي پس از دريافت گزارش‌هاي تايد شده‌اي از استفاده
سلاح‌هاي شيميايي انجام نداد در عين حال همچنين كميته اطلاعات
دفاعي، ايران را به استفاده از سلاح‌هاي شيميايي متهم كرد اين
موضوعي است كه آنها هيچگاه قادر به اثبات آن نبوده‌اند. شوراي
امنيت در تاريخ ۱۸ آذر ۱۳۷۰ مصادف با ۹ دسامبر ۱۹۹۱ طي گزارشي كه از
جانب دبيركل وقت سازمان ملل متحد دريافت كرده بود، رژيم بعث را
به عنوان متجاوز جنگ معرفي كرد. اين شورا همچنين اين رژيم را
موظف به پرداخت غرامت جنگ به ايران نمود. در اين جنگ ارتش
بعثي عراق به طور گسترده از جنگ‌افزارهاي شيميايي عليه كرده‌اي
عراقي و مردم و نظاميان ايران استفاده كرد. با اين وجود جامعه جهاني
هيچ‌گاه نتوانست اجماعي براي محكوم كردن اين جنايت جنگي از
سوي رژيم بعث ترتيب دهد. در طول جنگ، ارتش عراق با استفاده از
سلاح‌هاي شيميايي حدود ۱۰۰۰۰۰ مرد، زن و بچه را به قتل رساند.

محورهای عملیاتی که مورد حمله‌های شیمیایی قرار گرفتند:



انواع عوامل شیمیایی ای که بعضی‌ها علیه ایران استفاده کردند:

۲۸۶	ناول‌زا
۱۴۳	اعصاب
۸۱	سیانور و عوامل مؤثر بر خون
۴۸	حف‌کننده‌ها
۸	فسفوری و نایالم
۶	ناشناخته و ناتوان‌کننده‌ها ۷ و ۷X

جنگ‌افزارهایی که بعضی‌ها بابت حملات شیمیایی استفاده کردند

۱۴	۷۹	۴۶۴
۳	۱	۱۶۵

آمار قربانیان مردم ایران در حملات شیمیایی (تعداد)



مصدومین	شهداء
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰

آمار قربانیان ایرانی در جریان حملات شیمیایی (درصد)



مصدومین	شهداء
۹۰ درصد	۱۰ درصد

۱	ظفر ۵
۱	نصر ۵
۱	بازی‌دراز
۱	حضرت مهدی (عج)
۱	فتح ۶
۱	علی بن الحسین (ع)
۱	مطلع الفجر
۱	ظفر ۴
۱	نصر ۸
۱۴	بازیس گبری جزایر مجنون
۱۶	بازیس گبری جزایر قبا
۲	ضربت ذوالفقار
۲	والفجر ۵
۵	والفجر ۹
۲	بیت المقدس ۲
۲	ناز الله
۲۸	بازیس گبری شلمچه
۳۴	هجوم بغداد از قطعه‌نامه
۳	ظفر ۱
۳	فتح ۷
۳	فتح ۱۰
۳	مسلم بن عقیل
۴	والفجر ۶
۴	رمضان
۵	فتح ۴
۵	والفجر مقدساتی
۵	محرم و شهرهای
۶	کربلای ۱۰ و عاووت
۶	نصر ۴
۶	فتح ۵
۹	کربلای ۶ و سومار
۹	بیت المقدس ۹
۱۰	والفجر ۲
۱۱	کربلای ۸
۱۲	مسک
۱۳	فتح المبین
۱۴	بیت المقدس و خرمشهر
۱۴	کربلای ۴
۲۲	والفجر ۴
۳۵	والفجر ۱۰
۵۰	کربلای ۵
۸۵	والفجر ۸
۱۶۶	بدر و حبر

کتاب هشدار به یک - ناصر کاوه

در جنگ هشت ساله این رژیم علیه ایران، توان نظامی رژیم بعث، امر مبهمی نبود که ایران در ارزیابی‌های نظامی خود از آن غافل شده باشد؛ ولی توجه به یک امر مهم ضروری است و آن اینکه هم‌زمان با تحولاتی که با پیروزی‌های ایران در جبهه‌های جنگ حاصل شد - و بیشتر از خسارتی که ایران به ارتش عراق وارد کرد - نظام جهانی به تجهیز و تقویت عراق پرداخت. پس از آن که آشکار شد عراق توان پیشروی در خاک ایران را ندارد، فرانسه در بهمن ۱۳۵۹ اقدام به فروش هواپیماهای میراث به عراق کرد. همچنین پس از آن که توان نظامی ایران در طراحی عملیات خیبر مشخص شد، سلاح‌های شیمیایی در حد گسترده به عراق فروخته شد و برای فشار بیشتر بر ایران و تهدید جریان فروش نفت و محدود ساختن منابع ارزی ایران، فرانسه هواپیماهای سوپراستندارد و موشک اگزوسه را به عراق فروخت. این روند پس از عملیات بدر با فروش میگ ۲۵ از طرف شوروی ادامه یافت و پس از عملیات کربلای پنج، سلاح‌های شیمیایی با کیفیت بهتر همچون سیانور به رژیم بعث داده شد. در حقیقت، تحولات نظامی عراق از توان داخلی آن کشور ناشی نمی‌شد بلکه قدرت‌های بزرگ، اصلی‌ترین عامل در تجهیز و

تقویت این رژیم بودند و این امری نبود که به آسانی قابل پیش‌بینی و مقابله باشد. علاوه بر کمک‌های بین‌المللی از سوی کشورهای که مخالف قدرت گرفتن جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران بودند، کشورهای عرب خاورمیانه نیز با اعطای وام‌های کلان و کمک‌های مالی بلاعوض، رژیم بعثی را در خرید تجهیزات نظامی پیشرفته یاری می‌دادند. رژیم صدام در طول جنگ ۳۵۰۰ بار به ایران حمله شیمیایی کرد که ۳۰ مورد از آنها در مناطق مسکونی بوده‌است. نخستین نقطه جغرافیایی ایران که قربانی سلاح‌های شیمیایی این رژیم شد منطقه‌ای بین هلاله و نی خزر در ۵۰ کیلومتری غرب ایلام بوده است. بمباران شیمیایی شهر سردشت توسط عراق در ۷ تیر ۱۳۶۶ فجیع‌ترین تهاجم از این نوع بود که سبب کشته و مجروح شدن عده بسیاری از غیرنظامیان شد. جمهوری اسلامی ایران شهر سردشت را نخستین شهر قربانی جنگ افزارهای شیمیایی در جهان بعد از بمباران هسته‌ای هیروشیما نامید. طارق عزیز معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه وقت عراق در سال ۱۹۸۶ در جریان سفر رسمی سه روزه خود به برزیل اعتراف کرده بود که عراق در جنگ علیه ایران

بارها و در موارد مختلف از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده است. در ۲۱ مارس ۱۹۸۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد اعلام کرد که «اعضای این شورا پس از تحقیقات کارشناسان به این نتیجه رسیدند که سلاح‌های شیمیایی در موارد زیادی توسط نیروهای بعثی بر ضد نظامیان ایرانی به کار برده شده‌است و اعضای شورای امنیت به شدت این اقدام رژیم بعث در ادامه دادن استفاده از سلاح‌های شیمیایی را محکوم می‌کنند.» اما تنها کشوری که این موضوع را وتو کرد ایالات متحده آمریکا بود. بنا به گفته کلنل والتر لانگ (به انگلیسی: Colonel Walter Lang)، یک مقام ارشد وقت سازمان اطلاعات دفاعی آمریکا (بازنشسته) «استفاده از سلاح‌های شیمیایی در میدانهای جنگی توسط رژیم صدام موضوع مهمی برای ریگان و دستیاران او نبود. زیرا تنها برای آنها مهم بود که عراق در این جنگ شکست نخورد.» همچنین او ادعا کرد که سازمان اطلاعات دفاعی «هرگز استفاده از سلاح‌های شیمیایی بر ضد غیرنظامیان را نپذیرفت. اما استفاده از آن در میدان جنگ برای جلوگیری از شکست رژیم بعث را اجتناب ناپذیر می‌دانست.» گرچه با وجود این اظهارات دولت ریگان حتی پس از

حمله شیمیایی عراق با گازهای سمی به شهروندان عراقی کرد، کمکهای خود به عراق را قطع نکرد. در دادگاه دسامبر ۲۰۰۶ صدام گفت که «با افتخار» مسئولیت هرگونه حمله با سلاحهای متعارف یا شیمیایی بر ضد ایران را به عهده می‌گیرد. بر طبق گزارش عراق به سازمان ملل متحد، مواد لازم برای تولید سلاحهای شیمیایی از شرکتهایی از آمریکا، آلمان غربی، انگلستان، فرانسه و جمهوری خلق چین به دست آمده‌است. استفاده از گازهای سمی شیمیایی در جنگ رژیم بعث علیه ایران از نظر تنوع و پیچیدگی عناصر مورد استفاده، رکورد جدیدی در جنگ‌ها به ثبت رسانده است. هر چند در زمان جنگ، استعمال گسترده سلاحهای شیمیایی توسط رژیم بعث با سکوت مجامع بین‌المللی و قدرتهای بزرگ روبرو شد و شکایات جمهوری اسلامی ایران به جایی نرسید، اما پس از جنگ به ویژه پس از اشغال کویت از سوی ارتش رژیم بعث صدام، اسناد و مدارک بسیاری درباره تامین کنندگان اصلی عناصر و تجهیزات شیمیایی رژیم بعث افشا شد. این در حالی است که مقامات بعثی در موقعیتهای گوناگون به این موضوع اعتراف کرده‌اند که در طول جنگ هرگاه به لحاظ دفاعی دچار مشکل می‌شد، به حربه

سلاح‌های شیمیایی پناه می‌برد. موضوع استفاده از سلاح‌های شیمیایی از سوی دولتمردان دیگر کشورها هم در جنگ هشت ساله علیه ایران مورد تایید قرار گرفته است، دولت آمریکا در کنفرانس خلع سلاح سازمان ملل متحد، عراق را متهم کرد که در جنگ با ایران از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد وزیر امور خارجه اتریش و پارلمان انگلیس با صراحت از کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط رژیم بعث در جنگ با ایران خبر دادند؛ در سال ۱۳۶۷ طارق عزیز، سرزنش دولتمردان اروپایی را اشک تمساح خواند و گفت: خودشان به ما سلاح شیمیایی داده‌اند. بر اساس اسناد به دست آمده کشورهای شوروی سابق، آمریکا، یوگسلاوی سابق، بلژیک، چین، اسپانیا، ایتالیا، و شیلی به عراق سلاح شیمیایی داده‌اند اما بطور عمده دو کشور انگلستان و آلمان منابع اصلی تامین کننده تسلیحات شیمیایی بعثی‌های عراق بوده‌اند. برابر گزارش‌های موثق و محرمانه، آلمان‌ها اطلاعات به دست آمده از مجروحان شیمیایی ایرانی در بیمارستان‌های آلمانی را در اختیار صدام قرار می‌دادند تا از آنها برای اصلاح ترکیبات شیمیایی مورد استفاده در سلاح‌های خود بهره‌برداری کنند. تخمین این خسارات در شرایطی زده

می‌شود که برخی از دولتمردان ایرانی معتقدند که جمهوری اسلامی باید برای گرفتن حق قربانیان سلاح‌های کشتار جمعی اقدام کند؛ سردار سیدمسعود جزایری معاون فرهنگی و تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح با اشاره به جنایت رژیم بعثی صدام در بمباران شیمیایی سردشت در هفتم تیرماه سال ۱۳۶۰، معتقد است: بمباران شیمیایی شهر سردشت توسط هواپیماهای رژیم بعثی عراق در جنگ تحمیلی از جنایات بزرگی است که پس از حمله اتمی آمریکایی‌ها به هیروشیما و ناکازاکی ژاپن به وقوع پیوست، این حادثه دهشتناک نقض آشکار حقوق بین‌الملل و سند رسوایی حامیان غربی صدام و رژیم جنایتکار بعثی صهیونیستی وی در جنگ هشت ساله به شمار می‌رود. وی افزود: بزرگترین جنایات بشری همواره هنگامی رقم خورده است که دشمنان انسانیت و شرافت، خود را در دستیابی به اهداف شیطانی و نفسانی ناکام یافته‌اند و رژیم صدام نیز در سال ۶۶ و پس از استیصال و ناتوانی ناشی از شکست‌های پی در پی مصاف با قدرت ایمانی و معنوی رزمندگان اسلام و فرزندان ملت ایران در جبهه‌های نبرد در شرایطی که خود را مغلوب قطعی ادامه جنگ می‌دانست مبادرت به

خلق این جنایت کم سابقه کرد. سردار جزایری در ادامه تصریح کرد: علنی شدن استفاده صدام از سلاح‌های مرگبار شیمیایی در جبهه‌های جنگ و بلکه علیه ساکنین غیرنظامی مناطق مرزی با سکوت مجامع و نهادهای مدعی حقوق بشر و کشورهای غربی و اروپایی همراه شد، به گونه‌ای که این همراهی غیرانسانی چراغ سبزی را در اختیار دژخیم بغداد قرار داد تا پایان جنگ به صورت دائمی و بلاانقطاع در عملیات‌ها از این سلاح‌ها استفاده کنند. وی استفاده رژیم بعثی عراق از سلاح‌های شیمیایی در بمباران سردشت را نقطه عطفی در بهره‌گیری از سلاح‌های کشتار جمعی معرفی کرد و گفت: در روزهای هفتم و هشتم تیرماه سال ۶۶ توپخانه و هواپیماهای بمب‌افکن حامل بمب‌های شیمیایی در چند مرحله نقاط پر ازدحام شهر سردشت و نیز روستاهای اطراف را آماج گازهای کشنده شیمیایی خود قرار دادند و فجیع‌ترین صحنه‌ها را علیه افراد غیرنظامی، زنان و کودکان آفریدند. سردار جزایری افزود: این جنایت آثار و پیامدهای فراوانی را به مردم سردشت تحمیل کرد و جمهوری اسلامی با اطلاع‌رسانی و انتشار تصاویر این قتل عام بی‌رحمانه و انعکاس آن به مجامع و سازمان‌های پرطمطراق حقوق

بشري، محكوميت و برخورد با جنایت‌کاران بعثي را خواستار شد اما آن‌ها چشمان خود را بر روي اين فاجعه بستند و با عبور از کنار آن فرصت و مجال لازم براي تداوم جنایات ضدبشري را به صدام دادند که فاجعه حلبچه در کردستان عراق نیز از پیامدهاي اين غفلت و بي اعتنايي بود. در حمله شیمیایی به حلبچه نزدیک به ۵,۰۰۰ نفر شهید و نزدیک به ۷,۰۰۰ تا ۱۰,۰۰۰ نفر را زخمی شدند که اکثراً از غیرنظامیان بودند؛ صدها تن دیگر بر اثر عواقب، بیماری‌ها و نقص جسم در هنگام تولد در سال‌ها پس از حمله کشته شدند.

معاون فرهنگی و تبلیغات دفاعي ستاد کل نیروهاي مسلح نامگذاري روزي به نام مبارزه با سلاح‌هاي شیمیایی را فرصتي خوب براي ظرفیت سازي اعتراض و مقابله با سیاست‌ها و رفتارهاي جنایت‌بار علیه بشریت که نظام‌هاي استکباري کانون اصلي آن به شمار می‌رود دانست.

علیرغم خسارت‌هاي سنگین جاني و مالي که از طریق حملات شیمیایی نسبت به ایران صورت گرفته است، دولت‌هاي همیار صدام در طی

هشت سال دفاع مقدس هیچ واکنشی در قبال محکومیت رژیم بعث و پرداخت غرامت به ایران انجام نداده‌اند؛ این در حالی است که آنها از درخواست دولت عراق مبني بر بخشش غرامت جنگي از سوي ايران حمايت نيز کرده‌اند، با این وجود بر اساس قوانین بین‌المللی این کشور و کشورهای هم‌دست وی در حملات نظامی و شیمیایی به ایران موظف است که تا آخرین ریال از غرامت‌ها را به ایران پرداخت کند.

عدم حمایت‌های جامعه بین‌الملل در پرداخت این غرامت‌ها به ایران موضوع تازه‌ای نیست، موضع‌گیری‌های رسمی آنها علیه ایران پس از انقلاب اسلامی ایران به صورت آشکار نمود داشته است اما آنچه که باید حائز اهمیت قرار بگیرد نقش مسئولان جمهوری اسلامی در پیگیری این پرونده است؛ موضوعی که شاید تاکنون خیلی مورد توجه قرار نگرفته است، مهمترین دستگاہی که باید پرونده سلاح‌های کشتار جمعی در جنگ هشت ساله را پیگیری کند دستگاہ دیپلماسی کشورمان است که طی بیست و دو سال پس از پایان جنگ همچنان نتیجه اقداماتش معلوم نشده .

انفعال در پیگیری این پرونده بدون شك حقوق خسارت دیدگان استفاده از این سلاح‌های کشتار جمعی را پایمال می‌کند، بر اساس آمار رسمی جمهوری اسلامی در حمله شیمیایی رژیم بعث به سردشت ۱۱۶ شهید، ۱۳۸۰ جانباز شیمیایی شده رسمی دارای پرونده پزشکی بالای ۵۰ درصد و همچنین ۵ هزار نفر مجروح که در آنها نوزاد و شیرخواره نیز حضور داشته‌اند باقی مانده است.

این در حالی است که آمار فوق تنها مربوط به مصدومان شیمیایی شهر سردشت می‌شود اما حملات شیمیایی رژیم بعث به برخی از شهرهای دیگر ایران هم ادامه داشته در عین حال آنها حملات شیمیایی گسترده‌ای به نظامیان نیز داشته‌اند که بر این مبنا شاید پرونده سلاح‌های کشتار جمعی جنگ هشت ساله را بتوان مسکوت‌ترین پرونده در جنگ برشمرد.

منبع : روزنامه سیاست روز

امام خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی ایران: در عملیات والفجر ۴ که جوانان رزمنده‌ی کرد و فارس و بقیه‌ی جوانان رزمنده رفتند برای اینکه آتش دشمن را خاموش کنند و مریوان را از زیر آتش توپخانه‌ی دشمن بیرون بیاورند، و این کار را هم کردند، دشمن بعضی شهر مریوان را با توپخانه‌ی دوربرد خودش مرتب زیر آتش قرار میداد. این جوانان مبارز، رزمندگان سپاه پاسداران و بسیج، متشکل از مردم مناطق مختلف از جمله دلاوران و جوانهای کرد، عملیات والفجر ۴ را سازماندهی کردند و آتش دشمن را خاموش کردند و دشمن را عقب راندند؛ حتی شهر حلبچه‌ی عراق را هم توانستند از تصرف دشمن خارج کنند. دشمن به انتقام این کار میدانید چه کرد؟ نمیتوانست به اینجا نفوذ کند؛ چون دلاوران ما ضرب شصت به او نشان داده بودند. دشمن بعضی بیرحم دور از انسانیت، شهر حلبچه را بمباران شیمیائی کرد، صدها و شاید هزارها نفر در آن بمباران شیمیائی از مردم کرد حلبچه و آن مناطق از بین رفتند، به خاطر اینکه صدام حسین میخواست از مردم کردی که در مقابله‌ی با نیروهای مؤمن جمهوری اسلامی مقاومت نکرده بودند و با آغوش باز آنها را پذیرفته بودند، انتقام بگیرد. ۲۶/۰۲/۱۳۸۸



کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

مرور تجاوز شیمیایی به حلبچه

استراتژی تعقیب متجاوز در جبهه شمالی بر این اساس طراحی شده بود که با پیشروی در شمال سلیمانیه، در منطقه عمومی ماووت، هدف‌های پیش‌بینی‌شده تحقق یابد، لیکن بروز مشکلاتی در آن منطقه که عمدتاً ناشی از موانع طبیعی بود، طراحان نظامی را به این نتیجه رساند که محور حلبچه را جایگزین محور ماووت کنند.

با توجه به این نکته که تصرف حلبچه خود هدف مستقلی بود، ضمن اینکه گامی به‌سوی مرکز استان نیز محسوب می‌شد؛ بر این اساس، عملیات حلبچه (والفجر ۱۰) با طراحی و فرماندهی سپاه پاسداران، در سه محور و در چهار مرحله (از تاریخ ۲۳/۱۲/۱۳۶۶) اجرا شد.

ابتدا با تلاش طاقت‌فرسای مهندسی، ارتفاعات سخت گذر، مناسب عبور شد، سپس عملیات آغاز گردید. در این عملیات رزمندگان موفق شدند با استفاده از غفلت دشمن، ارتفاعات مرزی را پست سر گذرانند و شهرهای بیاره، طویله، دوجیله، خرمال و حلبچه را تصرف کنند.

به این ترتیب مقدمات تصرف سد دربندیخان و نیز انسداد جاده مهم سلیمانیه فراهم آمد. پیش‌بینی می‌شد که تصرف این منطقه وسیع، نیروهای احتیاط دور ارتش عراق را از جنوب راهی شمال کند و در این زمین، همچون زمین شلمچه و فاو، آسیب فراوانی به ارتش عراق وارد آید؛ لیکن سرفرماندهی ارتش عراق حاضر نشد برای بازپس‌گیری منطقه حلبچه، یگان‌هایی را که در جنوب آماده نگه‌داشته بود، وارد عملیات کند بلکه برای مقابله با رزمندگان، به سلاح‌های کشتار جمعی متوسل شد و صرفاً یگان‌ها و نیروهای منطقه‌ای خود را وارد نبرد کرد که آن‌ها نیز کاری از پیش نبردند.

به عبارت دیگر، واکنش عراق در حلبچه بیش از آن‌که به قوای زمینی این کشور متکی باشد، به نیروی هوایی اتکا داشت. عراق با اطمینان از حمایت‌های جهانی، روش دیگری را برای مقابله با ایران برگزید. بمباران وسیع شیمیایی مردم عراق در حلبچه، کشتاری دهشتناک که در نهایت شگفتی، در روزهای نخست پس از حادثه هیچ‌گونه حس هم‌دردی و عواطف انسانی و تبلیغاتی جهان را بیدار نکرد!

در نیم روز ۲۶/۱۲/۱۳۶۶ درحالی که انبوه مردم حلبچه خانه و کاشانه خود را به قصد ایران ترک می کردند، به دستور حکومت عراق، نیروی هوایی این کشور، مردم منطقه و خصوصاً روستای انب را هدف بمباران شیمیایی قرار داد که بر اثر آن حدود ۵۰۰۰ نفر کرد عراقی به شهادت رسیدند.

اسدالله احمدی؛ راوی نیروی زمینی سپاه که حدود یک ساعت پس از شروع بمباران ها به این منطقه آمده بود، مشاهدات خود را این گونه نوشته است: «به اتفاق برادر علیرضا ایزدی؛ راوی قرارگاه فتح جهت مشاهده نتیجه بمباران، به منطقه مذکور رفتیم. شهر و جاده های منتهی به آن بمباران شده و محل اصابت بمب ها به قطر ۷، ۸ متر و به عمق حدود ۲ متر، حفره هایی ایجاد کرده بود. مقدار زیادی البسه و لحاف و تشک و وسایل زندگی روی جاده ریخته بود. در نزدیکی یک خودرو نظامی عراقی که در حال سوختن بود، به جنازه ۴ نفر که ۲ نفرشان زن بودند و یک نفرشان پسر جوان حدود ۱۴، ۱۵ ساله و یک دختر بچه ۶، ۷ ساله برخوردیم.

در سال ۱۹۸۸ م (۱۳۶۷ ش) آمریکایی‌ها چشمان خود را بر روی حلبچه بستند زیرا صدام دشمن ایران بود. ولی او الآن دشمن خودشان است و آن‌ها شهر من (حلبچه) را بهانه قرار داده‌اند. احساس تلخ، گزنده و ناخوشایندی به ما دست داده است. یکی از جنازه‌ها متعلق به دختری بود که از سینه به بالای بدنش وجود نداشت. جنازه دیگر مربوط به یک زن، یک پسرک جوان و یک کودک بود که در حاشیه جاده افتاده بودند. در این حال صدایی حواس بنده را متوجه جنازه نزدیک مان کرد. با دقت، ولی با شک و تردید خم‌شده و بار دیگر منتظر شنیدن صدایی شدم. بار دیگر صدایی ضعیف به گوشم رسید. متوجه شدم کودک زنده است. درصدد برآمدم تا به‌گونه‌ای به او کمک کنیم. کودک به پهلوی افتاده بود. از موهای خرمایی و بلندش معلوم بود که دختر است، صورتش خون‌آلود و ترکشی به بینی‌اش اصابت و کاملاً نوک بینی‌اش را سوراخ کرده بود. قسمتی از موهای سر و آسفالت زیر سر دخترک خونی بود. کمی دقت کردم دیدم نفس می‌کشد و یک ترکش نسبتاً بزرگ نیز به ساق پای راستش اصابت کرده بود.

از فاصله ۱۰۰ متری متوجه شدیم که یک خودرو به ما نزدیک می‌شود. این خودرو از جمله امکانات از صدها خودروی به‌جامانده نیروهای عراقی بود که توسط یکی از برادران لشکر ۸ نجف به سمت ما آورده می‌شد تا احیاناً به عقب منتقل شود.

با علامت دست ما ایستاد. اتفاقاً آمبولانس بود. به راننده گفتیم احتمالاً بیمارستان شهر حلبچه فعال است. وی پذیرفت تا کودک را به حلبچه برساند. برادر ایزدی یک تشک ابری پیدا کرده و به کف ماشین انداخت، سپس دخترک را در کف آمبولانس گذاشتیم، در این حال دخترک چشمش را باز کرد و دچار تهوع شد.

برادر ایزدی با پارچه‌ای صورت او را پاک کرد. دخترک درحالی‌که دو دستش را به حالت سپر مقابل سینه و صورت خود گرفته بود؛ با وحشت نگاهی کرد و کلمه‌ای به زبان جاری کرد. با دست به حالت نوازش به وی اشاره کردیم که ناراحت نباشد و نترسد و با زبان نیز همین کلمات را تکرار کردیم. مقداری زیر سر دخترک را درست کردیم و برادری که ماشین را آورده بود، پشت فرمان نشست و ماشین را به حرکت درآورد.

بنده و برادر ایزدی به اتفاق درحالی که متأثر بودیم، از کنار جاده از داخل زراعتی که احتمالاً زراعت جو بود به طرف تپه میرآوه که قرارگاه تاکتیکی نیروی زمینی و لشکر ۸ بود، حرکت کردیم.

دوگانگی در سیاست خارجی آمریکا و استکبار

در بهار سال ۲۰۰۲ میلادی (۱۳۸۱ هجری شمسی)، درحالی که واشنگتن برای جنگ با عراق آماده می شد، جورج دبیلو بوش؛ رئیس جمهور وقت آمریکا، آشکارا از عبارت: کسی که مردم خود را بمباران شیمیایی کرده برای صدام استفاده می کند و در واقع به طور مستقیم به رویداد حلبچه اشاره می کند. چند ماه بعد نیز یکی از بازماندگان بمباران شیمیایی حلبچه در گفت و گو با روزنامه نگاران درباره سیاست آمریکا گفت:

در سال ۱۹۸۸ م (۱۳۶۷ ش) آمریکایی ها چشمان خود را بر روی حلبچه بستند زیرا صدام دشمن ایران بود. ولی او الآن دشمن خودشان است و آن ها شهر من (حلبچه) را بهانه قرار داده اند. احساس تلخ، گزنده و ناخوشایندی به ما دست داده است.

سخنان این شهروند عراقی، دیدگاه درستی بود که در آن زمان ارزش تعمق و بررسی داشت. در اوت ۲۰۰۲ م (مرداد ۱۳۸۱) نیز نیویورک تایمز در یکی از عنوان‌های خبری‌اش نوشت: افسران آمریکایی می‌گویند به‌رغم استفاده عراق از گاز شیمیایی، آمریکا همچنان در جنگ به این کشور کمک می‌کرد. این مقاله همچنین با افشای یکی از برنامه‌های مخفی آمریکا نوشت: آمریکا در حالی در طرح‌ریزی‌های حساس به عراق کمک می‌کرد که نهادهای اطلاعاتی آمریکا می‌دانستند فرماندهان عراقی در جریان نبردهای سرنوشت‌ساز جنگ ایران و عراق از جنگ‌افزارهای شیمیایی استفاده خواهند کرد.

پاتریک تایلر؛ رئیس دفتر روزنامه تایمز در واشنگتن در این مقاله به گفته‌های سرهنگ والتر پاتریک لانگ (از افسران ارشد سابق اطلاعات نظامی از آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا) استناد می‌کند که بدون افشای جزئیات مسائل دارای طبقه‌بندی و در توجیه این اقدام گفته است: جامعه اطلاعاتی آمریکا برای آنکه مطمئن شود عراق در جنگ شکست نخواهد خورد به‌جز کمک به این کشور چاره دیگری نداشت.

رژیم صدام همچنین در جریان عملیات انفال علیه مناطق کردنشین شمال عراق به ویژه شهرستان سردشت که اولین شهر شیمیایی ایران بود حملات شیمیایی وسیعی را علیه مردم این مناطق انجام داد که حمله شیمیایی به حلبچه در مارس ۱۹۸۸ و کشتار بیش از پنج هزار نفر از مردم این شهر از آن جمله است .

در جنگ ایران و عراق شرکت‌های آلمانی بزرگترین صادرکننده جنگ افزارهای شیمیایی یا تجهیزات و کارخانه‌های ساخت این سلاح‌ها به عراق بودند. البته فرانسه، هلند، انگلیس، شوروی و غیره هم در صدور غیرقانونی مواد اولیه ساخت این سلاح‌ها یا سایر تجهیزات مرتبط به عراق نقش مهمی داشتند .

این حملات شیمیایی منجر به مصدوم شدن بیش از یکصد هزار نفر در ایران گردید که بسیاری از آنان هنوز به عوارض و بیماری‌های ناشی از مصدومیت شیمیایی مبتلا هستند و نیازمند مراقبت‌های پزشکی هستند

فهرست کشورهای فروشنده مواد و تجهیزات جنگ افزار شیمیایی به عراق

کشور فروشنده	مواد اولیه تن	درصد تجهیزات فروخته شده	تعداد محفظه یا پوسته بمب
مصر	۲,۴۰۰		۲۸,۵۰۰
برزیل	۱۰۰		
چین			۴۵,۰۰۰
آلمان	۱,۰۲۷	۵۲,۶٪	
فرانسه		۲۱,۶٪	
هندوستان	۲,۳۴۳		
ایتالیا			۷۵,۰۰۰
لوکزامبورگ	۶۵۰		
هلند	۴,۲۶۱		
اتریش		۱۶,۰٪	
سنگاپور	۴,۵۱۵		
اسپانیا		۴,۴٪	۵۷,۵۰۰

فهرست کشورهایی که مواد شیمیایی، تجهیزات فنی/مهندسی و محفظه (پوسته) ساخت بمب، کلاهک موشک ویژه سلاح‌های شیمیایی را به عراق صادر کرده و در تولید جنگ‌افزار سهیم بوده‌اند، تکمیل نیست و آمار ایالات متحد و انگلستان در دست تحقیق هستند. عراق در این رابطه در سال ۱۹۹۱م گزارش داد که ۱۷۶۰۲ تن مواد شیمیایی دریافت کرده‌است.

منابع:

۱-جمعی از نویسندگان، اطلس جنگ ایران و عراق، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تهران، چاپ چهارم ۱۳۹۹، ص ۹۹

۲-ایزدی، یدالله، روزشمار جنگ ایران و عراق: عملیات والفجر ۱۰ (کتاب پنجاه و چهارم)، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تهران ۱۳۹۲، صص ۱۹۵، ۱۹۶

۳-هیتلرمن، یوست ار، رابطه زهرآگین؛ آمریکا و عراق و مباران شیمیایی حلبچه، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: نشر مرزوبوم

روز یکشنبه هفتم تیر ۱۳۶۶ چند فروند هواپیمای بعثی سکوت شهر کوچک سردشت در آذربایجان غربی را شکستند و ۷ بمب خردل در نقاط مختلف شهر انداختند که ۲ بمب در بازار شهر و ۲ بمب دیگر در منطقه مسکونی افتاد؛ ۳ بمب دیگر نیز در باغ‌های مجاور شهر فرود آمد. از شهر ۱۲ هزار نفری سردشت طبق آمارهای رسمی ۸۰۲۵ نفر مصدوم شدند که این آمار شامل مصدومین خفیف نیز می‌شد. حداقل ۴۵۰۰ نفر از مصدومین نیاز به درمان داشتند. ۳۰۰۰ نفر آن‌ها در شهر سردشت به صورت سرپایی درمان شده و سپس در روستاهای مجاور مدتی را سپری کردند تا آلودگی شهر کاملاً مرتفع شد.

مابقی مصدومین که ۱۵۰۰ نفر می‌شدند در حال وخیم‌تری بوده و نیاز به بیمارستان داشتند و لذا به خارج از سردشت اعزام شدند. ۶۰۰ نفر از این گروه ۱۵۰۰ نفری به تهران و مابقی به چند شهر شمال غربی کشور اعزام شدند. تعدادی از هموطنان شهید شدند و بسیاری هفته‌های زیادی را در بیمارستان گذراندند و اکنون نیز از عوارض شدید ریوی و چشمی و پوستی رنج می‌برند.

کل آمار شهدا ۱۳۰ نفر بود که ۲۰ نفر آن‌ها در سردشت در همان دقایق و ساعات نخستین پس از بمباران شهید شدند، ۱۰ نفر در حین انتقال از سردشت به شهادت رسیدند و ۱۰۰ نفر طی مدت یک ماه پس از حادثه به تدریج در بخش مراقبت ویژه بیمارستان‌های مختلف کشور به شهادت رسیدند.

چنانکه پایگاه اطلاع‌رسانی قربانیان سلاح‌های شیمیایی نوشته رژیم بعث عراق در سال‌های جنگ تحمیلی، ۳۵۰۰ بار به ایران حمله شیمیایی کرد که ۳۰ مورد آن در مناطق مسکونی بوده است.

این اینفوگرافی درباره جنگ شیمیایی بعثی‌ها علیه ایرانیان در مجله «همشهری پایداری» (شماره ۱۶۸، دی ۹۵) منتشر شده که «تاریخ ایرانی» در سی‌امین سالگرد حمله شیمیایی به سردشت آن را بازنشر می‌کند:



عوامل شیمیایی ای

که بعضی ها علیه ایرانیان استفاده کرده اند



عوامل قلع کننده

- کلرواستافون
- اکلر ویتزیل
- ایتاسات



این عوامل در صورتی که با چشم تماس بگیرند یا از طریق تنفس جذب بدن شوند سیستم بدن را دچار سوزش یا از کار افتادگی می کنند اگر در فضای بسته استفاده شوند هم می توانند امراض مزمن ایجاد کنند



عوامل تاول زا

- خردل سولفور
- لو ریت
- کزامسکین



بعضی ها بشان تأثیر فوری و بعضی ها بشان تأثیر تأخیری دارند و بعدها اثر خواهند گذاشت به پوست و بافت ها ضربه می زنند و اگر چشم ها را درگیر کنند موجب کوری می هم می شوند حتی می توانند دستگاه تنفس را درگیر کرده و موجب مرگ شوند



عوامل خفه کننده

- فسژن



این عوامل شیمیایی باعث خفگی در ریه ها می شوند و سپس ریه ها از خون پر شده و فرد خفه می شود از راه تنفس هم جذب می شوند و اثر فوری تا تأخیری دارند



عوامل خون

- سیانید هیدروژن
- کلراید سیانوزن



این عوامل شیمیایی رسیکن اکسیژن به سلول ها را مختل می کنند و ریه ها و چشم ها را هم درگیر می کنند و آنلری فوری دارند



عوامل اعصاب

- گاز تابون
- گاز سارین و گاز سومان
- گاز GF و گاز VK



این عوامل سیستم عصبی را به سرعت از کار می اندازند و پیامد آن تشنج و سکت و بیشتر اوقات مرگ است از طریق تنفس یا پوست به بدن نفوذ می کنند و اثر خود را می گذارند



عوامل بی هوش کننده



از راه پوست یا تنفس جذب بدن می شوند اگر هم جذب شوند ناراحتی های کوتاه مدت و نیز توم و بیماری های روانی ایجاد می کنند



یک اینفوگرافی جامع درباره ی جنگ شیمیایی بعضی ها علیه ایرانیان

نبرد نامردان

۶۲

جنگ ها از من های عجیبی هستند تا وقتی که طرف پیشروی می کند خودش را مردمی داند اما همین که پیشروی ها تمام شود متوجه شد که نمی تواند بازور جلو برود دیگر مر دانی را کنار گذاشته و فراموش می کند و بعد هر کاری که بتواند انجام می دهد در ست مثل دفاع مقدس خودمان: صدام آن همه دم از شجاعت و مر دانی و هبیری امت عرب و می زد اما وقتی دید نمی تواند کاری از پیش ببرد به هر چیزی که توانست جنگ زد از جمله این که از مواد و عوامل و سلاح های شیمیایی استفاده کرد تا بار شکستش را کمتر کند در جنگ بعضی ها علیه ایران از سلاح ها و مواد شیمیایی مختلفی استفاده شد تا جایی که حتی سازمان ملل کم خاصیت آن زمان نیز در ۱۶ دی ماه ۱۳۶۵ بیانیه ای صادر و این روند را محکوم کرد در این اینفوگرافی نگاهی کلی به جنگ شیمیایی بعضی ها علیه ایرانیان انداخته ایم

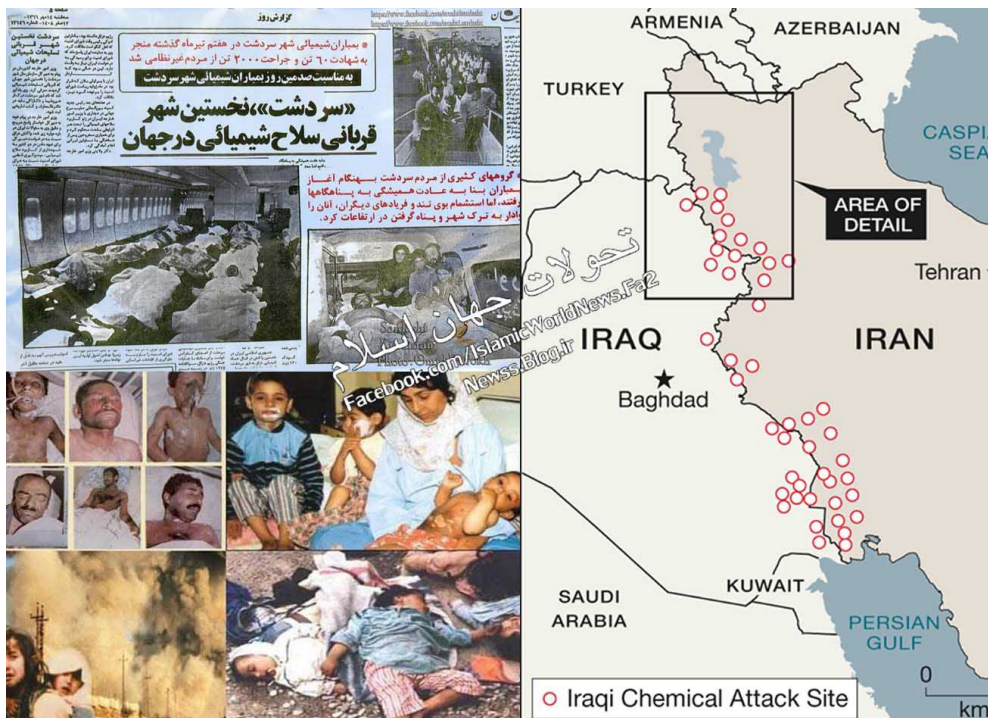
کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

ایالات متحده از آن زمان در جریان استفاده ارتش صدام

از سلاحهای شیمیایی علیه ایران بوده است!؟

اوباما: "ما در گذشته صدام را حمایت کردیم.. زمانی که می دانستیم او

در جنگ با ایران از سلاحهای شیمیایی استفاده می کند."



<http://www.nytimes.com/2015/07/15/opinion/thomas>

-friedman-obama-makes-his-case-on-iran-nuclear-

deal.html?smid=tw-share&r=0

سند CIA در جولای ۱۹۸۲ (۱۳۶۱ شمسی) که نشان می دهد ایالات متحده از آن زمان در جریان استفاده ارتش صدام از سلاحهای شیمیایی علیه ایران بوده است.

<https://www.scribd.com/doc/163045562/Iran-Iraq-Situation-Report>

با وجود محرز شدن استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی (به خصوص در سردشت) توسط بازرسان بین المللی، ایالات متحده با رای منفی خود، مانع از تصویب پیش نویس قطعنامه ارائه شده توسط ایران، بر اساس پروتوکل ژنو ۱۹۲۵، در شورای امنیت بر ضد صدام حسین شد.

<http://www.gwu.edu/~nsarchiv/NSAEBB/NSAEBB82/iraq47.pdf>

علی حسن المجید التکریتی ، معروف به علی شیمیایی

علی حسن المجید التکریتی (به عربی: علي حسن عبد المجید التکریتی) (زاده ۳۰ نوامبر ۱۹۴۱ – درگذشته ۲۵ ژانویه ۲۰۱۰) معروف به علی شیمیایی از شخصیت‌های مهم حزب بعث عراق بود. او پسر عموی صدام حسین بود و مدتی وزارت دفاع عراق را به عهده داشت وی به عنوان عضو شورای فرماندهی انقلابی، در تصمیم‌گیری‌های مهم در زمان ریاست‌جمهوری صدام حسین شرکت داشت و مأمور سرکوب شورش‌های منطقه‌ای بود. او در ماه اوت سال ۲۰۰۳ و در پی اشغال عراق توسط نیروهای آمریکایی دستگیر شد. وی به دستور صدام سلاح‌های شیمیایی و میکروبی را علیه مردم عراق و ایران به کار گرفت. وی طبق پرونده قضایی‌اش در سال ۱۹۴۱ در تکریت زاده شده، اما خود او می‌گوید که متولد سال ۱۹۴۴ است. نخستین بار در ژانویه ۲۰۰۷ به عنوان مسئول حمله شیمیایی به روستای کردنشین حلبچه که به کشته شدن پنج هزار نفر انجامید، به اعدام محکوم شد. او سپس دو بار دیگر به اتهام سرکوب قیام شیعیان پس از حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۱،

و نیز به اتهام شرکت در کشتار و آواره کردن شیعیان در سال ۱۹۹۹، به اعدام محکوم شد. او نهایتاً در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۰ اعدام شد.

برخی از جرایم علی حسن المجید

نسل‌کشی کردهای عراق که بخشی از آن به قتل و زنده به گور کردن ۱۸۲,۰۰۰ کرد عراقی در ۱۰۰ روز انجامید.

دستور بمباران شیمیایی شهر سردشت در سال ۱۳۶۶

دستور کشتار ۵,۰۰۰ کرد در حلبچه به وسیله سلاح‌های شیمیایی در سال ۱۹۸۸ در ادامه عملیات انفال

شرکت در کشتار و آواره کردن شیعیان در سال ۱۹۹۹

دست داشتن وی در قتل محمدصادق صدر و دو پسرش توسط سازمان امنیت عراق در فوریه ۱۹۹۹

سرکوب شورش شیعیان عراق در پی حمله ارتش بعثی به کویت در سال ۱۹۹۱

قتل ۴۲۶ اسیر ایرانی

تدفین

جسد وی در ۲۷ ژانویه در مقبره رهبران نظام سابق عراق دفن شد. مراسم تدفین وی شبانه انجام شد. به گزارش پایگاه خبری الجوار این مراسم با حضور برخی از خویشاوندان وی در منطقه عوجه تکریت برگزار شد. جسد وی را در کنار جسد طه یاسین رمضان، معاون اول صدام حسین دفن کردند.



سلاح شیمیایی و روایت ددمنشی بعثی‌ها با کمک متحدانش

استفاده بعثی‌ها از تسلیحات شیمیایی یکی از بدترین جنایت‌های آنان در سال‌های جنگ تحمیلی بود. به روایتی صدام از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد تا جلوی شکست کامل ارتش عراق را بگیرد و هزینه جنگ را برای ما تا جایی که می‌شود بالا ببرد.

کتاب «در تدارک عملیات سرنوشت‌ساز» (علیرضا لطف‌الله زادگان و یحیی فوزی، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس) را ورق می‌زدیم که لابه‌لای خبرها و اظهارنظرهای روز ۲۷ مرداد ۱۳۶۵ چشمم به این خبری افتاد که بیشتر از مطالب دیگر نظرم را جلب کرد. «اعزام مجروحان شیمیایی ایرانی به بیمارستان‌های اروپایی برای درمان، خود به خود افشاگر ددمنشی عراق و حامیان این کشور(که در تهیه این گونه سلاح‌ها عراق را یاری می‌کنند) شده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، سخنگوی بیمارستان اکادمیک اوترخت شهر موتریخت هلند امروز اعلام کرد که یکی از مجروحان ایرانی جنگ ایران و عراق پس از معالجات طولانی درگذشته است. این مجروح با

هشت نظامی دیگر ایرانی – که به گفته سفیر ایران در لاهه، از جراحات شیمیایی رنج می‌بردند – در اوایل اسفند سال گذشته وارد هلند شده بود. سخنگوی یاد شده خاطرنشان کرد که هشت نظامی دیگر پس از معالجات موفقیت‌آمیز، طی ماه‌های گذشته به تهران بازگشته‌اند.»

نامی از این جانباز شهید در این خبر دیده نمی‌شد و ما(بر اساس اطلاعات این بخش از کتاب) نمی‌دانیم که آن مجاهدی که در رویارویی با دشمن متجاوز جراحات، آن‌هم جراحات شیمیایی برداشت و بعد از تحمل دوره‌ای درد و رنج، جایی دور از وطن به شهادت رسید چه نام داشت. آن زمان شماری از مجروحان شیمیایی را برای درمان به اروپا می‌فرستادند و بیشترشان را در بیمارستان‌های آلمان بستری می‌کردند. زیرا به گفته دکتر مصطفی قانعی، یکی از متخصصان سرشناس حوزه تسلیحات شیمیایی و عوارض‌شان «پس از کاربرد سلاح شیمیایی توسط عراق علیه رزمندگان ایرانی و مردم حلبچه و سردشت، تصویری که مسئولان کشور ما داشتند این بود که چون آلمان این سلاح را درست کرده است بنابراین راه درمانش را هم می‌داند.

برای همین مجروحان را به این کشور اعزام کردند.» بدن شماری از این مجروحان به درمان پاسخ می‌داد و شرایطشان اندکی بهبود پیدا می‌کرد، هرچند عوارض جراحی شیمیایی هرگز کاملاً درمان نمی‌شد و بدن میزبان را ترک نمی‌کرد.

گاهی پیش می‌آمد که چند ماه یا چند سال بعد، عوارض دوباره بروز می‌کردند و مشکلات حادی را برای جانباز به وجود می‌آوردند. گاهی این مشکلات حاد به شهادت جانباز منتهی می‌شد. همچنین برخی دیگر هم بودند که جراحی‌شان درمان‌شدنی نبود و مدت کوتاهی پس از مجروحیت به هم‌رزمان شهیدان‌شان می‌پیوستند.

البته باز به گفته دکتر قانع، اشتباهاتی هم در درمان گروهی از مجروحان شیمیایی انجام گرفت، که سال‌ها بعد نادرستی‌شان معلوم شد. «پس از سقوط صدام یکسری درمان‌هایی که مشخصاً در کتاب نوشته شده بود برای قربانیان و مصدومان شیمیایی استفاده شد و آن تجویز دز بالای از کورتن بود که نتایج خوبی نداشت.»

جعفر شیرعلی‌نیا در مطالعه ارزشمندش، کتاب «دایره‌المعارف مصور تاریخ جنگ ایران و عراق» صفحاتی را هم به موضوع استفاده بعثی‌ها از سلاح‌های شیمیایی اختصاص می‌دهد. می‌نویسد «استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی از عملیات خیبر به بعد یکباره افزایش می‌یابد. رزمندگان ایرانی در عملیات خیبر از هور گذشتند و در بد موانع و استحکامات دشمن را پشت سر گذاشتند. ارتش صدام از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد تا جلوی شکست کامل ارتش عراق را بگیرد و پس از آن به صورت مکرر از سلاح شیمیایی استفاده کرد.

سلاح شیمیایی روحیه‌شکن بود و تأثیرات دردناکش روحیه را خرد می‌کرد.» وی معتقد است استفاده صدام از سلاح شیمیایی (که بیشترشان عامل تاول‌زا یا اعصاب بودند) عملاً فصل تازه‌ای از جنایت جنگی در کل تاریخ جهان را رقم زد.

حاج احمد قدیریان نیز در کتاب خاطراتش، که با همین عنوان «خاطرات حاج احمد قدیریان» منتشر شده است روایت می‌کند که «در حادثه بمباران شیمیایی مقر فاطمه الزهرا در فاو، که محل سکونت

نیروهای اعزامی ما بود، همه شیمیایی شده و آن‌ها را به تهران اعزام نمودند؛ اندکی پیش از این در منطقه من هم که شاهد یکی از این بمباران‌های شیمیایی بودم، به همراه دوستان دیگر دچار عارضه شیمیایی شدیم.

ما بلافاصله به تهران آمدم و آن‌ها که در قرارگاه بودند، فردا صبح شیمیایی روی آن‌ها اثر گذاشت و آن‌ها را به تهران و استادیوم آزادی منتقل نمودند.

اثر شیمیایی به حدی بود که چشم‌های افراد بسته شده بود و مدت یک ماه طول کشید تا اندکی بهبودی برای آنان حاصل گردید.»

او می‌افزاید «افرادی که مورد ترکش شیمیایی قرار می‌گرفتند، وضعیت به مراتب بدتری داشتند؛ اول چشم آن‌ها بسته می‌شد، سپس در پوست و بعد در ریه آن‌ها اثر می‌گذاشت.

یکی از رزمندگان جبهه‌ها که مورد اصابت قرار گرفته بود، چون در نزدیکی بمباران قرار داشت تمام بدن او از صورتش تا دست و پا و بدن و حتی ریه او تاول چرکی زده بود. این رزمنده در بیمارستان شهید

لبافی‌نژاد بستری شد و تحت مداوا قرار گرفت اما بعد از سه روز به شهادت رسید. در میان رزمندگان شیمیایی‌شده به قدری ورم دست و پا زیاد بود که دکترها مجبور بودند تاول‌ها را بریده و چرک‌ها را خارج نمایند. این عارضه به گونه‌ای بود که پس از سه ساعت دوباره زخم شروع به گسترش و چرکی‌شدن می‌کرد.»

ایران بزرگترین قربانی سلاح‌های شیمیایی

استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط عراق در طول هشت سال جنگ تحمیلی، ایران را در رتبه اول کشورهای قربانی حملات شیمیایی قرار داده است. طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی استفاده از هرگونه سلاح شیمیایی در جنگ‌ها غیرقانونی است اما دولت‌های سلطه‌گری که آغازکننده جنگ در دوره‌های مختلف بوده‌اند بارها و بارها این قانون را نقض کرده و با انواع سلاح‌های شیمیایی باعث مرگ و جراحت هزاران انسان بیگناه شده‌اند. از جمله این کشورها جمهوری اسلامی ایران است که در طول جنگ تحمیلی هشت ساله، ۵۷۲ بار مورد حمله شیمیایی

عراق قرار گرفت و حاصل این تعداد حملات شیمیایی، بیش از ۱۰۰۰۰ شهید و حدود ۱۲۷۰۰۰ مصدوم می‌باشد. تنها در سال ۱۳۶۶ بر اثر حمله شیمیایی نیروی هوایی عراق به منطقه سردشت، ۱۱۰ تن از ساکنان غیرنظامی شهید و ۸۰۰۰ نفر مصدوم شدند. آمار ارائه‌شده در اینفوگرافی زیر این واقعیت را ثابت می‌کند که جمهوری اسلامی ایران اولین و بزرگ‌ترین قربانی سلاح‌های شیمیایی است. به خبرنگاران جوان



ایران بزرگترین کشور قربانی سلاح شیمیایی

نگاهی به آمار حملات شیمیایی عراق به ایران



مصدومان
۱۰۰,۰۰۰ نفر



شهید
۱۰,۰۰۰ نفر



تعداد حملات
۵۷۲ مرتبه

انواع حملات



کاتیوشا



هلی کوپتر



خمپاره



توپخانه

مواد شیمیایی استفاده شده در حملات عراق



ناتوان
کننده



فسفوری و
ناپالم



سیانور



اعصاب و
روان



عامل
تاو لزا

شرکت‌های بسیاری از کشورهای آلمان، انگلیس، آمریکا، هلند، فرانسه و دیگر کشورها، تامین‌کننده سلاح‌های شیمیایی و مواد اولیه و تجهیزات بکار رفته در این سلاح‌ها برای رژیم صدام بوده‌اند

کشف دخالت اسپانیا در تولید سلاح های شیمیایی عراق

«در یکی از عکسهایی که در مجله تایم به چاپ رسید و شهرت بسیاری کسب کرد، هیأت سازمان ملل و روزنامه نگاران غربی با ماسک ضد گاز در حال بررسی یکی از بمب های شیمیایی کار نکرده متعلق به عراقی بودند. اگر فیوز الکتریکی آن عمل کرده بود این بمب هم مثل بقیه منفجر می شد.

به هر حال مأموران سازمان ملل علائمی از روی بمب پیدا کردند و با رد یابی قضیه معلوم شد که جداره بمب ساخت کشور اسپانیا بوده است.

فیوزها نیز ساخت یک شرکت اسپانیایی بودند.

اگر فیوزها بی عیب و نقص بود و تمام بمب ها در جبهه نبرد منفجر می شد کشف دخالت دولت اسپانیا در برنامه تولید سلاح های شیمیایی عراق چندان آسان به نظر نمی رسید.»

روباه پیر به صدام
در جنگ تحمیلی ۸ ساله



کمکهای
روباه پیر به صدام
در جنگ تحمیلی ۸ ساله

جاسوسی MI5 از خریدهای نظامی ایران و دادن اطلاعات آن به عراق

اشغال سفارت ایران در لندن توسط شش نفر تبعه مسلح عراقی با نقشه و همکاری اسکاتلند یارد و شهادت دو دیپلمات ایرانی
فروش گلوله‌های حاوی گازهای سمی چون هنس‌لین، ترونیات و نیز بمب‌های آتش‌زا

ساخت پناهگاه‌های زیرزمینی مدرن برای عراق

تحويل کشتی‌های جنگی سفارشی ایران به عمان

عدم پرداخت بدهی خود به ایران

واسطه‌گری بین شاه‌بورختیار و غلامعلی اویسی با عراق جهت تبادل اطلاعات و تشویق صدام به اشغال ایران

فروش تجهیزات الکترونیکی و راداری

فروش سلاح‌های مورد نیاز عراق به طور مستقیم به کشورهای عربی حاشیه عراق

تشویق صدام به آغاز جنگ

افزایش اعتبارات بازرگانی دولت عراق به دو برابر درست یک هفته بعد از عملیات شیمیایی حلبچه

عدم تحويل تانک‌های اسکورپیون ایران

اعتبار ۲۵۰ میلیون پوندی برای خرید سلاح

فروش مواد و تجهیزات تولید گاز خردل

بطور متوسط سالیانه آموزش ۴۰ خلبان نظامی عراقی در پایگاه هوایی سلطنتی بریتانیا در کل ۸ سال جنگ

کارشکنی و تاخیر در تحويل ناو خارک به درخواست عراق که ایران قبل از انقلاب پولش را کامل پرداخت کرده بود

چیف‌تن ایران که پول آنها از مدتها قبل پرداخت شده بود

@meem.alef.noon

میم.الف.نون

عدم تحويل تانک‌های چیفتن ایران به عراق و اردن

فروش مواد بمب شیمیایی به نام سم دفع آفات

فروش خودروهای زرهی نجات و تخلیه نیرو از میدان جنگ

به ارزش ۳۴ میلیون پوند

شرکت انگلیسی ۱۴ طریق

فروش مواد شیمیایی از طریق ۱۴ شرکت انگلیسی

کتاب هسته‌ای به نام ناصر کاوه

کمک های بریتانیای کبیر به صدام

با شروع حمله عراق به ایران، در حالی که بیش از ۸۰ کشور به صورت رسمی و غیر رسمی عراق را یاری می دادند، جمهوری اسلامی ایران حتی از داشتن حق خرید سیم خاردار که یک وسیله غیرنظامی محسوب می شد، محروم بود. «جیووانی دی استفانو» وکیل ایتالیایی صدام که از کمک شرکت های اروپایی به رژیم صدام برای به دست آوردن مواد شیمیایی پرده برداشت، در این رابطه گفته است:

«به طور مشخص شرکت هایی از انگلیس، آلمان، ایتالیا، هلند و فرانسه در چهارچوب تضمین مالی آمریکا به عراق کمک کردند.» و در جای دیگر هم گفت: «انگلیس از جنگ میان عراق و ایران خوشحال بود زیرا در جریان این جنگ قیمت نفت برنت دریای شمال به اوج رسیده بود.» این ها همه حقایقی است که از اسناد بین المللی برداشته شده است و اثبات آن تنها با حوصله کردن و ورق زدن میان اسناد، قابل انجام است. عمق فاجعه در حدی است که سازمان ملل متحد نیز طی گزارش به کمک های کشورهای غربی به برنامه های تسلیحاتی عراق اشاره می کند

و می‌نویسد: «عراق تسلیحات خود را از ۱۵۰ شرکت آلمانی و آمریکایی و انگلیسی تهیه کرده است. بر اساس گزارش‌ها دولت عراق از سال ۱۹۷۵ توسط ۸۰ کمپانی آلمانی، ۲۴ شرکت آمریکایی و حدود ۱۲ شرکت انگلیسی و چند شرکت سوئیسی، ژاپنی، ایتالیایی، فرانسوی، سوئدی، برزیلی و آرژانتینی تجهیزات دریافت کرده است.»

از سویی فعالیت‌های دفتر ایران در لندن نه تنها توسط سازمان اطلاعاتی انگلیس رصد می‌شد، بلکه آن‌ها اطلاعات به دست آمده را در اختیار عراق نیز قرار می‌دادند. از دیگر مطالب قابل توجه در موضوع پشتیبانی از صدام این که هر سال حدود ۴۰ خلبان نظامی در پایگاه سلطنتی انگلیس آموزش می‌دیدند و شرکت‌های بزرگ هواپیمایی روی این دوره‌ها نظارت داشتند.

البته انگلیس دست به هر کاری می‌زد که موازنه قدرت را به نفع عراق برگرداند و در این راستا از هیچ کمکی مضایقه نکرد. مثلاً:

- همراهی انگلستان با آمریکا برای تحکیم تحریم اقتصادی علیه ایران و تلاش در جهت تغییر سیاست خارجی کشورها در راستای مخالفت با

منافع ایران، (از جمله می‌توان حمایت‌های علنی این کشور از عراق را در مجامع بین‌المللی از جمله سازمان ملل نام برد).

-اعطای اعتبارات مالی (کما اینکه یک مورد آن در متن اشاره شد) و ارسال انواع کالا، دارو و مواد غذایی به عراق.

-تلاش در همراه کردن کشورهای دیگر با سیاست‌های ضد ایرانی آمریکا در راستای صدور قطعنامه و بیانیه‌های مختلف و محکوم نمودن ایران در سازمان ملل و سایر محافل بین‌المللی به بهانه نقض حقوق بشر در ایران.

-فشار و منع کشورهای خارجی از صدور تسلیحات به ایران.
-همراهی تفنگداران دریایی انگلیس در خلیج فارس با آمریکایی‌ها بر ضد ایران.

آمریکا در حمایت از صدام دو هدف را دنبال می‌کرد: اول! آزادی زندانیانی که از حمله ناکام به طبس و کودتای نوژه گروگان گرفته شده بودند و دوم همان‌که بالاتر اشاره شد: انقلاب اسلامی برای آمریکا هم

مثل انگلیس اتفاق ناخوشایندی بود که هر دو درصد براندازی و شکست آن بودند. برژینسکی مشاور امنیتی کارتر، شروع جنگ منطقه‌ای علیه ایران را راه حل مناسبی برای جلوگیری از صدور انقلاب دانست و عنوان کرد که «آمریکا در مقابله با انقلاب ایران، باید تقویت دولت‌هایی را که توان انجام عملیات نظامی علیه رژیم ایران را دارا هستند مورد توجه قرار دهد.»

لذا او در یک ملاقات سری با صدام این باور را در وی به وجود آورد که آمریکا به طور تمام قد حامی عراق است.

هیتی، معاون وزیر دفاع بریتانیا درباره جنگ ایران و عراق می‌گوید: «تمام تلاش‌مان را به خرج دادیم تا رابطه را با عراق گرم نگه داریم. طی جنگ هشت ساله صدام علیه رژیم تهران، به طور متوسط هر سال ۴۰ خلبان نظامی عراقی در پایگاه نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا، آموزش می‌دیدند و شرکت‌های خصوصی نظیر هواپیمایی C.S.I هم بر این دوره‌ها نظارت داشتند.»

بر اساس برآورد انجمن فناوری ابزارهای ماشین انگلیس (MTAA) فروش ابزارهای ماشینی این کشور به عراق از ۹/۲ میلیون دلار در ۱۹۸۷ میلادی به ۳۱/۵ میلیون دلار در سال ۱۹۸۸ میلادی افزایش یافت.

شرکت «تی ماشین تولز» از «کاونتري» یکی از شرکت‌های انگلیسی بود که در دوران جنگ عراق با ایران دو قرارداد به ارزش ۵/۳۱ میلیون دلار برای کارخانه اسلحه‌سازی عراق منعقد کرد و بر اساس آن مقرر شد شرکت نامبرده ابزارهای مورد نیاز تولید بمب خوشه‌ای را برای کارخانه «حطین» و گلوله توپ را برای مجتمع «ناجی» بفروشد.

همچنین شرکت «بی اس ای ماشین تولز» بیرمنگامی نیز قرار داد مجهز کردن کارخانه فیوز توپخانه را برای کارخانه «هفتم آوریل» و شرکت تراشکاری لیثز (Lathcs) در «کلچستر» نیز دو قرارداد جداگانه برای صدور ابزار ماشینی به مجتمع تولید سوخت و مواد منفجره «الققعاع» در «حله» و موسسات عمومی «بدر» در «ابوسفیه» امضا کردند.

تلاش‌های عراق برای خرید تسلیحات و دستیابی به ابزارهای ساخت تسلیحات از انگلستان همچنان ادامه داشت به نحوی که دولت بعث عراق در سال ۱۹۸۷ یک شرکت جدید به نام «تی ام جی» در انگلستان ثبت کرد که این شرکت در نخستین فعالیت خود شرکت ابزار ماشینی به نام «تی آی ماشین تولز» که در «کاونتری» فعالیت داشت را به مبلغ ۹ میلیون دلار خرید و با خرید آن اسم شرکت را به «ماتریکس چرچیل» تغییر داد؛ شرکتی که ماشین‌های تراشکاری را به «حطین» ارسال می‌کرد تا در آنجا برای ساخت بمب‌های خوشه‌ای مورد استفاده قرار گیرند. تمام تلاش‌های عراق در این زمینه در حالی صورت می‌گرفت که ایران در جنگ تحمیلی با تحریم تسلیحاتی مواجه بود؛ به همین جهت دفتری را در لندن باز کرد تا به واسطه آن بتواند خریدهای مورد نیاز را از بازار سیاه تهیه کند؛ اما فعالیت‌های دفتر ایران در لندن نه تنها توسط سازمان اطلاعاتی انگلیس رصد می‌شد، بلکه آن‌ها اطلاعات به دست آمده را در اختیار عراق نیز قرار می‌دادند. انگلستان هرچند در جنگ عراق با ایران ادعا می‌کرد از فروش تسلیحات به طرفین درگیر امتناع می‌کند، ولی شرکت‌های انگلیسی با عناوین مختلف در قراردادهایی که

با عراق منعقد می‌کردند، در حال تجهیز بیش از گذشته ارتش این کشور بودند؛ به‌عنوان مثال، شرکت «مارکونی» یکی از چندین شرکت انگلیسی بود که در جهت فروش تجهیزات به عراق فعالیت می‌کرد. این شرکت در سال ۱۹۸۵ قرارداد فروش فرستنده‌های «میکرو ویو» را به عراق امضا کرد تا به‌وسیله این دستگاه‌ها و با استفاده از خطوط تلفن، دستوراتی را در کمترین زمان ممکن به جبهه‌های جنوب ارسال کند؛ علاوه بر این، در همین سال شرکت «راکال» در قراردادی متعهد شد که کارخانه تولید پیشرفته‌ترین رادیو نظامی موجود در جهان به نام «جاگوار» را در عراق احداث کند.

البته شرکت‌های انگلیسی فقط برای ساخت سلاح و مهمات به صدام کمک نمی‌کردند، بلکه برای حفاظت از جان آن‌ها نیز تلاش‌هایی را انجام می‌دادند؛ به همین جهت انگلیسی‌ها به همراه شرکت‌هایی از یوگوسلاوی سابق و بلژیک، برای نیروی هوایی ارتش بعث عراق پناهگاه‌های زیر زمینی مستحکمی را ساختند؛ بدین صورت که هر یک از کشورهای مورد اشاره بخشی از ساخت و تجهیز پناهگاه‌های نیروی

هوایی ارتش صدام را برعهده داشتند که مسئولیت ساخت و تأمین نیروگاه‌های برق و تجهیزات ارتباطی این پایگاه‌ها بر عهده شرکتی از انگلستان بود. از سوی دیگر برخی از کارخانه‌های انگلیسی در پی فروش سلاح به عراق سود سرشاری به دست آوردند و حتی در سال ۱۹۸۸ میلادی فروش این اqlام به یک دوم میلیارد دلار رسید. همزمان، انگلیسی‌ها دفتر خرید ایران در خیابان ویکتوریای لندن را از طریق سازمان‌های اطلاعاتی کنترل کرده و اطلاعات آن را در اختیار عراق قرار می‌دادند. منبع: آغاز تا پایان جنگ (سالنمای تحلیلی)



استفاده از تسلیحات شیمیایی و میکروبی علیه نظامیان و غیرنظامیان

حزب بعث مفاد پروتکل ۱۹۲۵ ژنو را که در آن استفاده از سلاح‌های سمی، میکروبی و شیمیایی منع شده را در سال ۱۹۳۱ امضا کرده و بر رعایت آن متعهد شده بود. حملات شیمیایی حزب بعث طبق ماده ۱۷ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری لاهه مشمول جنایات جنگی می‌شود.



افزون بر این، حکومت صدام با نقض کنوانسیون ۱۹۴۹ سانفرانسیسکو و سایر قوانین بین‌المللی حمایت از حقوق شهروندان در قلمرو کشورها مرتکب جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی اکراد شمال عراق شده است. مسبب اصلی این همه فجایع و جنایت در وهله نخست سازمان ملل و شورای امنیت به خصوص پنج عضو دائمی (آمریکا، انگلستان، شوروی سابق، چین و فرانسه) است زیرا آنها بودند که نه تنها به دادخواهی ایران پاسخ مساعد ندادند، بلکه با بی‌توجهی، تهازل و سهل‌انگاری چشم بر جنایات صدام بستند.



احداث شبکه پناهگاه‌های زیرزمینی

احداث شبکه پناهگاه‌های زیرزمینی در عراق ، بخش دیگری از تلاش‌های عراق بود که در ژوئن ۱۹۸۲ با تصمیم صدام و مشارکت مهندسان انگلیسی آغاز شد.

کالین گرافت، رئیس فدراسیون مشاوران در مقاطعه کاران پناهگاه‌های هسته‌ای انگلیس می گوید:

«شرکت‌های انگلیسی طرح‌هایی ارائه کردند که به موجب آن برای ۴۸ هزار سرباز، پناهگاه امن ساخته شد.

هر پناهگاه تونل پولادین داشت و می‌توانست تا ۱۲۰۰ نفر را در خود جای دهد. در هر پناهگاه پست‌های فرماندهی، محل بیماران، اتاق‌های ضد آلودگی، آشپزخانه، انبار غذاهای خشک، آب و قورخانه یعنی تمام ملزومات یک اقامت بلندمدت پیش بینی شده بود.»

منبع : محمد درودیان/مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

دیوید کرن؛ دیپلمات سابق آمریکا در بغداد می‌گوید: دولت انگلیس تنها چند هفته بعد از آنکه عراق از سلاح شیمیایی در حلبچه استفاده کرد، با اعزام یک وزیر کابینه انگلیس به بغداد اعتبارات بازرگانی داده شده به دولت عراق را دو برابر افزایش داد. مجله تایمز مالی چاپ انگلیس نیز در همین باره می‌نویسد: «یک شرکت انگلیسی مقادیر زیادی گلوله‌های حاوی گازهای سمی چون هنس‌لین، ترونیات و نیز بمب‌های آتش‌زا (شبیه بمب‌هایی که آمریکا در ویتنام بکار برد) را به عراق صادر کرد.

اسامی شرکت‌های انگلیسی تجهیز کننده ماشین جنگی صدام به تسلیحات شیمیایی و هسته‌ای تایید این حقیقت است. انگلیس یکی از کشورهای تدارک کننده وسایل و مواد شیمیایی به عراق بود. کشف محموله مواد سمی شیمیایی در یک کشتی به ثبت رسیده عراقی در بندر نرماندی فرانسه که طی آن چهار بطری حاوی سموم قوی شیمیایی در آنجا پخش شده بود، موجب شد که پلیس فرانسه در این مورد به مردم اعلام خطر کند.

این کشتی مقدار ۳۵ هزار «تن دی میتل فسفونات» (dimethyl methyl phosphonate) را از بندر لیورپول انگلستان به مقصد کویت و از آنجا به عراق حمل می‌کرد. «دی میتل فسفونات» که به مبلغ ۵۰۰ هزار پوند انگلیس خریداری شده بود، ظاهراً برای استفاده در کارخانه پتروشیمی بغداد تهیه شده بود، ولی عراقی‌ها از آنها برای تبدیل به جنگ افزارهای شیمیایی بهره‌برداری می‌کردند. به همین علت «تونی بانکز» نماینده حزب کارگر در پارلمان انگلیس ضمن گفت‌وگو با خبرنگاران، این اقدام دولت انگلستان را یک معامله‌ی رسواکننده نامید.

مرور تاریخ جدید جنگ‌های شیمیایی به سال ۱۸۹۹ در جنگ انگلستان با بوئرها (مهاجرین هلندی ساکن آفریقای جنوبی) برمی‌گردد. «در آن جنگ ارتش انگلستان از توپ‌های حاوی «اسید پیکریک» استفاده کرد که اثر تهوع‌زا داشتند و نیز بنا به نوشته «شارل روسو» حقوقدان معروف در جنگ ترانسوال، انگلستان از گلوله‌های توپی استفاده می‌کرد که حاوی لیدیت بود و پس از انفجار گازی متصاعد می‌کرد که موجب خفگی می‌شد.

[حملات موشکی و بمباران مناطق مسکونی جنگ شهرها]

تعداد شهدا



نفر ۱۶۰۰۰۰

تعداد مجروحین



نفر ۶۰۰۸۷۳

مناطق هدف



۲۷

۱۰۵

۱۹۰۲



مرحله دوم
۲۴ خرداد
۱۳۶۴

۲۹

۱۱۸

۵۹۰۶



مرحله اول
۳ اسفند ۱۳۶۳ تا
۱۷ فروردین ۱۳۶۴

• در پاسخ به عملیات بدر



مرحله چهارم
بهار و تابستان
۱۳۶۶

• شروع حملات این
• مرحله همزمان با
• عملیات کربلای ۸ و
• ادامه آن در طول
• عملیات های کربلای ۹
• ۱۰ فتح ۵ الی ۷ و
• نصر ۱ الی ۴
• اوج گیری جنگ
• تفکک ها و جنگ
• شیمیایی

۶۶

۲۶۴

۱۴۲۱۳



مرحله سوم
۱۹ دی تا
۱۳ بهمن ۱۳۶۵

• در پاسخ به عملیات کربلای پنج



مرحله ششم
۸ تا ۲۲ اسفند
۱۳۶۶

• بمباران و موشک باران
• تهران و حومه

• همزمان با سفر دکوئیر
• دبیرکل وقت سازمان
• ملل متحد به تهران

مرحله پنجم
پاییز ۱۳۶۶



مرحله هشتم
۲۱ تا ۳۱ فروردین
۱۳۶۷

• پرتاب ۲۰۰ فروند
• موشک از طرف رژیم
• بعث - صدام تا این
• مرحله
• اعلام قطعی پایان جنگ
• شهرها در اول
• اردیبهشت ۱۳۶۷

• اعلام رژیم بعث مبنی
• بر پرتاب ۱۰۶
• موشک علیه شهرهای
• کشور

مرحله هفتم
۲۳ اسفند ۱۳۶۶ تا
۱۱ فروردین ۱۳۶۷

• درخواست دبیرکل
• سازمان ملل برای
• خودداری از ادامه
• جنگ شهرها

• با وجود اعلام قطعی پایان جنگ شهرها، رژیم بعث
• صدام در ساعت ۱۱:۲۰ روز ۱۴ اردیبهشت
• ۱۳۶۷ به حرم هوایی شیراز تجاوز نمود.

کشتار هسته‌ای به یک - محاصر کلاوه

استفاده ارتش انگلستان از سلاح‌های شیمیایی سبب شد تا دیگر قدرتهای استعماری نیز به تولید و توسعه این گونه سلاح‌ها رو بیاورند و هزاران نفر در جنگ جهانی اول به طرز فجیعی کشته شوند. استعمار پیر در آخرین دهه قرن بیستم در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بار دیگر با شگرد و رویکردی جدید به حمایت تسلیحاتی و سیاسی از رژیم بعثی عراق پرداخت.

بر اساس تحقیقات به عمل آمده از سوی انجمن حمایت از قربانیان سلاح‌های شیمیایی و بر اساس اسناد باقی‌مانده، شرکت مید اینترنشنال (MEED international) در برنامه تسلیحات دارای کاربرد دوگانه و شرکت مهندسی تی ام جی (TMG engineering)، در برنامه تسلیحات شیمیایی صدام شرکت داشتند.

برخی از شرکت‌ها مشترکا در تعاملات انگلیس و آمریکا در فراهم کردن سلاح‌های صدام با این دو کشور در زمینه‌های مختلف مشارکت داشته‌اند. همچنین در زمینه لجستیک نظامی شرکت‌های هانی ول (Honey Well)، کوتینگ تی ای (Ti Coating)، یونیسیز (Unisys)،

اسپری (Sperry corp)، راک ول (Rock Well)، هیولت پکارد (Hewlett_Paekard)، کار زیس_یو اس (Carl Zeiss_US) و بکتل (Bechtel) در تجهیز ماشین جنگی عراق نقش داشته‌اند.

در برنامه موشکی دولت صدام در جنگ علیه ایران شرکت‌های هانی ول (Honey Well)، سمیتکس (Cemetex)، تک ترونیکس (Tek Tronix)، هاوالت پکارد (Hewlett_Paekard)، ایستمن کداک (Est Kodak)، الکترونیک اسوسی ایتز (Electronic Associates)، سیستم‌های کامپیوتری بین‌المللی (international computer systems) و EZ Logic Data system inc به فعالیت پرداختند.

شرکت‌های کوتینگ تی آی (Ti Coting)، یونیسیز (Unisys)، اسپری (Sperry corp)، تک ترونیکس (Tek Tronix)، وکیوم لی لود (Leylode Vacuum systems)، شرکت آمریکایی مت_فی نی گن (Finningan Mat Us)، هاوالت پکارد (Hewlett_Paekard)،

دوپونت (Dupont) ، کونسارک (Consarc)، سربروس با مسئولیت محدود (Cerbrus Ltd)، سیستم‌های کامپیوتری بین‌المللی (international computer systems)، صنایع کانبرا (Canberra Industries Inc)، الکترونیک اکسل (Axel electronic Inc) در زمینه برنامه هسته‌ای، رژیم مخلوع صدام را یاری کردند.

نام شرکت‌های انگلیسی که عراق را به تکنولوژی و سلاح‌های غیر متعارف هسته‌ای، میکروبی و موشکی تجهیز کردند، در گزارش ۱۲۰۰ صفحه‌ای عراق که در دسامبر ۲۰۰۲ به سازمان ملل ارائه شده بود، درج شده که البته شورای امنیت سازمان ملل در آن زمان ۸۰۰ صفحه از بخش‌هایی از نام مراکز تجاری غرب را که به برنامه تسلیحات کشتار جمعی عراق کمک کرده بودند، سانسور کرد.

روزنامه چپ‌گرای آلمانی تاگ زایتونگ Die Tageszeitung در دسامبر ۲۰۰۲ بخش‌هایی از گزارش اصلی (قسمت‌های سانسور نشده

گزارش ۱۲۰۰۰ صفحه‌ای) را به چاپ رساند. منبع : کتاب ما اعتراف

می‌کنیم، ص ۴۵



البته دولت انگلستان در تجهیز ارتش بعث عراق به سلاح‌های ممنوعه کشتار جمعی همچون سلاح‌های شیمیایی نیز نقش داشته است به نحوی که علائم موجود روی بقایای بسیاری از بمب‌هایی که در حلبچه پیدا شد، نشان می‌دهد که عراق در ساخت سلاح‌های شیمیایی از مشارکت ۱۸ شرکت انگلیسی نیز استفاده کرده و فقط در یک مورد، دولت انگلستان در سال ۱۹۸۵ میلادی کارخانه ۱۴ میلیون پوندی تولید

کُمر را که توسط رژیم بعث عراق برای ساخت سلاح‌های شیمیایی مورد استفاده قرار می‌گرفت، تجهیز کرده است. مواردی که به آن‌ها اشاره شد، تنها بخش کوچکی از اقداماتی است که دولت انگلستان در حمایت از صدام در هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران انجام داده است و تشریح تمامی فعالیت‌های دولت انگلستان در حمایت از رژیم بعث عراق، در این نوشتار محدود نمی‌گنجد.

منبع: دفاع پرس _ ۲۹ دی ۱۳۹۸



افشای اسناد کمکهای انگلیس به صدام



بر اساس اسناد محرمانه مرکز اسناد ملی انگلیس، دولت "مارگارت تاچر" در اوایل سال ۱۹۸۱، به صورت محرمانه تجهیزات نظامی در اختیار صدام دیکتاتور معدوم عراق قرار داده بود.

طبق این اسناد که پس از ۳۰ سال روزنامه فایننشال تایمز بخشهایی از آن را منتشر کرد، دولت تاچر با وجود اعلام بی طرفی در جریان حمله رژیم بعث به ایران در اواخر سال ۱۹۸۰، علاوه بر فروش جنگنده های "هوک"، برای رژیم صدام پایگاه نظامی دریایی و هوایی ایجاد کرد.

این اقدام انگلیس درحالی صورت گرفت که این کشور قطعنامه شورایی امنیت را درباره ضرورت خودداری از هر اقدامی که به تنش بیشتر و گسترش جنگ می انجامد، امضا کرده بود.

براساس این اسناد ، لیست سلاح هایی که دولت تاجر فروش آن را به رژیم صدام پیشنهاد کرده بود ، شامل ۷۸ نوع تجهیزات نظامی از جمله خودروهای " لند روور " ، خودروهای نجات ، انواع رادار، لوازم یدکی انواع تانک است، که البته همه آنها به فروش نرفت.

فایننشال تایمز افزود: نخست وزیر سابق انگلیس در اظهاراتی گفته بود که بهترین راه برای پرهیز از محکومیت علنی و به دست آوردن پول از عراق ، فروش تجهیزات نظامی غیرمرگبار به عراق است. "توماس ترنشاد" وزیر مشاور دولت در امور خارجه، سال ۱۹۸۱ در نامه ای محرمانه نوشته است که " قراردادهای دفاعی به ارزش بیش از ۱۵۰ میلیون لیره استرلینگ با عراق در شش ماه اخیر امضا شده است، که از جمله آنها

قراردادی به ارزش ۳۴ میلیون لیره برای تحویل خودروهای زرهی بمنظور نجات و تخلیه نیروها از میدان جنگ است، که از طریق اردن در اختیار عراق قرار می گیرد." در نامه ترنشاد آمده است که " دیدار با صدام حسین گامی مهم در راه برقراری روابط کاری با عراق برای تحقق منافع تجاری زیاد در زمینه های تجاری و سیاسی است."

مارگارت تاچر که به زن آهنین معروف بود، با نوشتن یادداشتی بر این نامه ، از پیشرفت در روابط عراق و انگلیس ، ابراز خرسندی کرد.

شایان ذکر است که تاچر در زمان ریاست دولت محافظه کاران از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۰، نقشی مهم در تامین قراردادهای تسلیحاتی برای شرکت های اسلحه سازی انگلیس ایفا کرد، که از مهم ترین این قراردادها ، قرارداد "الیمامه" با عربستان در سال های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۸ بود که یکی از مهم ترین قراردادهای بزرگ تسلیحاتی در تاریخ با ارزش حدود ۴۰ میلیارد لیره استرلینگ بود.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی شبکه العالم

نقش مارگارت تاچر در جنگ ایران و عراق چه بود؟

امام خمینی (ره) : **"امریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از امریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر. همه از هم بدتر؛ همه از هم پلیدتر. اما امروز سر و کار ما با این خبیث هاست!"**

تلویزیون سلطنتی "بی بی سی" با پخش قسمت هایی از اسناد محرمانه انگلیس که به تازگی درز یافته اظهار داشت دولت "مارگارت تاچر" در خلال جنگ عراق و ایران در اواخر سال ۱۹۸۰ میلادی به رغم اینکه در این موضوع اعلام بی طرفی کرده بود به صورت محرمانه به رژیم صدام جنگنده‌های نوع "هوک" فروخته و پایگاه‌هایی دریایی و هوایی برای این رژیم دایر کرده است.

در ادامه این گزارش آمده است دولت "تاچر" در قرارداد خود با عراق متعهد شده بوده است ۷۸ نوع از تجهیزات نظامی از جمله خودروهای زرهی، لوازم یدکی تانک و رادار به رژیم صدام برای جنگ با ایران بدهد. همین اسناد نشان می‌دهد با وجود راه افتادن کمپین بین المللی علیه صدام در آغاز جنگ عراق و کویت، «مارگارت تاچر» نخست وزیر اسبق

انگلیس از این اقدام کشورهای جهان حمایت نکرده و دلیل آن نیز نگرانی لندن در خصوص قراردادهای فروش تسلیحات نظامی به دولت صدام بوده است.

بر اساس این اسناد، «ویلیام والدگریو» وزیر خارجه وقت انگلیس با ارسال نامه‌ای محرمانه به مارگارت تاچر، از وی می‌خواهد به دلیل قراردادهای سنگین فروش تسلیحات انگلیسی به بغداد، نخست وزیر انگلیس از این کمپین حمایت نکرده و سخنان تندی نیز علیه دیکتاتور سابق در جوامع بین المللی مطرح نکند، موضوعی که مورد قبول تاچر نیز قرار می‌گیرد.

این درحالی است که دولت وقت انگلیس به طور رسمی در جنگ هشت ساله عراق و ایران موضع بی طرفی اتخاذ کرده بود.

پرونده های سری و محرمانه در انگلیس که با مجوز دولتی فاش شده اند نشان می دهد دولت "مارگرت تاچر" نخست وزیر وقت این کشور در سال ۱۹۸۱ به طور مخفیانه، دولت صدام در عراق را به تسلیحات و تجهیزات نظامی مسلح کرده بود.

به گزارش عصر ایران به نقل از روزنامه فایننشال تایمز چاپ لندن، براساس این اسناد سری که به تازگی از وضعیت محرمانه خارج شده است، دولت تاجر تلاش کرد تا جنگنده هایی از نوع هوک را به صدام بفروشد و برای عراق پایگاه های نظامی دریایی و زمینی بسازد.

این درحالی است که دولت وقت انگلیس به طور رسمی در جنگ هشت ساله عراق و ایران که در اواخر سال ۱۹۸۰ آغاز شد، موضع بی طرفی اتخاذ کرده بود.

دولت وقت انگلیس همچنین قطعنامه شورای امنیت را با موضوع درخواست از اعضای این شورا برای خودداری از انجام هر گونه اقدامی که منجر به افزایش جنگ افروزی و گستره جنگ میان ایران و عراق می شد را تایید کرده بود.

فهرست تسلیحاتی که از سوی دولت تاجر برای فروش به دولت صدام پیشنهاد شده بود شامل ۷۸ نوع از تجهیزات قابل استفاده در فعالیت های نظامی و جنگی از جمله خودروهای لاندروور و وسائل نجات و امداد رسانی، رادارها و قطعات تانک بود. البته همه اقلام این فهرست به دولت صدام فروخته نشد.

تاجر توصیه کرده بود بهترین راه برای جلوگیری محکومیت علنی (فروش سلاح به صدام) و کسب پول از عراق، فروش تجهیزات نظامی غیرمهلک به این کشور است.

"توماس ترنشاد" وزیر مشاور در امور خارجه در کابینه وقت انگلیس، در سال ۱۹۸۱ با نگارش نامه ای محرمانه گفته بود کشورش در ۶ ماهه اخیر قراردادهای نظامی به ارزش بیش از ۱۵۰ میلیون پوند با دولت عراق امضا کرده است.

این قراردادها شامل تانک های زرهی با کارکرد نجات و خالی کردن صحنه جنگ به ارزش ۳۴ میلیون پوند بود.

در این نامه سری آمده است: ملاقات با صدام گام مهمی به سمت جلو در مسیر برگزاری دیدارهای کاری با طرف های عراقی است که منافع تجاری و سیاسی بزرگی را محقق می کند. تاچر نیز در حاشیه این نامه نوشته بود که از پیشرفت حاصل شده درباره عراق، خرسند است.



برای اعتراف گیری از اسرای ایرانی، از تجربیات شکنجه علیه کردها و شیعیان عراق سود می جستیم. سپس از ابتکارات روس ها و کشورهای بلوک شرق نیز در این راه کمک می گرفتیم و با خرید وسایل شکنجه پیشرفته از شرق و مرکز اروپا، آن را علیه ایرانی ها به کار می بردیم

تاچر در دوره تصدی کابینه انگلیس بین سال های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۰ نقش مهمی را در جلب قراردادهای تسلیحاتی برای لندن داشت که از مهمترین این قراردادهای می توان به قرارداد فروش جنگنده به عربستان سعودی در سال های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۸ معروف به قرارداد الیمامه اشاره کرد. قرارداد الیمامه به ارزش ۴۰ میلیارد پوند یکی از بزرگترین قراردادهای فروش اسلحه در تاریخ به شمار می رود.



انتشار اسنادی از همکاری اروپا با صدام در جنگ تحمیلی

پس از سالها پیگیری اداری و حقوقی، بر اساس قانون دسترسی به اطلاعات / Freedom of Information Act، وزارت امور خارجه بریتانیا، از طریق آرشیو ملی آن کشور، با آزادسازی هفت پرونده از مجموعه پرونده‌های مرتبط با استفاده ارتش بعثی عراق از جنگ‌افزارهای شیمیایی و بیولوژیک علیه ایران در جنگ هشت ساله موافقت کرد. من امروز مجال مطالعه و عکس‌برداری از این اسناد را پیدا کردم. پاسخ به این پرسش‌ها به فهم دقیق و عمیق مواضع کشورهای غربی و حمایت پنهان یا آشکار آنان در استفاده عراق از این جنگ‌افزارها کمک می‌کند:

۱. چرا این قبیل پرونده‌ها باید برخلاف مقررات مرسوم، در موعد مقرر از طبقه‌بندی خارج نشده و سال‌ها غیرقابل دسترسی بمانند؟ چه اشخاص و نهادهایی از آزادسازی و انتشار این قبیل اسناد در اروپا و آمریکا واهمه داشته و مانع انتشار آن‌ها شده و می‌شوند؟ چرا برخلاف

تصریح نظر قانون‌گذار در بریتانیا در آزادسازی این اسناد، همچنان اوراقی از این پرونده‌ها و یا بخش‌هایی از این پرونده‌های با تاخیر آزاد شده، به صورت مخدوش و با سانسور برخی عبارات و مطالب حساس ارائه شده‌اند؟ هنوز راه طولانی و دشواری برای انتشار همه اسناد و شناخت همه جنبه‌ها و لایه‌های نحوه تعامل/ مداخلات/ سکوت شرم‌آور و غیرقابل توجیه اشخاص، دولت‌ها و نهادهای عمومی و خصوصی غربی با حکومت بعثی صدام حسین در به کارگیری جنگ‌افزارهای شیمیایی و کشتار جمعی علیه ایران باقی مانده است.

به گزارش مشرق، مجید تفرشی، پژوهشگر



سر جان موبرلی، سفیر انگلیس در بغداد گزارش می دهد!؟

اسناد مربوط به سال ۱۹۸۳ نشان می دهد که دیپلماتهای انگلیسی از موضوع استفاده صدام از گاز سمی در جنگ با ایران پیشاپیش اطلاع داشتند اما به دلیل اینکه شرکت های انگلیسی دست اندر کار فروش مواد مربوطه بود عملاً هیچ اقدامی نکردند و مانع این کار نشدند.

بر اساس اسناد وزارت امور خارجه انگلستان، دولت انگلستان عمداً هرگونه اقدام در جهت جلوگیری از دستیابی عراق به سلاح شیمیایی را به تاخیر انداخت زیرا صادرکنندگان انگلیسی دست اندرکار صدور مواد لازم برای ساخت سلاح شیمیایی به عراق بودند. اسناد به تازگی منتشر شده مربوط به سال ۱۹۸۳ نشان می دهد که حتی قبل از استفاده گسترده عراق از گاز سمی در جنگ با ایران، دیپلمات ها از برنامه تکنولوژی های مخفیانه بغداد برای ساخت سلاح شیمیایی آگاه بودند. پرونده های مخفی، تحت عنوان ساخت سلاح شیمیایی در عراق، نشان می دهد که چگونه مقامات انگلیسی برای مداخله در این امر مردد بوده اند. این اسناد به تازگی در بایگانی ملی بریتانیا منتشر شده است.

در ماه آوریل سال ۱۹۸۳، در اوج جنگ ایران و عراق، سر جان موبرلی، سفیر انگلیس در بغداد، به بخش اطلاعات نظامی و وزارت امور خارجه و کشورهای مشترک المنافع گزارش داد که ارتش عراق گاز خردل تولید و از آن در میدانهای جنگ استفاده می کند.

سفیر در گزارش خود افزوده است: «شرکت بریتانیایی وایر پمپس تعدادی پمپ به، شرکت سومدات بیلدرز، پیمانکار هندی که در حال ساخت یک کارخانه تولید آفت کش در نزدیکی سامرا است، داده است» به گفته سفیر، وایر پمپس، در تلاش برای کشف اطلاعات فنی در مورد پروژه نا امید شده بود.

موبرلی در گزارش خود گفته است: «بنابراین به نظر می رسد که قطعا بخشی از کارخانه آفت کش سامرا نیز برای تولید مواد شیمیایی جنگی، از جمله تولید گاز خردل، مورد استفاده قرار می گیرد»

اما بخش کنترل تسلیحات وزارت امور خارجه و کشورهای مشترک
المنافع محدودیت های صادراتی در این زمینه را کاهش داد. در آن
زمان، عراق صدام حسین به غرب بسیار نزدیک و ایران انقلابی از غرب
دور بود.

سفیر در یک سند داخلی خاطرنشان کرده که هیچ "رژیم منع گسترش
سلاح های شیمیایی" وجود ندارد، و " بریتانیا به تنهایی نمی تواند
محدودیتی برای کنترل صادرات سلاح شیمیایی و مواد مربوط به آن
اعمال نماید. اقدام جهانی در نهایت ممکن است موثر باشد اما احتمالا
نیاز به ارائه آشکار شواهد دارد و احتمالا کار خیلی آهسته پیش خواهد
رفت. با توجه به اینکه برنامه عراق در حال حاضر بسیار پیشرفته، من
در مورد امکان اقدام موثر شک دارم."

از نظر مطلوب بودن مداخله ، سفیر در ادامه نامه اش می گوید: «عراق
در به دست آوردن سلاح شیمیایی بر اساس حق خود عمل می کند، و

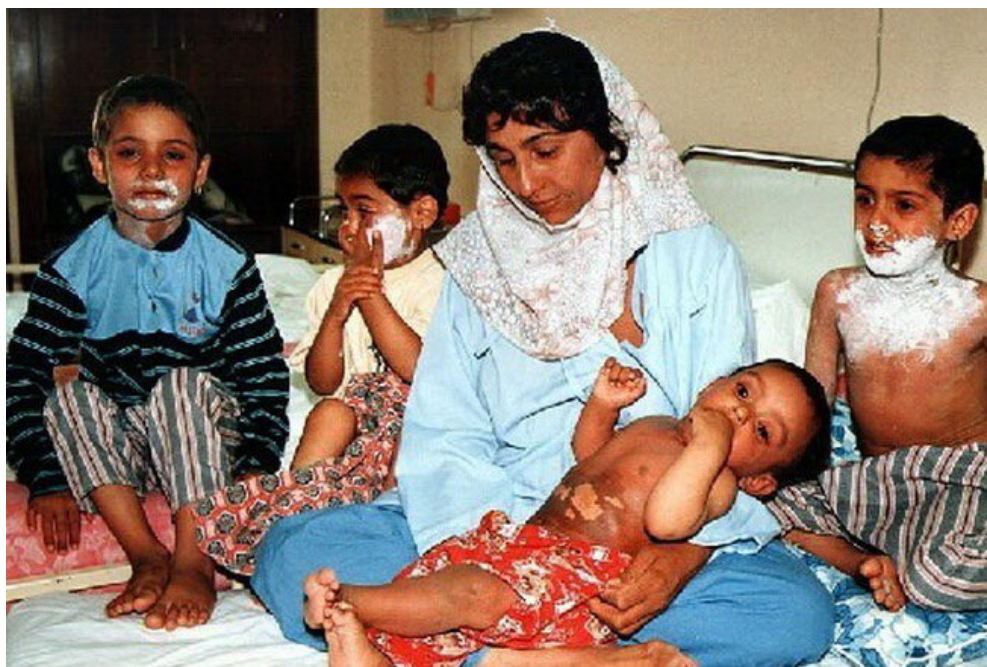
همین، مطلوبیت و انگیزه اقدام علیه او را کم و مشکل می کند.... عراق را تنها می شود به نقض قوانین بین المللی متهم کرد؛ آنهم اگر بشود ثابت کرد که برای اولین بار از سلاح شیمیایی استفاده کرده است»

در ادامه آمده است: «ایران به مراتب آسان تر از ما می تواند در این مورد اقدام کند. موضع و موقعیت خود ما در مورد صادرات سلاح شیمیایی آسیب ناپذیر نیست در حال حاضر ما هیچ ابزاری برای کنترل تجارت مواد شیمیایی یا تجهیزات مربوط به مواد شیمیایی نداریم ... وزارت بازرگانی می گوید ما می توانیم با اقدامات اداری و اجرایی فهرست [کالاهای ممنوعه] را گسترش دهیم؛ هر چند این امر می تواند اعتراض های تجاری هم به دنبال داشته باشد.... از وقتی که ما گازهای سمی فروختیم و این امر مخفی نماند و مورد انتقاد واقع شد، باید جانب احتیاط را رعایت کنیم. عامل مرتبط دیگر این است که شرکت بریتانیایی وایر پمپس ظاهراً با این تصور که این پمپ ها در ساخت آفت کش مورد استفاده قرار می گیرد آنها را به کارخانه سامرا

فروخته است.... برآورد می شود که ۲۰۰۰۰ ایرانی در طول جنگ در اثر گاز خردل و اعصاب کشته شده اند. هنوز هم پس از سالهای طولانی بسیاری از اثرات این گازها دچار رنج و عذابند. کنوانسیون سلاح های شیمیایی، که تولید، انباشت و استفاده از سلاح های شیمیایی و پیش سازهای آن را ممنوع کرده است، تا سال ۱۹۹۷ به اجرا درنیامد. بی عدالتی بین المللی درباره استفاده عراق از گاز سمی اساسا در حال تغییر نگرش بود. «

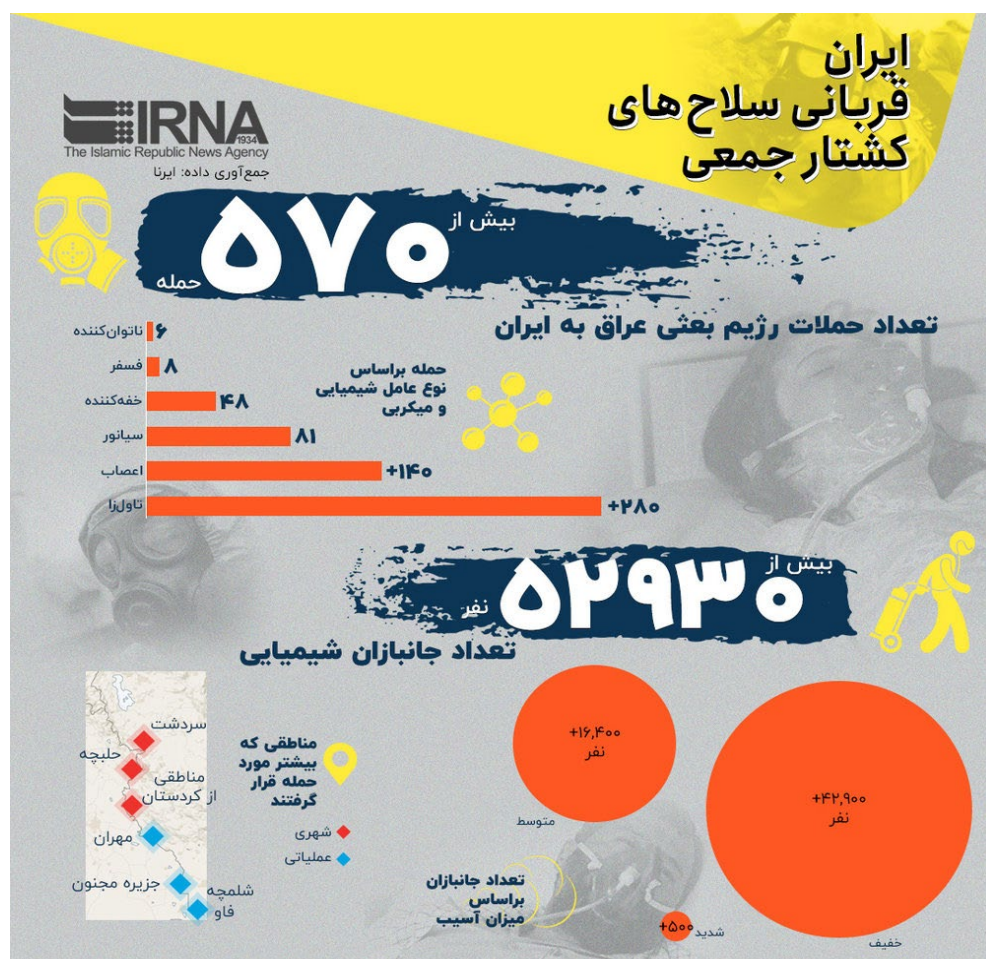
درباره نامه وزارت امور خارجه و کشورهای مشترک المنافع به تاریخ آوریل ۱۹۸۳، یک مقام بلندپایه نوشت که بریتانیا نباید در شورای امنیت یا در دیوان دادگستری بین المللی هیچ اقدامی بکند. وزارت خارجه نیز هیچ اقدامی نکرد. با این حال، وزارت خارجه گفت و گو در این باره را با متحدانش آغاز کرد.

یک تلگرام ارسالی به سفارت بریتانیا در بغداد حاکی از آن است که وزارت امور خارجه انگلیس در نظر داشته «حداقل از بلندپروازی عراق در این زمینه کم کند و شاید هم عراق را از بلندپروازی در این زمینه ناامید و منصرف کند». در جولای همان سال، مقامات انگلیسی از بی میلی دولت ایالات متحده به انتشار اطلاعات در مورد شرکت های فرانسوی و آلمانی درگیر در امر تهیه مواد شیمیایی به عراق، ابراز ناامیدی و سرخوردگی کردند. منبع : گاردین، ۳ جولای ۱۹۸۳



دولت انگلیس با همه وجود در خدمت صدام بود

مواردی که به آن‌ها اشاره شد، تنها بخش کوچکی از اقداماتی است که دولت انگلستان در حمایت از صدام در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران انجام داده است و تشریح تمامی فعالیت‌های دولت انگلستان در حمایت از رژیم بعث عراق، در این گزارش محدود قابل ذکر نیست.



گوشه ای از جنایات انگلستان در طول تاریخ

۱. جنایت انگلیس در افغانستان

جنگ اول افغانستان و انگلیس (۱۸۳۹ - ۱۸۴۲) در بخش جنوبی دره هلمند روی داد. این جنگ، یکی از اولین لشکرکشی‌های بزرگ قرن نوزدهم در جریان رقابت‌ها بر سر تصاحب قدرت و نفوذ در منطقه آسیای مرکزی بود که با عنوان بازی بزرگ امپراتوری بریتانیا شناخته می‌شود. در این جنگ تعداد زیادی از مردم حوالی هلمند به قتل رسیدند و ترس و وحشت در افغانستان به وجود آمد. در عین حال، آبادانی و توسعه افغانستان متوقف شد و قتل و غارت در این کشور فزونی یافت و تعدادی از غیرنظامیان در این لشکرکشی کشته شدند.

۲. اشغال هند و قحطی‌های کشنده

طی اشغال هند توسط نیروهای بریتانیا، بر اساس منابع مختلف تاریخی، در دهه ۱۷۷۰ میلادی بیش از ۱۰ میلیون هندی تنها در ایالت

بنگال این کشور، بر اثر قحطی و گرسنگی، بیماری، بدرفتاری و شکنجه به دست نظامیان انگلیس و یا بر اثر فشار کار اجباری جان خود را از دست دادند. از سال ۱۹۴۲ نیز قحطی دیگری به دلیل تصمیم استعماری دولت بریتانیا و شخص چرچیل در هندوستان به وقوع پیوست که در حدود ۵ میلیون هندی دیگر را به کام مرگ کشاند. طی سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۴ بین ۳/۵ تا ۵ میلیون هندی بر اثر قحطی جان باختند. به دستور چرچیل در این سال‌ها، تمامی کشتی‌هایی که برای انتقال مواد غذایی به هند مورد استفاده قرار می‌گرفت، به انتقال تجهیزات و آذوقه برای نیروهای نظامی انگلستان در شمال آفریقا به کار گرفته شدند و بدین ترتیب قحطی بزرگی این بار نیز در ایالت بنگال هند جان میلیون‌ها هندی را گرفت.

کشتار آمریت سر در پنجاب هندوستان: به تاریخ ۱۹۱۹ یکی دیگر از فجایع جنگی انگلیس در هندوستان است. در طی این کشتار، معترضین به شکل مسالمت‌آمیز در مکانی جمع شدند تا به

حکومت‌داری امپراتوری بریتانیا و شرایط اقتصادی اعتراض کنند. نیروهای انگلیسی به‌جای شنیدن صدای معترضین تمام خروجی‌ها را بستند و همه را به رگبار بستند. در عرض ۱۰ دقیقه حدود ۱۰۰۰ نفر کشته و همین میزان به‌شدت زخمی شدند. پارلمان انگلستان سرتیپ ریچینالد دایر فرمانده نیروها که دستور شلیک را صادر کرده بود را احضار کرد ولی به وی مدال شجاعت داد و با پاداشی ۹۰۰ هزار دلاری وی را ناجی هندوستان نامید.

۳. جنگ بوئر در آفریقای جنوبی

انگلستان در طول جنگ‌های بوئر (۱۹۰۰ تا ۱۹۰۲) چندین هزار انسان بی‌گناه را فقط برای جلوگیری از خطرات احتمالی شورش داخلی، در اردوگاه‌های کار اجباری زندانی کرد. در عرض یک سال ۱۰ درصد از مردم بوئر در مریضی و گرسنگی این اردوگاه‌ها مردند تا دولت بریتانیا به اهداف استعماری و اقتصادی خود در آفریقا برسد. سیاست‌های انگلیس برای کنترل مردم آفریقای جنوبی حدود ۴۸ هزار کشته

غیرنظامی، شامل زنان و کودکان برجای گذاشت. این آمار جدای از ۳۰ هزار کشته شده جنگ بوئر است.

۴. نسل کشی ایرانیان در سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹

در طول تاریخ، انگلیس جنایات متعددی را در ایران مرتکب شده است. یکی از آن جنایات کشتار تقریباً ۴۰٪ از جمعیت ایران در طول سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ میلادی بوده است. به دیگر سخن انگلیس تقریباً ۹ تا ۱۰ میلیون نفر از جمعیت ایران را در طول این سال‌ها قتل عام کرد.

در آن دوران انگلیس نه تنها از پرداخت پول درآمدهای نفتی ایران امتناع می‌کرد بلکه غلات ایران را غارت کرده و نیز اجازه نمی‌داد تا غلات و مواد غذایی از کشورهای دیگر، نظیر آمریکا، هند و ... وارد ایران شود و این امر باعث شده بود تا قیمت مواد خوراکی و غلات در ایران به شدت افزایش یابد و قحطی ایران را فرا بگیرد و در اثر گرسنگی و سوء تغذیه بین ۹ تا ۱۰ میلیون نفر از ایرانیان طی دو سال جان خود را از دست بدهند.

براساس اسناد وزارت امور خارجه آمریکا، جمعیت ایران در سال ۱۹۱۴ میلادی ۲۰ میلیون نفر بوده است. این جمعیت در ۵ سال بعد، یعنی در سال ۱۹۱۹ به ۱۱ میلیون نفر تقلیل یافته است و علت آن سیاست نسل‌کشی انگلیس در ایران بوده است.

۵. بمباران شیمیایی عراق توسط انگلیس

بمباران شیمیایی عراق به دستور چرچیل یکی از فجایع انسانی در طول تاریخ است. انگلیسی‌ها سلاح‌های شیمیایی خود را در عراق آزمایش کرده‌اند که مقدمات اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ را فراهم کرد. در سال ۱۹۱۹ سرهنگ آرتور هریس ملقب به هریس بمب افکن گفت: اعراب و کردها اکنون می‌فهمند که معنی واقعی بمباران چیست زیرا ظرف ۴۵ دقیقه می‌توانیم روستاها و یک سوم ساکنان آن را نابود کنیم. در آن زمان فرماندهی نیروی هوایی انگلیس در آسیای غربی، آزمایش سلاح شیمیایی بر اعرابی که سرسختانه مقاومت می‌کردند را تقاضا کرد. وینستون چرچیل وزیر جنگ وقت حمایت گسترده خود را از بکارگیری

گازهای سمی برضد عشایر عراق اعلام کرد. استفاده از گازهای کشنده در سال ۱۹۲۰ نیز ادامه یافت. نیروی هوایی انگلیس بار دیگر در سال ۱۹۲۵ از این سلاح‌ها برای سرکوب اهالی سلیمانیه عراق استفاده کرد. انگلیسی‌ها پاسخ ناآرامی‌های داخل عراق را با حملات شیمیایی ارتش در جنوب، و بمباران جنگنده‌های نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا در شمال و جنوب دادند. بمب‌گذاری، بمباران شبانه، بمب‌افکن‌های سنگین، بمب‌های تأخیری (که به خصوص جان کودکان را تهدید می‌کند) همه و همه در طول حملات بر روستاهای کاه‌گلی و سنگی توسط انگلیس در کشور عراق رخ داد.

نیروی هوایی سلطنتی در آغاز به منظور سرکوب شورش اعراب و کردها و محافظت از ذخایر نفتی تازه اکتشاف‌شده و محافظت از شهرک‌نشینان یهودی در فلسطین و دور نگاه داشتن ترکیه به عراق اعزام شد. چرچیل به خصوص بر استفاده از سلاح‌های شیمیایی مصر بود و می‌گفت این سلاح‌ها باید علیه "اعراب سرکش" به طور آزمایشی به کار روند. در این راستا حملات به روستاها آغاز شد.

یکی دیگر از روش‌های انگلیسی‌ها در برخورد با عراقیان به رگبار بستن اهالی قبایل در حال فرار از آلودگی شیمیایی بود. با این روش چندین هزار عراقی دیگر نیز کشته شدند.

۶. قتل عام مردم آلمان توسط انگلیس در جنگ دوم جهانی

انگلستان و فرانسه در ۳ سپتامبر ۱۹۳۹ علیه آلمان رایش اعلان جنگ دادند. دو روز بعد از این واقعه انگلستان بمباران شهرها و جمعیت غیرنظامی آلمان را آغاز کرد. در ۵ سپتامبر ۱۹۳۹ اولین حملات هوایی علیه شهرهای کوکس‌هاون و ویلهلم‌شاون انجام گرفت؛ در ۱۲ ژانویه ۱۹۴۰ شهر وسترلند بمباران شد. در ۲۰ مارس، ۱۱۰ بمب انفجاری و آتش‌زا بر فراز شهرهای کیل و هرنوم رها شدند. در این حمله یک بیمارستان به کلی تخریب شد. در آوریل ۱۹۴۰، بمب‌افکن‌های ارتش بریتانیا حملاتی فزاینده علیه شهرهایی انجام دادند که دارای هیچ نوع تأسیسات و اهمیت نظامی نبودند. وینستون چرچیل در ۱۱ می ۱۹۴۰، و درست یک روز بعد از انتصاب به عنوان نخست‌وزیر و وزیر جنگ

تصمیم گرفت دستوری مبنی بر انجام حملات هوایی وسیع علیه مردم غیرنظامی آلمان صادر کند. با این حال وی مردم انگلستان را از اتخاذ این تصمیم مطلع نکرد. قربانیان بمباران درسدن، تلفات و نحوه کشته شدن قربانیان، فجیع‌تر و فراتر از یک عملیات و بمباران ساده نظامی بود. هدف نیروهای متفقین نابود کردن مردم آلمان به ترسناک‌ترین شکل ممکن بود. وی در صبح روز بعد از بمباران به هواپیماهای سبک دستور داد که بازماندگان بمباران‌ها را در ساحل رودخانه الب به رگبار ببندند.

۷. کشتار مردم ایرلند شمالی

در شمال ایرلند شواهد معتبری در رابطه با تعداد موارد کشتار شهروندان غیرنظامی از سوی سربازان انگلیسی موجود است. بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۲۰۰۰ پرسنل نظامی انگلیس بیش از ۳۰۰ شهروند مرد، زن و کودک را به قتل رسانده‌اند. تمامی قربانیان غیرمسلح بودند و هیچ یک خطر جانی برای سربازان انگلیسی به شمار نمی‌رفتند. در میان

کشته‌شدگان کشیشان کاتولیک، زنان مسن، کودکان و حتی دختران نوجوان به چشم می‌خورند. اسنادی از دولت انگلیس منتشر شده است که در سال ۱۹۷۲ به تمامی سربازان انگلیسی متهم به کشتار شهروندان غیرنظامی در شمال ایرلند بخشودگی تعلق گرفت.

۸. کشتار مردم یمن

شکنجه‌گاه‌های عدن در یمن طی سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۶ یکی دیگر از جنایت‌های انگلستان است. در دهه ۱۹۶۰ یمنی‌ها برای در دست گرفتن بندرگاه یمن دست بکار شدند. انگلیسی‌ها بهترین راه سرکوب مخالفان را در ایجاد شکنجه‌گاه‌های مخوف دیدند. نگهداری مخالفان در سلول‌های یخچالی با تن کاملاً برهنه موجب شد بسیاری از آن‌ها ذات‌الریه بگیرند و از بین بروند. سوزاندن بدن‌ها با سیگار، نشان دادن زندانیان برهنه روی نیزه و تجاوز جنسی از دیگر شکنجه‌های این مراکز بود. هم اکنون نیز این جنایات با همکاری آمریکا ورژیم کودک کش صهیونیستی برضد مردم یمن ادامه دارد. منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

سازاروز بمباران حلبچه

وانقام وحشیانه صدام از کردها

در آخرین ماه‌های جنگ هشت ساله ایران و عراق، در تاریخ پانزدهم مارس گروهی از نیروهای کرد که به نفع ایران می‌جنگیدند شهر کردنشین حلبچه در شمال عراق را به کنترل خود آوردند؛ شهری که عمدتاً با اتکا به کشاورزی زندگی خود را می‌گذراند. بعد از این اتفاق ارتش صدام با یک سلسله حملات هوایی و توپخانه‌ای اقدام به تلافی کرده و پس از آن شبه‌نظامیان کردو بخش عمده مردان این شهر به تپه‌ها یا اطراف آن عقب‌نشینی کردند در حالی که زنان و کودکان و افراد کهنسال همچنان در شهر به حال خود رها شده بودند. روز بعد جنگنده‌های نیروی هوایی عراق برای مدت پنج ساعت به روی این منطقه چرخیدند و ترکیبی از انواع سلاح‌های شیمیایی را استفاده کردند.



محتویات بمب شیمیایی

گاز خردل و عامل اعصاب

دستور حمله شیمیایی

علی حسن المجید پسر عموی صدام

حلبچه

۲۲۵ کیلومتری شمال شرقی بغداد

۱۵ کیلومتری مرز ایران

شیوه تهاجم

حمله ۵۰ فروند میراژ بمب افکن

حامل ۴ بمب شیمیایی ۵۰۰ کیلوگی

تعداد کشته شدگان
۵ هزار نفر

زمان حمله شیمیایی

۲۵ اسفند سال ۱۳۶۶

تعداد مسمومان با عوارض شیمیایی تا آخر عمر

۷ تا ۱۰ هزار نفر

کتاب هشتاد به یک - ناصر کاوه

لیست ۳۴ مورد از خسارت‌های انگلیس به ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا
عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَ مَا تُخْفَى صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ
الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (۱۱۸/سوره مبارکه آل عمران)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر خودتان، [دوست و] همراه مگیرید.
[آنان] از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی‌ورزند. آرزو دارند که در
رنج بیفتید. دشمنی از لحن و سخنان آشکار است؛ و آنچه
سینه‌هایشان نهان می‌دارد، بزرگتر است. در حقیقت، مانده‌ها [ی
دشمنی آنان] را برای شما بیان کردیم، اگر تعقل کنید.

برخی از مهمترین خسارات غیر قابل محاسبه وارده بر ملت ایران توسط
رژیم سلطنتی انگلستان بدین شرح می‌باشد:

۱. جدا کردن افغانستان از ایران در سال ۱۸۵۷ براساس پیمان پاریس؛

۲. تحمیل قرارداد رویتز (۱۸۷۲) که بر اساس آن، ایران به مدت ۷۰ سال کاملاً به انگلستان فروخته شد؛

۳. ایجاد فرقه‌های ضاله بابیت و بهائیت به قصد انحطاط مذهبی در ایران و در نتیجه به انحراف کشیده شدن هزاران ایرانی؛

۴. تجزیه و تقسیم بلوچستان ایران در سال ۱۸۸۷ به منظور امنیت بخشیدن به سرحدات هند و به عنوان کمربند دفاعی جنوب غربی هند که مستعمره انگلیس به شمار می‌رفت؛

۵. نقش تاریخی انگلیس در ترویج مواد مخدر در ایران که از سوی «برادران شرلی» در دوره صفویه دنبال گرفته شد و دیری نپائید که

تریاک به عنوان یک داروی خانگی جای خود را در میان ایرانیان باز کرد و پس از مدتی دولت انگلیس اعلام کرد که سوخته تریاک را با قیمت مناسب از افرادی که از این ماده استفاده می‌کنند می‌خرد و در نهایت نیز قرارداد تالبوت (انحصار توتون و تنباکو) به ایران تحمیل گردید؛

۶. تحمیل قرارداد لاتاری (تاسیس قمارخانه) به ایران از سوی میرزا ملکم خان؛

۷. تحمیل قرار دادداری به ایران برای اکتشافات، استخراج و غارت منابع نفتی در سال ۱۹۰۱؛

۸. به انحراف کشاندن انقلاب مشروطیت و زمینه چینی برای اعدام آیت الله شیخ فضل الله نوری؛

۹. تحمیل قرار داد ۱۹۰۷ که بر اساس آن ایران بین انگلستان و روسیه تقسیم شد؛

۱۰. قحطی بزرگ سال های ۱۹۱۷-۱۹۱۹ که بی تردید بزرگ ترین فاجعه در تاریخ ایران است و ناشی از سیاست های بازرگانی و مالی بریتانیا بود.

طی این قحطی نزدیک به ۴۰ درصد از جمعیت ایران (یعنی حدود ۸ تا ۱۰ میلیون نفر) به کام مرگ رفتند و در این قحطی تلف شدند و انگلیسی ها که در آن زمان ایران را اشغال کرده بودند نه تنها برای کاستن از شدت قحطی کاری انجام ندادند، بلکه با خرید گسترده غله و مواد غذایی در ایران، وارد نکردن غذا از هند و بین النهرین، ممانعت از ورود غذا از ایالات متحده و اتخاذ سیاست های مالی (از جمله نپرداختن درآمدهای نفتی به ایران)، قحطی را شدت بخشیدند و عامل اصلی تشدید و طولانی شدن قحطی ای شدند که منجر به مرگ میلیون ها ایرانی شد.

یکی از اقدامات دولت انگلستان که تاثیر بسیاری در جمعیت و قدرت ایران گذاشت، ایجاد قحطی و نسل‌کشی حدود ۶ میلیون ساکنان فلات مرکزی ایران بین سال‌های ۱۲۹۶ الی ۱۲۹۸ بود.

با وجود اعلام بی‌طرفی ایران، نیروهای متخاصم انگلستان و روسیه تزاری از شمال و جنوب وارد ایران شدند و با توجه به نیاز این قوا به آذوقه تمام غلات و مایحتاج ایرانیان توسط قوای انگلیس حتی زیاده‌تر از نیاز خودشان، جمع‌آوری شد.

میزان این قحطی در حدی بود که محمدقلی مجد نویسنده کتاب "قحطی بزرگ" معتقد است، هیچ کشوری مانند ایران از جنگ جهانی آسیب ندیده‌است. به عقیده وی، این بزرگترین قحطی تاریخ ایران و همچنین بزرگترین فاجعه تاریخ ایران بود که از حمله مغول در قرن سیزدهم میلادی نیز بسیار فراتر است. به عقیده مجد، در این قحطی نزدیک به ۴۰٪ (و در برخی دیگر از منابع ۲۵ درصد) از جمعیت ایران به سبب گرسنگی و سوءتغذیه و بیماری‌های ناشی از آن نابود شدند و دولت بریتانیا به دلیل خرید گسترده غله و مواد غذایی در ایران، وارد

نکردن غذا از هند و بین‌النهرین، ممانعت از ورود غذا از ایالات متحده و اتخاذ سیاست‌های مالی -از جمله نپرداختن درآمدهای نفت به ایران- مسبب اصلی این بحران بود.



سربازان انگلیسی در مقابل جنازه مردمی که از گرسنگی جان باختند

با وقوع جنگ جهانی دوم، دولت بریتانیا بار دیگر به تمامیت ارضی ایران تجاوز کرد. دولت ایران از ابتدای جنگ جهانی دوم اعلام بی‌طرفی کرده بود و اجازه نمی‌داد که نیروهای بیگانه از خاک ایران عبور کند اما متفقین (آمریکا، بریتانیا، شوروی) درصدد بودند به‌هر نحوی از خاک

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

ایران استفاده کنند. ساعت ۴ صبح روز سوم شهریورماه ۱۳۲۰ سفیران وقت شوروی و انگلستان با تسلیم یادداشتی خطاب به دولت ایران اعلام کردند که چون این کشور در مقابل متفقین و درخواست‌های آنان سیاست مبهمی در پیش گرفته و در اخراج عمال آلمان اقدامی نکرده ارتش‌های شوروی و انگلستان وارد ایران شده و مشغول پیشروی هستند.

متجاوزان انگلیسی با عبور از مرز خسروی تاسیسات نفتی شاه را تصرف کردند و به سمت کرمانشاه آمدند. دسته دیگر هم با تصرف آبادان، نیروی دریایی ایران را بمباران کردند.

با ورود متفقین به خاک ایران، فروپاشی ارتش و کشتار مردم توسط دولت‌های بیگانه، رضاشاه که روی کارآمدنش با همکاری انگلیسی‌ها بود، مجبور به ترک تاج و تخت و اخراج از کشور شد.

تعداد زیادی غیرنظامی در بمباران شهرهای مختلف جان باخته بودند. خسارات بسیار سنگینی به تأسیسات اقتصادی کشور وارد و ایران دچار

قحطی شد و مردم از لحاظ نان و ارزاق به شدت در مضیقه قرار گرفتند. با وجود استعفای رضا شاه، ارتش روسیه و انگلیس در ۲۶ شهریور تهران را اشغال کردند.

رضاشاه و خانواده‌اش از اصفهان به یزد و از آنجا به کرمان و بندرعباس عزیمت کردند تا با یک کشتی بریتانیایی برای گذراندن باقی عمرش به جزیره موریس (در جنوب غربی اقیانوس هند) تبعید شود.



قوای متفکین در حال عبور از خیابان‌های تهران

۱۱. تحمیل قرار داد ۱۹۱۹ که بر اساس آن شمال ایران نیز زیر سلطه انگلستان قرار گرفت؛

۱۲. زمینیه چینی، حمایت و پشتیبانی از کودتای رضاخان از طریق سید ضیاء الدین طباطبایی، روزنامه نگاری که عامل سفارت بریتانیا در تهران بود؛

۱۳. کمک به فرار رضاخان از ایران و روی کار آوردن فرزندش؛

یکی دیگر از اقدامات دولت انگلستان در ایران، غارت نفت ایران در قراردادهای متعدد بود. از جمله این معاهدات استعماری می‌توان به قرارداد داری، قرارداد امتیاز نفت شمال و قرارداد گس-گلشائیان اشاره کرد. شرکت نفت ایران و انگلیس تا سال ۱۹۵۱ که نفت در ایران ملی شد همه امور مربوط به نفت ایران را ابتدا بر اساس قرارداد داری و بعد بر اساس قرارداد ۱۹۳۳ در دست داشت و تنها ۱۶ درصد از سود

سالانه خود را به دولت ایران می‌پرداخت. طبق قرارداد داری که در زمان مظفرالدین شاه میان دولت ایران و ویلیام ناکس داری امضا شده بود، امتیاز استخراج و بهره‌برداری از نفت در سراسر ایران به استثنای ایالات شمالی شامل گیلان، مازندران، گرگان، خراسان و آذربایجان برای مدت ۶۰ سال به داری واگذار گردید. همچنین بر اساس این قرارداد، داری متعهد شد ظرف دو سال، شرکت یا شرکت‌هایی برای بهره‌برداری از این امتیازات تأسیس کند و سالیانه مبلغ ۲۰ هزار لیبره وجه نقد و معادل همین مبلغ از سهام شرکت و نیز ۱۶ درصد از منافع خالص خود را به دولت ایران بپردازد. در سال ۱۳۱۲، در دوره رضاشاه تصمیم گرفته می‌شود که به قرارداد داری پایان داده شود. با الغای قرارداد داری اما دولت ایران نتوانست مالکیت منابع نفتی را در اختیار بگیرد و با فشار سیاسی و نظامی بریتانیا وادار به پذیرش قرارداد دیگری شد که براساس آن، شرکت نفت ایران و انگلیس همچنان به اکتشاف و استخراج و فروش منابع نفتی ایران، بدون هیچ الزامی به ارائه صورت عملکرد به دولت ایران، ادامه می‌داد.

۱۴. نقش مستقیم در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (۱۹۵۳) برای همراهی با آمریکا؛ پس از کودتای ۲۸ مرداد، فضل‌الله زاهدی روابط با دولت انگلیس را که در زمان مصدق قطع شده بود از سر گرفت که به قرارداد جدیدی منتهی شد. بر اساس قرارداد جدید، اگرچه ملی شدن نفت و صنایع نفت ایران مورد پذیرش طرف‌های خارجی قرار گرفت ولی دولت ایران تضمین می‌کرد که تا ۲۵ سال نفت تولیدی را به شرکت‌های عضو کنسرسیوم (آمریکایی، انگلیسی، هلندی و فرانسوی) بفروشد.



حضور شعبان جعفری و اراذل و اوباش تهران در کودتای ۲۸ مرداد

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

در کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ که سرنگونی دولت مصدق و بازگشت استعمار انگلستان بر منافع نفتی ایران را در پی داشت، رادیوی bbc و دولت این کشور نقش اساسی در کنار آمریکا ایفا کردند.

در این کودتا، طراحان آن در خارج از مرزهای ایران با رهبران کودتا در داخل کشور از جمله «شاپور ریپورتر» قرار گذاشتند که در نیمه شب ۲۴ مرداد ۱۳۳۲ با شنیدن پیام رمز «اکنون ساعت دقیقا ۱۲ نیمه شب است» از رادیو بی.بی.سی عملیات کودتا و براندازی دولت مصدق تحت عنوان عملیات آژاکس را کلید بزنند. این عملیات قبل از اجرایی شدن کشف و خنثی شد اما بار دیگر دولت بریتانیا با همکاری آمریکا، کودتای ۲۸ مرداد را برنامه‌ریزی کردند.

۱۵. نقش مستقیم در جدایی کل سرزمین‌های جنوبی خلیج فارس که در ۱۹۷۱ به جدایی کامل بحرین انجامید؛ در دهه ی ۱۳۵۰ انگلستان که بساط خود را از خلیج فارس برچیده بود، برپایه ی سیاست همیشگی

خود و یارانش هوادار تکه تکه شدن سرزمین های پهناور و بزرگ، و تشکیل دولت ها و امیرنشین های کوچک بود، که نتوانند در دسرهایی در آینده، برای آنها پدید آورند.

این بود که انگلیسی ها تصمیم گرفتند کار بحرین را که سالها مانند استخوانی در گلویشان گیر کرده و برپایه هیچ قرارداد و پیمان رسمی از ایران جدا نشده بود و حتی در دوران نخست وزیری دکتر اقبال در لایحه بودجه کل کشور، آن جا را « استان چهاردهم! » نامیده بودند یکسره کنند، و یک شیخ نشین کوچک و بظاهر مستقل ولی زیر سلطه خود، پدیدآورند.

تا آن زمان، معمولاً رفت و آمد ایرانیان به بحرین و بحرینی ها به ایران، نیازی به گذرنامه نداشت و روادید نمی خواست و حتی بهای تمبر پست از ایران به بحرین نیز همانند بهای تمبر پست برای پاکت های شهری داخلی ایران حساب می شد .

دشواری مهم آن بود که چگونه صورت ظاهر داستان را به شیوه ای بیارایند و سر و سامان دهند که هنگامی که مسئله آفتابی شد، مردم

ایران از جدا شدن بخشی از خاک کشورشان دچار شوک و ناراحتی نشوند و نگویند که چگونه شد که «استان چهاردهم» را از دست دادید؟ زیرا همانگونه که آمد، هیچ پیمان نامه و قراردادی دایر بر جدا شدن بحرین در طول تاریخ وجود نداشت که بدان استناد کنند می بایست راهی را می یافتند که یک چهره ی قانونی بی دردسر به این تجزیه داده شود... در اینجا نیز انگلیسی ها که همیشه مشکل گشای فرمانروایان ما بودند! راهنمایی جالبی کردند.

بدین سان که دولت ایران انجام و نتیجه ی یک «همه پرسی» در بحرین را بپذیرد، و در صورتی که در این همه پرسی مردم بحرین خواهان استقلال باشند، ایران از ادعای مالکیت بحرین چشم بپوشد، و این چشم پوشی را به مجلس شورای ملی ببرد، و در آنجا یکی از وکلای مجلس با آموزش های از پیش داده شده، دولت را استیضاح کند، و دولت هم یک پاسخ سطحی به آن بدهد، آنگاه برابر با آئین نامه های موجود، دولت درخواست رأی اعتماد از مجلس می کند. رأی اعتماد حاصل می شود و بحرین هم بی دغدغه از ایران جدا می شود.

کار مسخره ای که در هیچ جای جهان پیشینه ندارد این است که ناگهان و بی هیچ مقدمه و درگیری ای ، با یک همه پرسی بخواهند بخشی از پیکر یک کشور کهن را از سرزمین اصلی جدا کنند. برای نمونه، بیایند و از مردم خراسان یا کرمان بپرسند که آیا می خواهید جزیی از خاک ایران باشید، یا نه؟!

در سال ۱۳۴۷، پس از توجیه شاه مخلوع توسط انگلیسی‌ها، موضوع برگزاری همه‌پرسی در بحرین مطرح می‌شود تا به واسطه آن، بحرین از ایران جدا شود، اما همین همه‌پرسی بدون توجیه نیز انجام نمی‌شود و صرفاً کار با بستن دو باشگاه فرهنگی «نادر» و «فردوسی» و زندانی کردن و کشتن چند هوادار ایران و بله گرفتن از چند رئیس و شیخ قبیله بحرین به پایان رسید و بعد هم شاه ایران دوست! و نمایندگان وطن‌پرست! مجلس هم این نظرخواهی ساختگی را تأیید کردند.

نظر انگلیسی‌ها از روز اول راجع به بحرین این بود که بحرین مستقل شود ولی ایران بحرین را استان چهاردهم می‌خواند، و سال‌ها ادعا مالکیت آن را داشت. انگلیسی‌ها که تازه به دلیل همکاری با

آمریکایی‌ها نفوذ خود را در خلیج فارس کم کرده بودند، نمی‌خواستند ایران که کرانه وسیعی در خلیج فارس دارد، در این طرف خلیج فارس هم نفوذی داشته باشد.

برای این‌که صورت قانونی به این جدایی بدهند، «سرویلیام لوس» Sir William Loos مأمور بلندپایه وزارت خارجه انگلستان چندبار بی‌سر و صدا به ایران آمد، و با مقامات گوناگون از جمله محمدرضا شاه دیدار کرد. از سوی دولت ایران «خسرو افشار» مأمور گفتگوها و برنامه‌ریزی با او شد، و به زودی مسئله بسیار ساده و آسان توسط رده‌های بالای هر دو کشور حل شد!...

در دی ماه ۱۳۴۷ محمدرضا شاه سفری به هندوستان داشت، و در فرودگاه دهلی به خبرنگارانی که در این زمینه از او سؤال کرده بودند، گفت: اگر انگلیسی‌ها از در جلو خارج می‌شوند، نباید از در عقب وارد شوند و ما نمی‌توانیم قبول کنیم که جزیره‌ای که توسط انگلستان از کشور ما جدا شده توسط آنها ولی به حساب ما، به دیگران واگذار شود! (مفهوم این سخن را هیچکس نفهمید)

او سپس گفت: سازمان ملل متحد سه پرسش را برای مردم بحرین مطرح کرده است.

۱- رأی به باقی ماندن در چارچوب مرزهای ایران؛ ۲- رأی به باقی ماندن در تحت الحمایگی انگلستان و ۳- رأی به استقلال بحرین.

و زمانی که خبرنگاری از او پرسید که اگر مردم بحرین رأی به جدا شدن از ایران بدهند، آیا می‌پذیرید؟ پاسخ داد: من که نمی‌توانم در کنار هر یک از مردم بحرین یک سرباز بگمارم که شورش نکنند!!

و ... شاه بدینگونه راهنمایی شایسته را نسبت به به نمایندگان مجلس انجام داد. پس از انجام وظیفه از سوی دولت ایران! (سال ۱۳۴۹ خورشیدی) «ویتوریو گیچاردی» (رییس دفتر اروپایی سازمان ملل متحد) به نمایندگی از سوی دبیر کل آن سازمان به بحرین می‌رود و در آنجا هم ضمن یک نمایشنامه از پیش نوشته شده، و یک نظرخواهی ساختگی (نه از یکایک مردم . بلکه از رؤسای قبیله‌ها و سرپرستان گروه‌ها و شیخ‌های بحرینی، که همه سرسپرده‌های بریتانیا بودند) مسئله را حل می‌کند. بدین گونه که از آنها می‌پرسید:

آیا می‌خواهید مستقل شوید؟!

و آنها هم، هم آواز می‌گفتند به! به! چه بهتر از این که ما مستقل شویم.
ناگفته نگذاریم که هنگام سفر «گیچاردی» دو باشگاه فرهنگی «نادر» و
«فردوسی» را بستند و شمار چشمگیری از مردم آن جزیره را که هوادار
ایران و ایرانی مانده بودند، به زندان افکندند و تنی چند از آنها را کشتند
و یک جو خفقان و ترس در آن منطقه پدید آوردند...

گزارش نماینده اعزامی سازمان ملل متحد به بحرین، به دبیرکل آن
سازمان داده شد و آقای «اوتانت» دبیر کل سازمان چنین اظهار نظر
کرد که: «نتایج حاصله مرا متقاعد کرد (!) که اکثریت قریب به اتفاق
مردم بحرین مایلند که آن سرزمین رسماً به صورت کشوری کاملاً
خودمختار و مستقل شناخته شود!»

آنگاه آقای دبیرکل ضمن سپاسگزاری از دولت‌های ایران و انگلیس که
راه حل مسالمت‌آمیز (!) در مورد بحرین را برگزیدند، گزارشی به شورای

امنیت داد و در تاریخ ۱۱ ماه می ۱۹۷۰ شورای امنیت به اتفاق آراء این گزارش را تصویب کرد.

سپس نتیجه همه‌پرسی (!) و گردش کار در سازمان ملل متحد از سوی آقای «اوتانت» به دولت ایران ابلاغ شد و از سوی دولت به آگاهی مجلس رسید و مجلس ایران نیز در اردیبهشت ۱۳۴۹ آن را تصویب کرد و به خجستگی!! و فرخندگی!

یک صندلی در سازمان ملل متحد به دولت!

بحرین داده شد و ایران نخستین کشوری بود که استقلال بحرین را به رسمیت شناخت.

در نتیجه آب‌ها از آسیاب‌ها فرو افتاد و برگ سیاه دیگری بر تاریخ کشورمان افزوده شد. بدین ترتیب جزیره‌ای که همیشه ایرانی بود، از پیکر خاک اصلی میهن جدا شد.

منبع : سایت اطلاع رسانی فردا نیوز ۸۶/۸/۱۲ (لوح فشرده پرسمان، اداره مشاوره نهاد رهبری، کد: ۱۰۰۱۳۴۱۹۰/۱)

۱۶. مانع تراشی در راه تشکیل حکومت جمهوری در ایران طی سال‌های حکومت محمدرضا شاه؛

۱۷. همراهی با آمریکا در سرکوب انقلاب اسلامی ملت ایران؛

۱۸. ارتباط، آموزش و پشتیبانی ساواک توسط اینتلیجنت سرویس انگلیس که منجر به سرکوب، شهادت و مجروحیت تعداد زیادی از فعالان مبارزه علیه رژیم‌ستم شاهی شد؛

۱۹. اشغال و ویران شدن سفارت ایران در لندن و کشته شدن ۲ دیپلمات ایران؛ در ۶ روز پرتاب و تاب در اردیبهشت سال ۱۳۵۹ یعنی از روز دهم تا پانزدهم آن ماه سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن به اشغال گروهی متشکل از شش مرد مسلح درآمد و ۲۶ نفر از جمله ۱۷ کارمند سفارتخانه، ۸ نفر مراجعه‌کننده و یک مأمور نگهبان انگلیسی به

گروگان گرفته شدند؛ لازم به ذکر است در طول این حادثه، ۲ تن از اعضای فعال و انقلابی ایران جان باختند و بر اثر حمله یک گروه کماندوی انگلیسی به سفارتخانه، اشغالگران اصلی از بین رفتند و ساختمان سفارتخانه به صورت نیمه ویرانبر جای ماند؛ با افشای یکی از مأموران سابق سازمان پلیس مخفی انگلیس (MI6) اشغال سفارت و مرگ دیپلمات‌های ایرانی رارئیس MI6 طرح‌ریزی کرده و اجرای آن را به چند تروریست عراقی که دست‌پرورده سازمان اطلاعاتی انگلیس بودند واگذار نموده بود؛

۲۰. سرقت اشیای عتیقه ایران و پشתיانی از غارت‌گران میراث ملی ایرانیان و نگهداری آن‌ها در موزه‌های بریتانیا و فروش برخی دیگر در حراجی معروف لندن نظیر ستون‌های با ارزش تخت جمشید، منشور کوروش و نیز هزاران لوح، کتیبه و منشور به جای مانده از تمدن ایران باستان؛

۲۱. تحریک گروهک‌ها و قومیت‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نظیر خلق عرب، کومله، پان ترکیسم، جندالشیطان و...؛

۲۲. کمک‌های سیاسی، تسلیحاتی و اقتصادی به رژیم بعثی عراق برای حمله به ایران و ادامه این پشتیبانی‌ها در طول ۸ سال جنگ؛

۲۳. حمایت بی‌پرده و مستمر از اشخاص، گروهک‌ها و براندازان جمهوری اسلامی در سالهای گذشته نظیر بنی‌صدر، منافقین، ملی مذهبی‌ها، اصلاح‌طلبان معاند و هدایت آشوب‌های ۱۸ تیر ۷۸ و اغتشاشات پس از انتخابات نهم ریاست جمهوری (فتنه ۸۸) از طریق سفارتخانه، شبکه‌های رسانه‌ای همچون بی‌بی‌سی؛

۲۴. برنامه‌ریزی، حمایت و هدایت تحریم‌های بین‌المللی علیه ملت ایران در طول ۳۳ سال گذشته؛

۲۵. تهدید به حمله نظامی و تلاش ناکام برای ایجاد فشار روانی علیه ملت مظلوم و مقتدر ایران؛

۲۶. فضا سازی‌های مستمر رسانه‌ای با بکار گرفتن بنگاه‌های سخن پراکنی نظیر بی‌بی‌سی و راه‌اندازی شبکه‌های مختلف رسانه‌ای فارسی زبان در جهت براندازی و تخریب چهره نظام مقدس جمهوری اسلامی در افکار عمومی مردم دنیا، و تلاش برای نابودی فرهنگ و هویت غنی ملت عزیز ایران؛

۲۷. حمایت، اعطای پناهندگی و پشتیبانی مادی و امنیتی از سلمان رشدی، نویسنده کتاب موهن آیات شیطانی، که انگلیسی‌ها سفارش دهنده، منتشر کننده و حامی کتاب و نویسنده‌اش بوده و هستند؛

۲۸. آموزش و تجهیز و پشتیبانی از بمب‌گذاری و دیگر اقدامات تروریستی در خوزستان، حرم مطهر رضوی، سیستان و بلوچستان، حسینه شیراز و نیز ترور شهیدان لاجوردی و صیاد شیرازی در طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی و خصوصاً پس از اشغال افغانستان و عراق؛

۲۹. زمینه چینی و طراحی، آموزش، تجهیز و پشتیبانی از تروریست‌ها برای ترور دانشمندان هسته‌ای ایران همچون شهیدان علیمحمدی، شهریاری و دکترعباسی (رئیس فعلی سازمان انرژی اتمی) طبق اعتراف و تصریح جان ساورز رئیس سابق MI6 و کوپر معاون اشتون؛

۳۰. بارها تجاوز به مرزهای آبی جنوبی و مرزهای هوایی شرقی و غربی ایران در طی سال‌های پس از اشغال افغانستان و عراق که در چندین نوبت منجر به دستگیری تفنگداران دریایی آن‌ها از سوی مرزبانان ایرانی شد؛

۳۱. اشغال غیرقانونی باغ قلعهک در تهران طی پنجاه سال گذشته؛

۳۲. حمایت از براندازان نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق دادن پناهندگی و مجوز اقامت دائم به آن‌ها نظیر مهاجرانی، گنجی، سروش، کدیور، مهدی هاشمی و ...؛

۳۳. مسدود شدن ۴ میلیارد دلار ذخیره ارزی ایران در بانک‌های داخلی بریتانیا پس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران؛

۳۴. خسارات ناشی از لغو قراردادهای تسلیحاتی بین ایران و انگلیس از جمله ناو خارک (که با تأخیر ۵ ساله تحویل ایران شد) و همچنین تأمین قطعات یدکی و تجهیزات تکمیلی تانک‌های چیفتن و اسکورپیون که به بهای ۱۸ میلیون پاوند است که با پیروزی انقلاب



شاه سابق ایران قراردادی برای خرید ۱۵۰۰ تانک چیفتن با انگلیس امضا کرد و همه پول انرا بجای هنگام دریافت تانک، پیش پرداخت کرد. انگلیس تنها ۱۸۵ تانک به ایران تحویل داد و تعدادی را به دشمن ایران (عراق) فروخت و مابقی طلب ایران به مبلغ ۴۵۰ میلیون پوند را هم ۴۰ سال است پس نمی‌دهد.

۳۴. پرواز شماره ۶۵۵ ایران ایر : دولت بریتانیا با وجود کشته شدن صدها غیرنظامی که اکثر آنها شهروندان ایرانی بودند، از ایالات متحده

حمایت فوری کرد. در مکاتبات خصوصی با رونالد ریگان، مارگارت تاچر حتی در مورد پیامدهای مثبت این حمله گمانه‌زنی کرد و نوشت: «به نظر می‌رسد این حادثه حداقل به رهبران ایران کمک کرده باشد که نیاز فوری به پایان دادن به درگیری‌های خلیج فارس را در اولویت قرار دهند.

۳۵. توقیف نفت‌کش و تنش‌های تنگه هرمز

در ۴ ژوئیه ۲۰۱۹، یک نفت‌کش متعلق به ایران با نام گریس ۱ در جبل‌الطارق توسط دولت بریتانیا توقیف شد. دلیل ارائه‌شده، تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه سوریه بود؛ چرا که نفت‌کش مظنون به رفتن به پالایشگاه بانیا، بخشی از تحریم‌ها علیه صادرات نفت سوریه، بود. یک روز پیش از توقیف، مجوزهای لازم برای این کار گرفته شده بود. جوزپ بورل، وزیر امور خارجه اسپانیا، بیان کرد که توقیف با درخواست ایالات متحده انجام شده است.

در یکی از بیانیه‌های وزارت امور خارجه ایران، این عمل «دزدی دریایی» نامیده شد. در ۱۰ ژوئیه ۲۰۱۹، قایق‌های نیروی دریایی سپاه پاسداران

انقلاب اسلامی به یکی از نفت‌کش‌های بی‌پی با نام بریتیش هریتیج نزدیک شده و در هنگام عبور آن از تنگه هرمز، مانعی ایجاد کردند. در پی این اتفاق، اچ‌ام‌اس مونتروز بین نفت‌کش و قایق‌ها وارد شد. این واقعه باعث افزایش تنش‌ها بین دو کشور شد.



استینا ایمپرو در آب‌های ایران

در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۹، جرمی هانت، وزیر امور خارجه بریتانیا، اعلام کرد که در صورت تضمین به دولت بریتانیا در خصوص عدم انتقال نفت گریس ۱ به سوریه، این دولت نفت‌کش را آزاد خواهد کرد. در ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۹،

رسانه‌های ایرانی خبر توقیف یک نفت‌کش متعلق به بریتانیا با نام استینا ایمپرو را توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تنگه هرمز منتشر کردند.

روز جمعه سوم فروردین ۱۳۸۶ (۲۳ مارس ۲۰۰۷)، ۱۵ تفنگدار و ملوان ناو جنگی اچ. ام. اس. کورنوال متعلق به نیروی دریایی بریتانیا توسط مرزبانان ساحلی در آبهای ساحلی ایران در شمال خلیج فارس دستگیر شدند. در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران بر اساس نقشه‌ها و اسناد و همچنین اعترافات دستگیرشدگان، ورود غیرقانونی این افراد به آبهای متعلق به ایران را نشان داده بود، دولت بریتانیا تاکید داشت که این عده در آبهای عراق بازداشت شده‌اند. در پی سخنان متکبرانه و به دور از ادب دیپلماتیک سایمون گس، سفیر استعمار پیر انگلیس در ایران، مناسب دیدیم يك بار دیگر صحنه‌ای کشف نشده را از خفت و حقارت دستگیری افسران متجاوز انگلیسی توسط پاسداران غیور دریایی جمهوری اسلامی را، پس از تجاویزی که ۶ سالها پیش انجام داده بودند، به وسیله تصاویر بازخوانی کنیم. در این تصاویر سربازان انگلیسی

نیروی دریایی بریتانیا که در ابتدای اشغال عراق به جرم ورود غیر قانونی به آبهای سرزمینی کشورمان در نوار ساحلی عراق با ایران به اسارت درآمدند دیده می شوند، که در محل نگهداری با خورشت بادمجان و قیمه مورد پذیرایی قرار گرفتند. تجهیزات منحصر به فرد این تفنگداران دریایی برای همیشه توسط نیروی دریایی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران مصادره شد.



تصاویر اسارت این تفنگداران که با دست های روی سر گذاشته شده پوشالی بودن نیروی نظامی اشغالگر عراق را به نمایش گذاشت. در این تصاویر هم خفت و حقارت ناشی از شکست غرور استکباری ایشان توسط جمهوری اسلامی به وضوح دیده می شود.



کشورهایی که در حمله شیمیایی علیه ایران شرکت داشتند



۹۲ شرکت
آلمانی



۲۱ شرکت
فرانسوی



۲۳ شرکت
انگلیسی



۲۲ شرکت
آمریکایی



۱۸ شرکت
اتریشی



۱۳ شرکت
سوئسی



۱۵ شرکت
ایتالیایی



۱۱ شرکت
بلژیکی



۴۰ شرکت
شوروی



۸ شرکت
کره ای و چینی



۷ شرکت
اسپانیایی



۷ شرکت
هندی و ژاپنی

کتاب اقتصاد به یک - ساعت کارگاه

کمک قدرت‌های بزرگ اروپایی به رژیم بعث عراق

هم‌زمان با تحولاتی که با پیروزی‌های ایران در جبهه‌های جنگ حاصل شد، نظام جهانی به تجهیز و تقویت توان نظامی عراق مبادرت کرد.

به عنوان مثال، پس از آن که آشکار شد عراق توان پیشروی در خاک ایران را ندارد، فرانسه در بهمن ماه ۱۳۵۹ به فروش هواپیماهای میراژ به عراق اقدام کرد. همچنین پس از آن که توان نظامی ایران در طراحی عملیات خیر مشخص شد، سلاح‌های شیمیایی در حد گسترده به عراق فروخته شد و برای فشار بیشتر بر ایران و تهدید جریان فروش نفت و محدود ساختن منابع ارزی ایران، فرانسه هواپیماهای سوپراتاندارد و موشک اگزوست را به عراق فروخت.

این روند پس از عملیات بدر با فروش میگ ۲۵ از طرف روس‌ها ادامه یافت و پس از عملیات کربلای پنج، سلاح‌های شیمیایی با کیفیت بهتر همچون سیانور به عراق داده شد...

در حقیقت، تحولات نظامی عراق از توان داخلی آن کشور ناشی نمی‌شد، بلکه قدرت‌های بزرگ، اصلی‌ترین عامل در تجهیز و تقویت

عراق بودند. عراق به عنوان يك کشور توسعه نیافته در آغاز جنگ، فاقد فناوری پیشرفته نظامی بود اما در طول جنگ، از انواع سلاح‌ها و ادوات نظامی پیشرفته که دارای جدیدترین فناوری‌ها بودند، بهره‌مند شد.

این در حالی بود که چند دفتر وزارتی و شرکت‌های دولتی ایران در کشورهای غربی، به ویژه انگلستان به بهانه خرید سلاح برای ایران بسته شد. از سوی دیگر، آمریکا ایران را به طور کامل تحریم اقتصادی کرد و حتی دولت سوئد برای جلوگیری از فروش قایق موتوری با ظرفیت پایین، به جمهوری اسلامی فشار زیادی به شرکت‌های سوئدی و مراکز ایرانی در سوئد وارد آورد.

کشورهای اروپایی که در آغاز جنگ چنان سکوت کرده بودند که مجله نیویورک تایمز آن را «سکوت پرمعنای اروپا» نامیده و درباره آن نوشته بود: «این مسئله عجیب است که چگونه اروپاییان در برابر تهاجم عراق به ایران ساکت نشسته‌اند و حال آنکه واردات نفت آنان که در امنیت‌شان بسیار حائز اهمیت می‌باشد متکی به امنیت منطقه است». با وجود این، با آغاز حملات ایران و چرخش نتیجه جنگ به سود

نیروهای ایرانی آنها به حمایت گسترده از عراق پرداخته و با ارسال کمک‌های تسلیحاتی و اقتصادی کوشیدند از شکست عراق جلوگیری کنند. برای رویارویی با این خطر، که ژیسکاردستن، رئیس جمهور فرانسه، آن را نیروی بنیانی می‌نامید، سیل کمک‌های نظامی و مالی دولت‌های اروپایی به سوی عراق سرازیر شد. عراقی‌ها به زودی تسلیحاتی را از کشورهای عضو پیمان ورشو، چین، مصر، کره شمالی و به ویژه فرانسه دریافت نمودند.

در فوریه سال ۱۹۸۱ درست چهارماه پس از آغاز جنگ، سخنگوی وزارت امور خارجه فرانسه اعلام کرد: فرانسه ۶۰ فروند هواپیمای میراژ از نوع اف-۱ را در ادامه اجرای قرارداد سال ۱۹۷۷ به عراق ارسال داشته است. در همین سال صدور مواد غذایی از سوی شرکت‌های فرانسوی به عراق به ۴/۷ میلیارد دلار بالغ گردید. همزمان با کمک‌های فرانسه، ایتالیا اجازه فروش ۱۱ فروند کشتی جنگی و یک لنگرگاه شناور نفتی را به ارزش ۱/۸ میلیارد دلار به عراق صادر کرد. انگلستان نیز در طول سال ۸۲ - ۸۱ با انعقاد چند قرارداد عمده، مقدار زیادی سلاح در اختیار عراق قرار داد.

در مارس ۱۹۸۲ انگلیس موافقت خود را برای تحویل تانک به عراق به ارزش يك ميليارد دلار اعلام داشت. در کنار آن، لندن مذاکره درباره فروش ۳۰۰ هواپیمای هاوک به عراق را به مبلغ ۲ میلیارد دلار با بغداد از سر گرفت. در همین سال، آلمان غربی نیز سفارشی به مبلغ ۴ میلیارد مارک برای خرید ضد هوایی رونالد از عراق دریافت داشت. این در حالی بود که آلمان از تحویل سه ناوچه ایرانی خریداری شده پیش از انقلاب خودداری می‌کرد.

این کمک‌های تسلیحاتی به همراه وام‌های کوتاه مدت و بلند مدت، در طول سال‌های جنگ تحمیلی به سوی عراق سرازیر شد. در سال ۱۹۸۲ فرانسه بالغ بر ۴۰ میلیارد فرانک سلاح به عراق فروخته بود و این کشور در ردیف دوم فروشندگان تسلیحات به عراق بعد از شوروی قرار داشت. در سال ۱۹۸۳ فرانسه جنگ افزارهایی به ارزش ۵/۶ میلیارد دلار به عراق فروخت و هواپیماهای سوپراتاندارد را به همراه موشک‌های اگزوسه به این کشور تحویل داد. همچنین پاریس در سال‌های ۸۶ - ۱۹۸۵ حدود ۵ میلیارد دلار وام در اختیار بغداد گذاشت و به این ترتیب به بزرگترین

شريك اروپايي عراق تبديل شد. (۵۳) همزمان با اين اقدامات، پاریس همواره از پرداخت بدهي يك ميليارد دلاري خود به ايران طفره رفت و در تمام سالهاي جنگ از فروش کالاها و سلاحهايي که توازن جنگ را به نفع ايران تغيير دهد، خودداري ورزید.

با عدم کارآيي استراتژي دفاع متحرك در نتیجه شکست فاو و بازپس‌گيري سريع مهران توسط نيروهاي ايراني، تحليل‌گران نظامي شرقي و غربي متقاعد شدند چنانچه عراق شيوه استراتژي خود را از دفاع متحرك به يك موضع آفندي تغيير ندهد امکان شکستهاي بعدي نیز فراهم خواهد شد؛ در نتیجه آن و احساس خطري که شرق و غرب از امکان پيروزي ايران داشتند فروش همه جانبه تسليحات از هر نوع آن (غير از هسته‌اي) به عراق شروع شد.

در اين زمينه در کمتر از دو سال، فرانسه به تنهائي ۵/۶ ميليارد دلار از جمله هواپيماهاي جنگي، هليکوپتر، تانک، توپ، موشكهاي هوا به زمين و تجهيزات الكترونيكي به عراق فروخت. اسپانيا نیز خودروهاي سبك و سنگين نظامي به عراق فروخت و برزيل نفربرهاي زرهی که با

تجهيزات نیروی دریایی ایتالیا و تانک‌های چيفتن انگلیسی تکمیل می‌شد در اختیار رژیم بعث قرار داد.

طی دوره جنگ تحمیلی، نیروی هوایی عراق توسط متخصصان فرانسوی تجدید سازمان شد و از اوایل سال ۱۹۸۰ حدود ۶۰ فروند هواپیمای میراژ ۱۰۰ تحویل بغداد گردید و مذاکراتی برای خرید هواپیمای میراژ ۲۰۰۰، هلی‌کوپتر، موشک و تجهیزات دریایی نیز صورت گرفت. همچنین این کشور با ارسال جنگنده‌های سوپراتاندارد و موشک‌های اگزوست در نوامبر ۱۹۸۳ به جاه‌طلبی‌های صدام کمک شایانی نمود. این اقدام به او اجازه داد تا به کشتی‌های ایرانی در خلیج فارس و جزیره خارک حمله کند.

فرانسه همچنین در ساختن مرکز تولید سلاح هسته‌ای در نزدیکی بغداد به رژیم صدام کمک کرد؛ براساس گزارش‌های موجود، فرانسه بالغ بر ۹ میلیارد دلار تسلیحات کیفی در اختیار عراق قرار داد..

کمک‌های خارجی فرانسه به عراق به جایی رسید که فرستاده حکومت فرانسه در زمان ریاست جمهوری «والری ژیسکاردستن» به عراق آمد و

با وزیر دفاع وقت «عدنان خیرالله» ملاقات نمود و به او اطلاع داد که «فرانسه به طور جدی زمینه‌های اعطای یک بمب اتمی به عراق را بررسی می‌نماید. می‌توان برای مجبور کردن ایران به متوقف کردن جنگ این بمب را به هدف مشخصی پرتاب نمود».

علاوه بر فرانسه، کشورهای دیگر اروپایی نیز معاملات زیادی در زمینه‌های نظامی، مالی و اقتصادی با عراق انجام دادند تا جایی که عراق در طول جنگ به یکی از بزرگ‌ترین مشتریان غرب تبدیل شد و دولت‌هایی مثل انگلستان، اتریش و تا اندازه‌ای آلمان توانستند نفوذ اقتصادی زیادی در عراق به دست آورند.

جنگ عراق علیه ایران فرصت مناسبی را در اختیار کشورهای اروپایی گذاشت تا با فروش تسلیحات بسیار پیشرفته به دولت‌های حاشیه خلیج فارس که از گسترش جنگ در هراس بودند، علاوه بر به دست آوردن درآمد سرشار و بهبود اقتصاد داخلی، موقعیت خود را در منطقه تثبیت کنند. به دنبال آغاز جنگ در سال ۱۹۸۰، پاریس ۴ رزمناو ۲۰۰۰ تنی و ۲۴ هلی کوپتر جنگنده را به عربستان سعودی تحویل داد و یک

قرارداد ۱۴ میلیارد دلاری برای تحویل تجهیزات نظامی نیروی دریایی با آن کشور منعقد کرد. همچنین با فروش تسلیحات به کویت، عمان و امارات متحده عربی در سال‌های بین ۸۶ - ۱۹۸۲ به سومین صادر کننده سلاح در جهان تبدیل شد.

انگلستان نیز در این سال‌ها قراردادهای فروش هواپیماهای جنگنده، تانک و خودروهای زرهی را با کشورهای حاشیه خلیج فارس امضا کرد و برای حفظ نفوذ سنتی خود در منطقه بیش از پیش قانون فعالیت خود را در عمان متمرکز نمود.

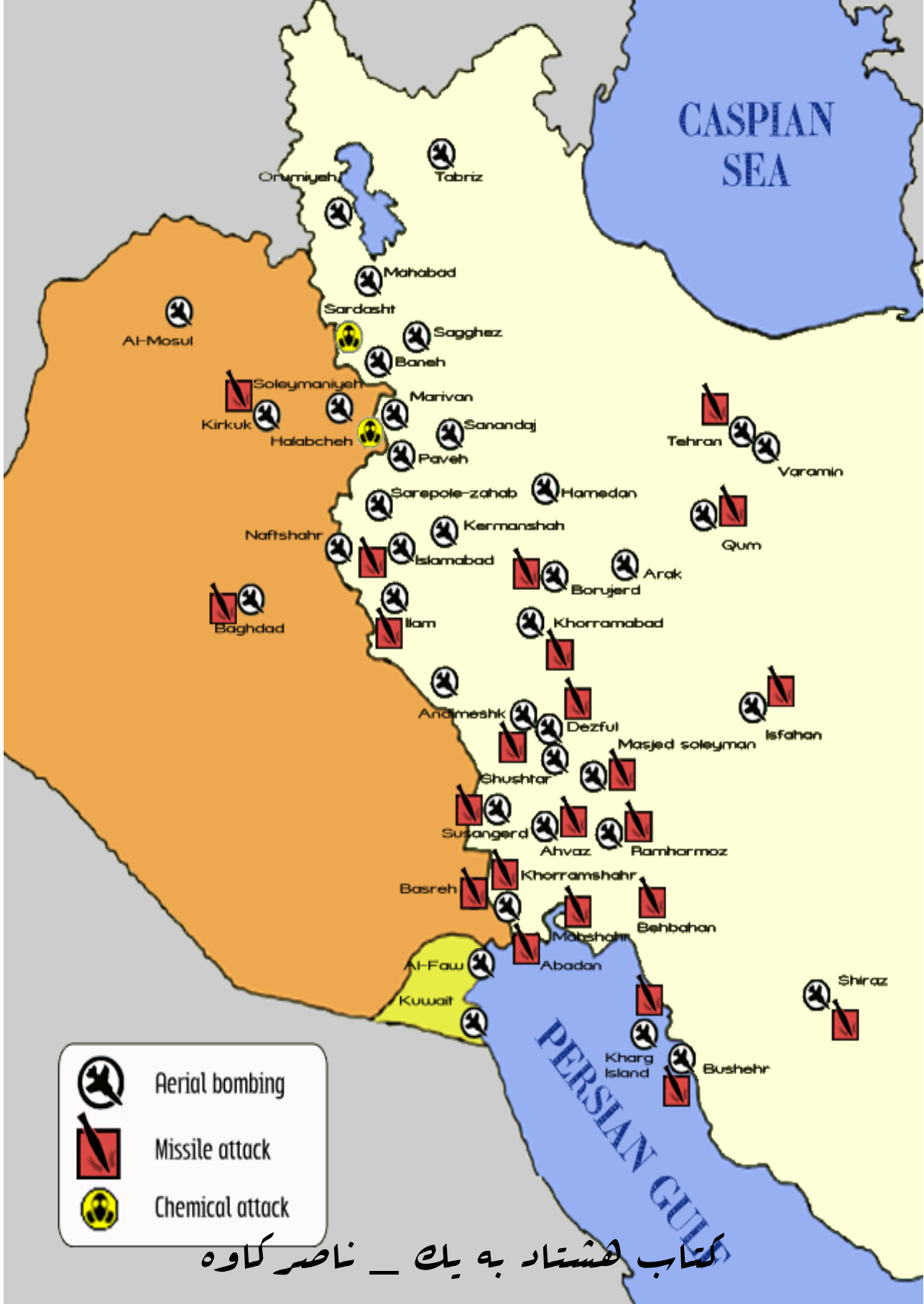
نتیجه اینکه اروپا در طول جنگ ایران و عراق، نه تنها درآمدهای سرشاری از فروش سلاح و تجهیزات نظامی به عراق (سلاح‌های غیر استراتژیک) و کشورهای منطقه به دست آورد، بلکه توانست در حفظ ثبات و امنیت منطقه با آمریکا سهیم گشته، از سلطه مطلق آن کشور بر ابزار استراتژیک نفت جلوگیری کند.

آلمان و انگلیس نیز مرکز تولید گازهای جنگی و موشک‌های دورپرواز را در نزدیکی سامراء و سلمان پاک ایجاد کردند. کنت تیمرمن در کتاب

سوداگري مرگ مي‌نويسد: «انگليسي‌ها با استراق سمع در دفتر خريد تسليحات ايران در لندن اطلاعات دريافتي را در اختيار عراق قرار مي‌دادند». با توجه به چنين حجم تسليحاتي که به عراق داده شد، ماشين جنگي اين کشور در مدت کمتر از دو سال دو برابر شد و عراق توانست ميزان نيروي زميني خود را از ۲۶ لشکر به ۴۵ لشکر در ۱۹۸۸ افزايش دهد.

بر طبق گزارش عراق به سازمان ملل متحد، مواد لازم براي توليد سلاح‌هاي شيميايي از شرکت‌هايي از آمريکا، آلمان غربي، انگلستان، فرانسه و جمهوري خلق چين تهيه شد بود.

در دسامبر ۲۰۰۲ در گزارشي ۱۲۰۰ صفحه‌اي، نام شرکت‌هاي شرقي و غربي و از جمله اشخاصي که در مجموع ۱۷۶۰۲ تن مواد شيميايي را در طول دو دهه در اختيار عراق گذاشته بودند، فاش شد. سنگاپور با ۴۵۱۵ تن، هلند با ۴۲۶۱ تن، مصر با ۲۴۰۰ تن، هندوستان با ۲۳۴۳ تن و آلمان فدرال با ۱۲۰۷ بيشترين ذخيره مواد خام را براي توليد سلاح‌هاي شيميايي در اختيار عراق قرار داده بودند.



کتاب هشتم به یک - ناصر کاوه

يك شركت هندي، اگزومت پلاستيك كه اکنون بخشي از EPC مي‌باشد
۲۲۹۲ تن از مواد پيش‌نياز را به عراق صادر كرد. شركت الخليج شيمي
كه در سنگاپور قرار دارد و متعلق به سرمايه‌داران اماراتي مي‌باشد،
بيشتر از ۴۵۰۰ تن پيش‌نيازهاي گازهاي VX، سارين و خردل به همراه
وسايل توليد آن را به عراق فرستاد. صدام حسين در دادگاه دسامبر
۲۰۰۶ اظهار داشت: « با افتخار!! مسئوليت هرگونه حمله با سلاح‌هاي
متعارف يا شيميايي را بر ضد ايران به عهده مي‌گيرد. »

منابع و ماخذ:

محمد دروديان، سيري در جنگ ايران و عراق (آغاز تا پايان)، تهران:

مرکز مطالعات و تحقيقات جنگ، ۱۳۸۰، صص ۴-۲۳.

خبرگزاري جمهوري اسلامي، ۲۸/۵/۸۱.

حسين يكتا، «مواضع قدرت‌هاي بزرگ و جنگ ايران و عراق»،

مجموعه مقالات جنگ تحميلي، تهران: دانشكده فرماندهي و ستاد

سپاه، ۱۳۷۳، ص ۱۶۲.

آنتوني فرانسیس بویل، «سیاست خارجی آمریکا در قبال جنگ ایران و عراق»، مترجم: دکتر حسین شریفی طرازکوهی، مجله سیاست دفاعی، شماره ۱۵-۱۶ تابستان و پاییز ۷۵، ص ۴۸.

بوستون گلوب، ۶۲/۱۲/۱۶.

آمریکا و جنگ ایران و عراق به روایت مطبوعات خارجی: اتخاذ

سیاست‌های خصمانه علیه ایران، بی‌نا، بی‌تا، ص ۱۱۰.

محمد درودیان، نبرد در شرق بصره، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات

جنگ سپاه پاسداران، ۱۳۷۴، صص ۱۸۵-۱۸۲.



کمک کشور ایتالیا به دیکتاتور عراق

ایتالیا و بلژیک با ارسال موشک‌های پیشرفته ضدزره و کمک به عراق در ساخت توپخانه دوربرد و بخش‌های دیگر ارتش این کشور از جمله حامیان عراق بودند. آلمان نیز از دیگر کشورهایی بود که با ارسال مواد شیمیایی به یاری صدام شتافت، به‌طوری که عراق را قادر کرد تا ۶ هزار تن بمب شیمیایی علیه ایران به‌کار گیرد. البته علاوه بر این کشورها باید کشورهای چون سوئیس، سوئد، لهستان، یوگسلاوی، چین، رومانی، ایتالیا، سنگاپور و... را نیز به حامیان صدام اضافه کرد. در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که به مدت ۸ سال ادامه داشت، کشورهای زیادی در راستای حمایت از صدام و البته کسب منافع مالی بی‌شمار، برای فروش تسلیحات نظامی با یکدیگر رقابت می‌کردند؛ هرچند در نگاه اول این موضوع به نظر می‌رسد که در فروش اسلحه، مهمات و حتی تکنولوژی نظامی به عراق، دلالتان نقش آفرین بودند، ولی میزان و حجم کمک‌ها به عراق در حدی بود که اگر بدون اطلاع دولت‌ها انجام نمی‌شد، به طور حتم عراق نمی‌توانست به سلاح‌های

روز شرقی و غربی و تکنولوژی‌های پیشرفته نظامی دست یابد. صدام در دوران هشت ساله جنگ با ایران متوجه شد هر کسی و هر کشوری می‌خواهد سهمی از درآمدهای نفتی این کشور را عاید خود کند و این همان موضوعی بود که باعث شد تا عراق در آن دوران به عنوان یکی از پنج کشور عمده خریدار اسلحه در جهان معرفی شود و فروشندگان اسلحه از هر نقطه جهان دلالت خود را به این کشور می‌فرستادند تا نظر صدام را برای خرید سلاح از آن‌ها جلب کنند.

زیربنای صنعتی فوق العاده عراق از سال ۱۳۶۳ (۱۹۸۴ میلادی) به بعد برای آن کشور ۲/۱۴ میلیارد دلار هزینه داشت که این هم به دلیل خرید تکنولوژی‌های پیشرفته از بریتانیا، ایتالیا، آلمان و آمریکا بود؛ یعنی همه دستگاه عظیم صنعتی به ساختن توپ و تفنگ، موشک، تانک و بمب اختصاص یافته بود.

به عنوان مثال در اواخر دهه ۷۰ میلادی روابط تجاری ایتالیا و عراق وارد مرحله‌ای جدید شد و طی آن دولت عراق با انعقاد قراردادی، تعدادی توپ هویتزر M-۵۶ از ایتالیا خریداری کرد. همچنین شرکت

«مونته‌دیسون» (Montedison) نیز در سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۵ شمسی) اقدام به ساخت کارخانه تولید مواد شیمیایی (تولید گاز ضد اعصاب VX) به ارزش ۴۲ میلیون دلار در الکاشات (ALKASHAT) واقع در غرب بغداد کرد.

فروش چهار آزمایشگاه هسته‌ای

در آوریل ۱۹۷۹ تنها حلقه مفقوده در برنامه تولید سلاح‌های هسته‌ای عراق آزمایشگاه بازآمایی و استخراج پلوتونیوم از سوخت مصرف شده رآکتور با هدف‌های درخشان در اطراف رآکتور بود؛ این حلقه مفقوده را شرکت «اسنیاتچینت»، مرکز هسته‌ای ایتالیایی پر کرد.

طبق اسنادی که مدیر وقت این شرکت فرعی «فیات» ارائه کرده است، شرکت نامبرده با فروش چهار آزمایشگاه هسته‌ای و سه سلول داغ به کمیسیون انرژی اتمی عراق موافقت کرد. سلول‌های داغ محفظه‌های مکعبی شکل کوچک، پیچیده و ساخته شده از بتون هستند که در آن‌ها ماده هسته‌ای پرتو افشان تهیه می‌شود.

همراهان صدام در حملات شیمیایی

کشورهای فروشنده مواد و تجهیزات جنگ افزار شیمیایی به عراق



کتاب حساس به یک _ ناصر کاوه

این کار از طریق بازوهای مکانیکی در پشت پنجره ضخیم شیشه‌ای و به دنبال جدا کردن پنجره از مرکز رآکتور انجام می‌شود.

در فاصله سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۰ ایالات متحده آمریکا تلاش کرد تا جلوی این معامله را بگیرد، اما دولت ایتالیا چنین استدلال کرد که انتقال هسته‌ای اهرمی قوی است که ایتالیا به یاری آن می‌تواند در یک رقابت فشرده بر سر ایجاد پایگاه نیروی دریایی مدرن عراق به ارزش ۲/۶ میلیارد دلار برنده شود.

فروش ناوگان کامل جنگی

عدم موفقیت عراق در منازعات دریایی سال ۱۳۶۰ (۱۹۸۱م) و حضور قدرتمند ایران در خلیج فارس، رژیم بعثی را مجبور به تقویت یگان دریایی خود کرد؛ از این رو صدام که مقامات ایتالیایی را مشتاق در این مهم می‌دید، با مذاکره‌ای که با شرکت کشتی‌سازی دولتی کانتیری «ناوالی ریونیتی (Country Navali Runeti)» داشت، زمینه را جهت سفارش ناوگان کامل جنگی و پیشرفته که شامل چهار کشتی ۲ هزار و

۵۰۰ تنی از نوع «لوپو» (Lupo-Class Frigates) ، شش رزمناو
(ناوچه) ۶۵۰ تنی از نوع «اسد» (Assad-Class Corvettes) ، یک
کشتی باری هشت هزار و ۷۰۰ تنی (Supply Ship) و یک لنگرگاه
شناور شش هزار تنی (Floating Dock) ، به ارزش ۲/۶ میلیارد دلار
بود، مهیا کرد. علاوه بر این در همین رابطه مقرر شد یک هزار و ۲۰۰
افسر نیروی دریایی عراق نیز در ایتالیا دوره ببینند.



البته با این ۱۱ کشتی، خدمات کامل بندری، موشک‌ها، تجهیزات
الکترونیکی، رادار، نگهداری و تربیت پرسنل نیز همراه بود؛ بر این اساس

مقرر شد یک‌هزار و ۲۰۰ افسر نیروی دریایی عراق در ایتالیا آموزش ببینند؛ شرکت ایتالیایی «فینسانتیری ناوالی ریونتی» از «جنوا» توانست با پایین آوردن قیمت مناقصه به میزان ۲۰۰ میلیون دلار، رقبای فرانسوی را شکست دهد. از سوی دیگر وزارت دفاع عراق به رغم بی میلی ایتالیایی‌ها اصرار داشت که ناوگان ایتالیایی خریداری شده به موتورهای توربین گازی جنرال الکتریک مجهز شود؛ لذا شرکت ایتالیایی «فینسانتیری» هشت دستگاه موتور مورد اشاره را به مبلغ ۲/۱۱ میلیون دلار از آمریکا خرید و وزارت بازرگانی ایالات متحده نیز در ژانویه ۱۹۸۰ اجازه صدور این موتورها را صادر کرد.



مین های ضد نفر ایتالیایی

آلن فریدمن (محقق و نویسنده امریکایی):

«در یکی از پیچیده ترین خلاف کاری ها در رم، میلیون ها مین مرگ بار با استفاده از یک شرکت قلابی در سنگاپور به عراق فرستاده شدند. عراق به کمک یکی از شعبات بانک «لاوورو» در شمال ایتالیا ۹ میلیون مین ضد نفر به ارزش ۲۵ میلیون دلار خریداری نمود.

این مین ها ساخت شرکت «والسلا» بود که ۵۰ درصد آن تحت مالکیت شرکت فیات، گروه صنعتی بزرگ ایتالیا و تحت کنترل جیانی آنیلی ۷۲ ساله بود که امروزه نیز به عنوان پادشاه بدون تاج و تخت ایتالیا معروف است.

برخی از مین هایی که عراق دریافت نمود از نوع بسیار وحشتناکی است که به راحتی میتوان آنها را از هلی کوپتر پخش کرد یا به سادگی روی سطح بیابان انداخت. اگر کسی روی این مین ها پا می گذاشت پای قربانی تا مچ یا حتی ران پا قطع می شد.»

آموزش پرواز با بالگردها در سطحی بسیار پایین

با آغاز پیروزی‌های ایران (عملیات بیت‌المقدس) در میدان جنگ، ایتالیا به تدریج تغییر سیاست داد و تلاش کرد به جمهوری اسلامی ایران نزدیک شود. اما با ورود نیروهای ایران به داخل خاک عراق در ادامه دفاع مشروع، در تیر ۱۳۶۱ (ژوئن ۱۹۸۲) گرایش ایتالیا به عراق بار دیگر سنگین‌تر شد و این کشور به نیروهای عراق اجازه داد در یکی از پایگاه‌های آموزشی خود دوره خلبانی ببینند.

بر این اساس، خلبانان عراقی در ایتالیا دوره آموزش پرواز در پایین‌ترین سطح را طی می‌کردند تا بدین‌وسیله از دید رادارها پنهان بمانند.

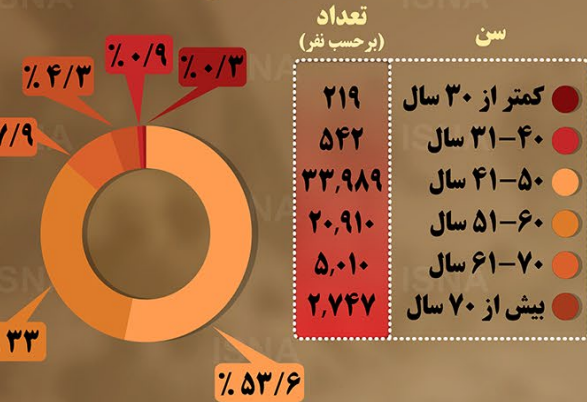
همچنین عراق در صدد بود تا با یاری ایتالیا و تجهیزات پیشرفته‌ای که بر بالگردهای روسی نصب می‌شد، قابلیت پرواز شبانه آن را به قدری بالا ببرد که از بالگردهای آپاچی ای اچ ۶۴ ناتو، قدرت پروازی بیشتری داشته باشد.

وضعیت جانبازان شیمیایی در ایران

بر اساس آمارهای سال ۹۴

ISNA

به تفکیک سن



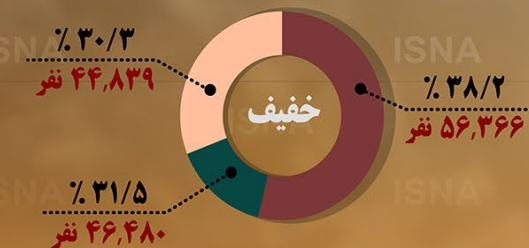
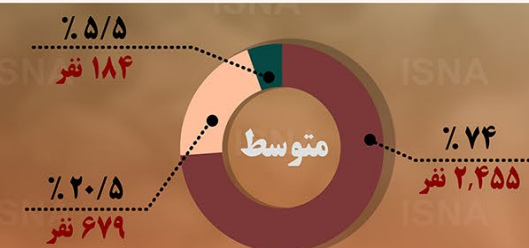
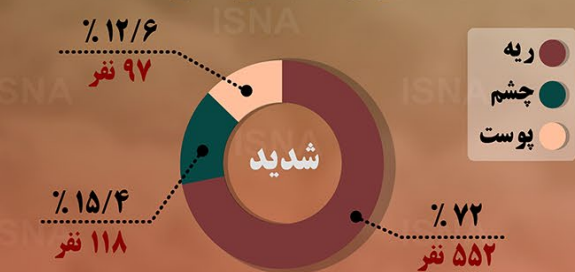
استان‌هایی با بیشترین تعداد جانبازان شیمیایی



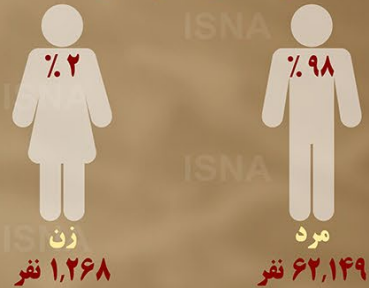
تعداد جانبازان شیمیایی کل کشور
نفر ۶۳,۴۱۷

تعداد جانبازان کل کشور
نفر ۵۵۴,۹۹۰

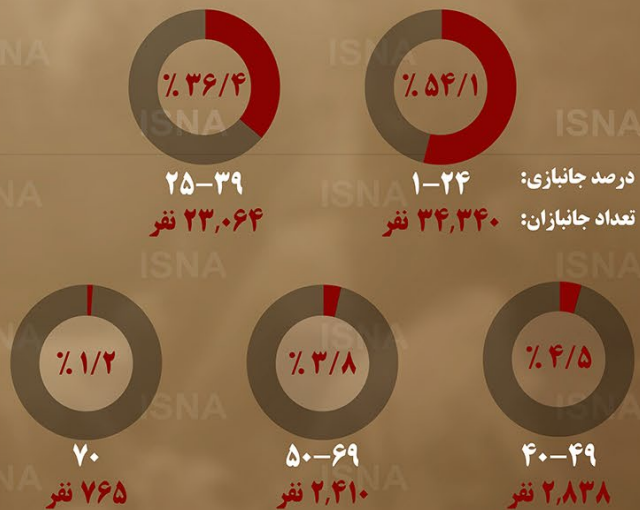
به تفکیک میزان آسیب و عضو آسیب‌دیده



به تفکیک جنسیت



به تفکیک درصد جانبازی



وضعیت حیات جانبازان شیمیایی



منبع داده‌ها: بنیاد شهید و امور ایثارگران

ISNA / Design: Pedram Aghaei

در ادامه تلاش‌هایی که دولت بعث عراق داشت، تلاش خود را جهت افزایش توان نظامی و تجهیز سیستم هوایی خود به کار بست و با سفرهای محرمانه و مذاکرات پشت پرده در فوریه ۱۹۸۴ (اسفند ۱۳۶۲) نظر نمایندگی «اگوستابل» (Agusta Bell) ایتالیا که در آمریکا فعالیت داشت و زیر نظر شرکت بل تکسترون (Bell Textron) ایالات متحده بود، جلب و با انعقاد قراردادی بالغ بر ۱۶۴ میلیون دلار تعداد ۸ فروند بالگرد نظامی ۲۱۲AB خریداری کرد.

فروش مواد شیمیایی

از سوی دیگر نماینده مؤسسه دولتی پالایش نفت و گاز عراق (Seorgi) با شرکت «تکنی پترول» (Technipetrole) ایتالیا مذاکراتی در خصوص خرید به صورت محرمانه انجام داد و با برتری‌های ایران در عملیات‌های رمضان و مسلم بن عقیل در جبهه‌های جنگ، نماینده ایتالیا در مجمع عمومی سازمان ملل به قطعنامه ۳۷/۳ رأی مثبت داد

و پس از آن مقامات ایتالیایی در دیدار با «نعیم حداد» نخست‌وزیر عراق ضمن نگرانی از ادامه جنگ، آمادگی کشورشان را در خصوص حل و فصل اختلافات با رعایت حقوق طرفین اعلام کردند.

اعطای فرمول محرمانه سوخت جامد موشک

«اسنیابی پی دی» شرکتی از گروه فیات بود که بزرگترین شرکت صنعتی ایتالیا را شامل می‌شد، فرمول محرمانه سوخت جامد موشک را به عراق داده بود؛ این سوخت جدید که «پراپرگال» نام داشت و به عنوان سوخت جامد راکت آرین ۵ مورد استفاده قرار می‌گرفت، برای پروژه موشکی کندر ۲ عراق بود. در واقع رهبران عراق پس از ناکامی در جبهه‌های مرزی، جهت افزایش دامنه جنگ و تحقق اهداف (رسیدن به تهران) خود درصدد ساختن موشک دوربرد برآمدند؛ از این رو آن‌ها برای ساختن موشکی که تهران را از ۳۶۰ کیلومتری هدف‌گیری کند، به کمک خارجی نیاز داشتند؛ لذا با مذاکراتی که توسط دلان خود انجام

دادند بعضی از کشورها (آرژانتین، آلمان غربی و ایتالیا) را متقاعد ساختند که در امر تولید موشک با عراق همکاری کنند. از این روی پروژه «کندر ۱» که تکنولوژی آن توسط شرکت «ام بی بی» (MBB) آلمان غربی ارائه شده بود، توسط شرکت «اسینا بی پی دی» ایتالیا (Snia BPD) برای تجهیز به سوخت جامد آماده می‌شد.

دستگیری تعدادی از دانشجویان به اتهام جاسوسی

دولت ایتالیا معتقد بود که اگر قطعه‌نامه ۵۹۸ مؤثر واقع نشود، سازمان ملل از این پس محل امیدوارکننده‌ای برای حل و فصل مناقشات نخواهد بود. به دنبال آن، ایتالیا با طرح تصویب قطعه‌نامه تحریم تسلیحاتی ایران در شورای امنیت سازمان ملل موافقت کرد و به منظور تحت فشار قرار دادن ایران، تعدادی از دانشجویان ایرانی را هم به جرم جاسوسی در دی ۱۳۶۶ (دسامبر ۱۹۸۷) دستگیر و زندانی کرد. منبع :

دفاع پرس گزارش - ۵ آبان ۱۳۹۷ - ۵:۱۰ - October 2018۲۷

نگاهی به روابط ایتالیا از استقلال عراق (۱۹۳۲) تا حکومت بعث (۱۹۶۸)



در ژوئن ۱۹۴۰، زمانی که ایتالیای فاشیستی به جنگ جهانی دوم پیوست، در کنار آلمان، دولت عراق که طرف بریتانیا بود، روابط دیپلماتیک خود را مانند آلمان قطع نکرد. [Playfair (1956), p. 177]

بنابراین، نمایندگی ایتالیا در بغداد به مرکز اصلی تبلیغات محور و برانگیختن احساسات ضد انگلیسی تبدیل شد. در این امر محمد امین

الحسینی مفتی اعظم اورشلیم به آنها کمک کرد. مفتی اعظم اندکی قبل از شروع جنگ از فلسطین گریخت و در بغداد پناهندگی گرفت. منبع:

[Churchill, p. 224]

پس از کودتای ۱۹۴۱ عراق، برنامه‌های فوری رهبران جدید عراق، امتناع از امتیازات بیشتر به بریتانیا، حفظ روابط دیپلماتیک با ایتالیای فاشیست، و اخراج بیشتر سیاستمداران برجسته طرفدار بریتانیا از کشور بود. پس از جنگ انگلیس و عراق، رشید علی و مفتی اورشلیم به ایران گریختند، سپس به ترکیه، سپس به ایتالیا و در نهایت به برلین، آلمان، جایی که هیتلر از علی به عنوان رئیس دولت عراق در تبعید استقبال کرد. در برنامه‌های تبلیغاتی برلین، مفتی همچنان از اعراب می‌خواست تا علیه بریتانیا قیام کنند و به نیروهای آلمانی و ایتالیایی کمک کنند. او همچنین به استخدام داوطلبان مسلمان در بالکان برای نیروی اس اس کمک کرد.

روابط بین این دو با ارسال کمک‌های اقتصادی و دریایی ایتالیا به
صدام حسین در جنگ ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰ تقویت شد.

ایتالیا در طول جنگ ایران و عراق تدارکات قابل توجهی به عراق ارائه
کرد. با این حال، بزرگ‌ترین تأثیر آن مالی بود، زیرا شعبه ایالات متحده
از بزرگ‌ترین بانک دولتی، بانک ملی دل لاورو (BNL) در ایتالیا چندین
میلیارد دلار بودجه برای تدارکات نظامی عراق فراهم کرد. ایتالیا
همچنین تأمین کننده اصلی برنامه هسته ای عراق بود، اگرچه این امر
تأثیر مستقیمی بر جنگ ایران و عراق نداشت.

با توجه به تدارکات نظامی متعارف، ایتالیا مین‌های زمینی و دریایی را
برای عراق و ایران فراهم کرد. عراق کشتی‌ها و بالگردهای نیروی دریایی
را به ایتالیا سفارش داده بود، اگرچه کشتی‌ها تحت تحریم توقیف
شدند. در سال ۱۹۹۰، روبرتو فرمیگونی هنگامی که در مأموریتی به عراق
شرکت کرد، توجهات را به خود جلب کرد که با آزادی تعدادی از
تکنسین‌های ایتالیایی که گروگان دولت محلی بودند، با موفقیت به
پایان رسید.

عراقی‌های در ایتالیا

جمعیت فعلی عراقی‌ها در ایتالیا حدود ۱۷۳۰۰ نفر است. با این حال یک منبع ادعا می‌کند که ۵۶۳۰۰ نفر وجود دارد که تقریباً ۵۰ خانواده است. بیشتر اینها کشیشان، راهبه‌ها و حوزویانی هستند که برای ادامه تحصیل به ایتالیا آمده‌اند. بیشتر هم ساکن در رم هستند.

"Asia News" states that there are 1,068 ethnic Iraqis ""
living in Italy". asianews.it. Retrieved 2007-09-07



کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه



کمک های ایتالیا و بلژیک به رژیم بعث



ایتالیا به تنهایی ۵ میلیارد دلار وام به پشوانه آمریکا به عراق اهدا کرد همچنین حجم زیادی اورانیوم را هم به عراق فروخت و همراه با بلژیک موشکهای پیشرفته ضد زره ای را برای عراق ارسال کرد.



Imam Khomeini International
Core Of Shahid Beheshti University

کتاب هشتم به یک - ناصر کاوه

بلژیک و ساخت پایگاه های نظامی برای عراق

خبرآنلاین به نقل از ایسنا، سرتیپ حسن فرپور از فرماندهان و پیشکسوتان ارتشی دوران هشت سال دفاع مقدس در تشریح یکی از طرح های مهندسی محرمانه صدام روایت می کند: عراق در ژوئن ۱۹۸۲ (خرداد ۱۳۶۱) یک قرارداد به ارزش ۸۳۰ میلیون دلار با شرکت بلژیکی امضا کرد. این شرکت اکثر کارهای ساختمانی مجتمع شیمیایی «القائم» را نیز انجام داده بود. هدف از این طرح مجلل و محرمانه که نام رمزی آن «پروژه ۵۰۵» خوانده می شد آن بود که برای جنگنده های پیشرفته عراقی ۸۰۰ پناهگاه در عمق ۵۰ متری زمین احداث شود. «صدام در ژوئن ۱۹۸۲ قراردادی به ارزش ۸۳۰ میلیون دلار با یک شرکت بلژیکی به نام سیکسکو امضا کرد. هدف از این طرح پرهزینه که به نام رمزی پروژه ۵۰۵ خوانده می شد، آن بود که برای جنگنده های پیشرفته عراقی ۸۰۰ پناهگاه در عمق ۵۰ متری زمین احداث گردد. سیکسکو که از اعتبارات صادراتی دولتی بلژیک استفاده می نمود طی ۴ سال ۱۷ پایگاه هوایی و چند مقر نظامی در عراق ایجاد نمود.

میراژهای جنگی عراق در جریان جنگ با ایران از همین پناهگاه ها خارج می شدند و به پرواز در آمدند.

شرکت «سیکس کو» (۶ شرکت ساختمانی بین المللی) در اکتبر ۱۹۸۲ (مهر ۱۳۶۱)، کار پروژه را آغاز کرد. با به پایان رسیدن این پروژه در سال ۱۹۸۶ یا ۱۹۸۷ (۱۳۶۴) یا (۱۳۶۵)، دولت عراق جمعاً دو و نیم میلیارد دلار صرف ساختن پناهگاه کرده بود. این پناهگاه طوری ساخته شده بود که به هنگام حمله بیولوژیکی شیمیایی و هسته‌ای کاملاً خودکفا باشد.

تنها جایی از این پناهگاه که در روی زمین دیده می‌شد راهرویی مخفی بود که با دری به ضخامت یک متر و نیم متر بسته می‌شد. مقر خدمه هواپیماها و مهمات از طریق تونل‌های پناهگاه به هم راه پیدا می‌کرد. میراژهای عراقی که در این پایگاه مستقر بودند، در جریان جنگ ایران و عراق از طریق همین راهرو از پناهگاه خارج می‌شدند و به پرواز در می‌آمدند.

آن‌ها از باند ۳۰۰۰ متری می‌گذشتند، که در پناه تپه‌های مصنوعی ایجاد شده بود و ناظری که ۱۰ متر آن طرف‌تر بود نمی‌توانست این باندها را ببیند. هر پایگاه می‌توانست یک تیم ۳۰۰ نفره خلبان، مکانیک و پرسنل پشتیبانی را در خود جای دهد. تعداد ۱۲ آشیانه هواپیماهای جنگنده در ردیف‌های سه‌تایی از بتون سطح ضخیم ساخته شده بودند و در تقاطع باندهای دوگانه قرار داشتند.

ضخامت دیواره آشیانه‌ها بیش از یک متر و نیم بود و روی آن‌ها با گل و خاک بیابان استتار شده بود تا وقتی از هوا نگاه می‌کنند، مشخص نشود. سیکس کو تنها شرکت سازنده پایگاه‌های هوایی مستحکم زیرزمینی نبود. شرکت‌هایی از یوگسلاوی و بریتانیا پروژه‌های «۴۰۴» و «۲۰۲» را اجرا کردند و شرکت‌های سوئیسی با ساختن قفل‌های هوایی (محفظه‌های هوای فشرده) پایگاه‌ها را در برابر حملات شیمیایی و هسته‌ای مورد حفاظت قرار دادند.

ایتالیایی‌ها درهای ضدانفجاری پایگاه‌ها را ساختند و شرکت‌های فرانسوی بنای ساختمان کندوی عسلی آشیانه جنگنده‌ها را به عهده گرفتند و سرانجام، شرکت‌های آلمانی و انگلیسی نیروگاه برق پایگاه‌ها و تجهیزات ارتباطی را تهیه کردند. بدین ترتیب، عراق به کمک بلژیک ۳۰۰ پایگاه مستحکم نیروی هوایی و ۳۰۰ پایگاه قلابی پوتمکین برای فریب دادن هواپیماهای دشمن بنا کرد.

از دیگر شرکای صدام سائیترا کنسرسیوم بلژیکی بود که با جدیت تمام روی پروژه‌های عکاشات و القائم کار می‌کرد و یکی از بزرگترین کارخانه‌های آزمایشی و تولید فسفات جهان را در این دو منطقه بنا نمود.»

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که به مدت هشت سال ادامه داشت، باعث شد کشورهای زیادی در راستای حمایت از صدام و البته کسب منافع مالی بی‌شمار، برای فروش تسلیحات نظامی با یکدیگر رقابت کنند؛ هرچند در نگاه اول این موضوع به نظر می‌رسد که در فروش

اسلحه، مهمات و حتی تکنولوژی نظامی به عراق، دلالتان نقش‌آفرین بودند، ولی میزان و حجم کمک‌هایی که به عراق در حدی بود که اگر بدون اطلاع دولت‌ها انجام نمی‌شد، به طور حتم عراق نمی‌توانست به سلاح‌های روز شرقی و غربی و تکنولوژی‌های پیشرفته نظامی دست یابد. عراق در صحرای غربی خود نزدیک مرز سوریه منابع عظیم فسفات را در اختیار داشت؛ لذا «ژنرال عامر السعدی» مشاور صدام در اوایل سال ۱۹۷۷ یعنی سه سال قبل از آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران تصمیم گرفت از این منابع در تولید گاز فلج‌کننده اعصاب استفاده کند. بر این اساس «ساییترا» شرکت مهندسی بلژیکی قرارداد احداث کارخانه عظیمی را برای استفاده از معادن فسفات، در نزدیکی روستای «شاب الحیری» امضا کرد؛ این پروژه که نظر «السعدی» را به خود جلب کرد، «عکاشات» نام گرفت.

این نام از وادی «عکاش» گرفته شده که مسیر خشک رودخانه و مسیل بود و طی قرن‌ها مقادیر زیادی فسفات معدنی در بستر آن ذخیره شده بود.

بنابر این «السعدی» ابتدا پیشنهاد احداث کارخانه مورد اشاره را به این شرکت بلژیکی ارایه کرد و هنگامی هم که کار این طرح آغاز شد، قرارداد دومی را با این شرکت برای ایجاد مجتمع عظیم کود شیمیایی در کرانه رود فرات در منطقه «القائم» امضا کرد.



«سایبیترا» از قراردادهای عکاشات - القائم سود سرشاری می‌برد؛ چون ارزش قرارداد به یک میلیارد دلار می‌رسید. این شرکت بخشی از گروه «ژنرال دوبلژیک» بود که به منظور بازاریابی برای مصنوعات بلژیکی در خارج از کشور، در «بروکسل» ایجاد شده بود.

مهندسان «ساییترا» طرح «عکاشات» را به اتحادیه معدنی بلژیک واگذار کرد؛ مجتمع کود شیمیایی «القائم» نیز به «مشیم»، شرکت شیمیایی بلژیکی واگذار شد؛ کارهای بزرگ ساختمانی، خطوط راه آهن داخلی و احداث جاده‌ها به «سیکس کو» (شش شرکت ساختمانی بین‌المللی)، کنسرسیومی که مقر آن در بلژیک بود، واگذار شد.

از سوی دیگر ذهنیت پناهگاهی صدام آن‌چنان قوی بود که از حد و مرزهای حفظ جان خود بسی فراتر می‌رفت؛ لذا در ژوئن ۱۹۸۲ قراردادی به ارزش ۸۳۰ میلیون دلار با یک شرکت بلژیکی امضا کرد.

هدف از این طرح مجلل و مسرفانه که به نام رمزی «پروژه ۵۰۵» خوانده می‌شد، این بود که برای جنگنده‌های پیشرفته عراقی ۸۰۰ پناهگاه در عمق ۵۰ متری زمین احداث شود؛ بر این اساس «سیکس کو» در اکتبر ۱۹۸۲ کار این پروژه را آغاز کرد.

این شرکت از تضمین اعتبارات صادراتی دولتی بلژیک استفاده می‌کرد؛ بدین ترتیب با به پایان رسیدن این پروژه در سال ۱۹۸۶ عراق جمعا ۲ و نیم میلیارد دلار صرف ساختن این پناهگاه‌ها کرده بود.



«سیکس کو» طی چهار سال بعد از امضای قرارداد، ۱۷ پایگاه هوایی و چند مقر واحدهای مسلح را بنا کرد که نخستین پایگاه در «تل عفار» (موصل)، سامره، «الحی» در جنوب غربی بغداد، کیلومتر ۱۶۰ شاهراه بغداد-الرتبه - امان، کرکوک، «سلمان» نزدیک مرز عربستان، «الیوسف» در شمال بصره و «کلات صالح» در طول مرز ایران قرار داشتند.

در سال ۱۹۸۳ هیأتی عراقی به «ترنبورن» هلند که مقرر شرکت بازرگانی «ک بی اس» هلند بود می‌رود و طی قراردادی از این شرکت ۵۰۰ تن «تیودیگلیکول» را خریداری می‌کند.

این ماده اگر با اسید کلریدریک مخلوط شود، گاز خردل از آن به دست می‌آید. این شرکت هلندی از شاخه بلژیکی نفت فیلیپس بیش از یک میلیون دلار از ماده مورد اشاره را خریداری کرد و در ژوئیه سال ۱۹۸۳ نخستین محموله‌ی آن بدون هیچ مشکلی از بلژیک به بغداد فرستاده شد.

اسلحه‌سازان بلژیکی به قدری در معامله قاچاق اسلحه به عراق درگیر بودند که دلالتان بازار سیاه اسلحه در توصیفشان می‌گفتند این‌ها «سگانی هستند که پارس نمی‌کنند.»

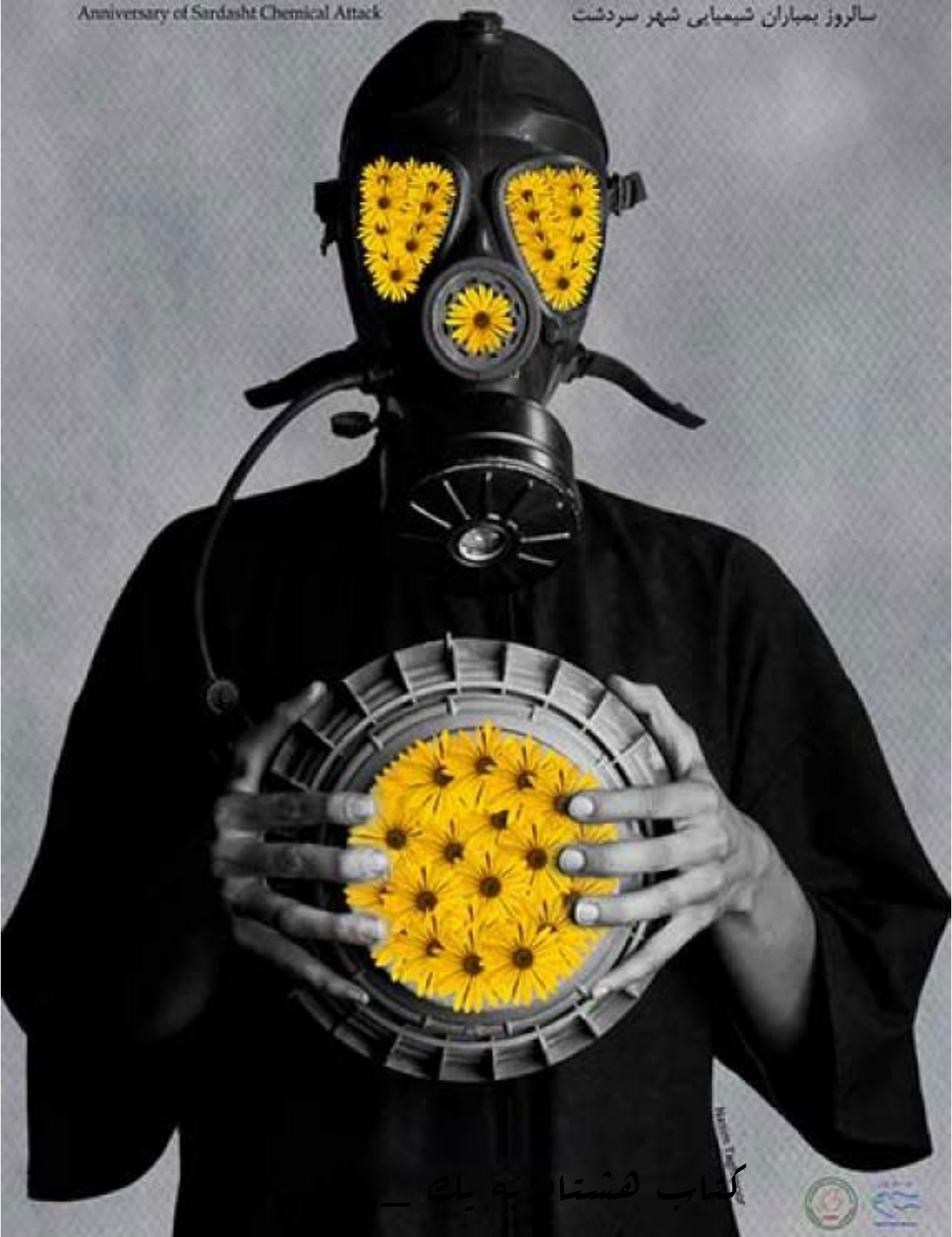
منبع : دفاع پرس _ تاریخ انتشار: ۰۳ مهر ۱۳۹۷

هشتم تیرماه روز ملی مبارزه با سلاح های شیمیایی و میکروبی

29 June, National Day for Commemoration of Victims of Chemical Warfare

Anniversary of Sardasht Chemical Attack

سالروز بهاران شیمیایی شهر سردشت



کتاب هشتم تیرماه -



حیله بلژیکی‌ها در فروش گلوله‌های خراب تانک به ایران

پاییز سال ۶۲، پس از عملیات والفجر ۳ و تشکیل خط پدافندی که نیروهای ستون پنجم و برخی چوپانان محلی در آن برای دشمن جاسوسی می‌کردند، پشتیبانی کل سپاه، گلوله‌های تانکی را به نیروهای زرهی تحویل داد که از بلژیک خریداری شده و گفته می‌شد قابلیت جایگزینی با گلوله‌های غنیمتی عراقی را دارند.

اما گلوله‌های بلژیکی هنگام آزمایش، به گفته شاهدان و راویان خاطرات، به‌طور معیوب عمل کرده و به هدف نمی‌رسیدند. یعنی با شلیک تانک، گلوله‌ای که باید ۱۲ کیلومتر دورتر به هدف می‌خورد، به هدف نرسیده و در ۶ کیلومتری‌اش فرود می‌آمد. جالب آن‌که در مقام مقایسه، گلوله‌های غنیمتی از عراق، به خوبی عمل کرده و به‌طور دقیق به هدفی که در ۱۲ کیلومتری قرار داشته، برخورد می‌کرد.

پیگیری نیروهای زرهی درباره آزمایش و مقایسه گلوله‌های غنیمتی و بلژیکی به این‌جا انجامید که آلیاژ و آهن گلوله‌های بلژیکی اضافه و مهمات‌شان کم شده است.

اما وزن هر دو نوع گلوله مانند هم بود پیگیری نیروهای زرهی درباره آزمایش و مقایسه گلوله‌های غنیمتی و بلژیکی به این‌جا انجامید که آلیاژ و آهن گلوله‌های بلژیکی اضافه و مهمات‌شان کم شده است. اما وزن هر دو نوع گلوله مانند هم بود.

راویان و دوستان شهید لاجوردی در کتاب «روزهای لاجوردی» به این مساله پرداخته و آن را این‌چنین روایت کرده‌اند:

«شنیده بودند صدام و آمریکایی‌ها به بلژیک فشار آورده بودند که چرا چنین گلوله‌هایی را به ایران فروختید؟ بعدها فهمیدند مسئولین کشور بلژیک گفته بودند خیالتان جمع باشد، چیزی به ایران فروختیم که شما با خیال راحت توی عملیات پیش‌روی کنید.» (صفحه ۱۵۶)



آنگ سان سوچی

۱۹۹۱ میلادی

(رهبر کنونی کشور میانمار)

جنایات:

کشتار گسترده مسلمانان روهینگایی



مناخم بگین

۱۹۷۳ میلادی

(نخست وزیر اسبق رژیم صهیونیستی)

جنایات:

رهبری گروه تروریستی «ابیرگون»

بمب گذاری و کشتار ۹۱ نفر در هتل «کینگ دیوید»



اتحادیه اروپا

۲۰۱۲ میلادی

جنایات:

ساخت سلاح های کشتار جمعی

وضع تحریم های دارویی و غذایی

تجهیز جنایتکاران جهان به سلاح های

شیمیایی و میکروبی



شیمون پرز و اسحاق رابین

۱۹۹۴ میلادی

(سیاستمداران ارشد صهیونیست)

جنایت:

کشتار وسیع کودکان و غیر نظامیان فلسطینی



جیمی کارتر

۲۰۰۲ میلادی

(رئیس جمهور اسبق آمریکا)

جنایت:

حمایت از اشغالگری رژیم صهیونیستی و

کشتار کودکان فلسطینی

تجهیز نظامی رژیم صهیونیستی علیه مردم ایران



باراک اوباما

۲۰۰۹ میلادی

(رئیس جمهور سابق آمریکا)

جنایات:

وضع تحریم های دارویی و غذایی

حمایت مالی و تسلیحاتی از تروریسم

حمایت مالی و تسلیحاتی از رژیم اشغالگر قدس

تجهیز نظامی حکومت آل سعود در جنگ با مردم یمن

کتاب هشدار به یک _ ناصر کاوه

کمک های کشور اتریش به عراق

کشور اتریش با مساحت ۸۳,۸۷۸ کیلومتر مربع تقریباً هم‌اندازه کشور امارات است و از ۹ ایالت تشکیل یافته است. حدود ۶۰٪ این کشور را رشته کوه‌های آلپ شرقی شامل می‌شوند.

اتریش با فروش ۱۴۰ توپ جنگی هویتزر GHN-45، به همراه مقدار قابل توجهی مهمات و تجهیزات ارتباطی و ساخت کارخانه مهمات، فروش قطعات توپخانه خودکشی و... نقشی اساسی در تامین لجستیک عراق داشته است.



پرتقال و فروش اورانیوم و جنگ افزار به عراق

پرتغال غربی ترین کشور سرزمین اصلی اروپاست و خاک پرتغال به همراه تنها همسایه خود اسپانیا شبه جزیره ایبری را تشکیل می دهد. پرتغال از سوی غرب به اقیانوس اطلس محدود شده است و دو مجمع الجزایر آزور و مادیرا واقع در این اقیانوس نیز جزء خاک پرتغال هستند. پرتغال با فروش ۳/۵ میلیارد اسکودو در سال ۱۹۸۲ و ۶ میلیارد اسکودو در سال ۱۹۸۳ به یکی از تأمین کنندگان عمده تسلیحات به عراق تبدیل شد. پرتقال در زمان جنگ عراق علیه ایران به عراق فروش اورانیوم و جنگ افزار داشت... منبع:

Jose Judice and Benjamin Formigo, Expresso, 24



کمک های کشور هلند به عراق

هلند جمعیتی بالغ بر ۱/۱۸ میلیون نفر دارد. شهروندان هلندی در مساحتی معادل ۴۱۸۵۰ کیلومتر مربع زندگی می کنند که ۳۳۵۰۰ کیلومتر مربع از آن خشکی است. هلند شصت و نهمین کشور پرجمعیت جهان است و دهمین کشور پرجمعیت اتحادیه اروپا، با تراکم ۵۲۹ نفر در هر کیلومتر مربع می باشد... با این وجود، به دلیل خاک حاصلخیز، آب و هوای معتدل، کشاورزی فشرده و خلاقیت، دومین صادرکننده بزرگ مواد غذایی و محصولات کشاورزی در جهان از نظر ارزش است. ارسال تجهیزات نوری، از جمله دستگاه های دید در شب برای نیروهای زمینی عراق از جمله صادرات این کشور به عراق بود



کمک‌های یوگسلاوی به عراق

کمک‌های یوگسلاوی به عراق در جنگ با ایران به مجموعه کمک‌های فنی و نظامی یوگسلاوی به عراق گفته می‌شود که در راستای دستیابی عراق به سلاح‌های کشتار جمعی بوده است. ساخت پنج پایگاه هوایی بزرگ با پناهگاه‌های زیرزمینی و مستحکم‌شدهٔ هواپیما توسط شرکت ساختمانی یوگسلاویایی انرگوپراجکت، فروش جنگ‌افزار به ارزش بیش از ۲ میلیارد دلار بخش دیگری از کمک‌های یوگسلاوی به عراق بود ...

جنگ‌افزار کشتار جمعی (WMD) (به انگلیسی: Weapon of mass destruction)، نوعی جنگ‌افزار، اعم از زیستی، شیمیایی، پرتوزا، هسته‌ای و... است که می‌تواند بسیاری از افراد را کشته یا به‌طور قابل توجهی به آن‌ها آسیب زده یا به ساختارهای مصنوعی (مانند ساختمان‌ها) یا سازه‌های طبیعی (مانند کوه‌ها) و زیست‌کره، آسیب زیادی وارد کند. دامنه استفاده از این اصطلاح، تکامل یافته و مورد مناقشه قرار گرفته است، که اغلب بیشتر از لحاظ سیاسی، به معنای فنی است. در ابتدا با اشاره به بمباران هوایی با مواد منفجره شیمیایی

در طول جنگ جهانی دوم ابداع شد، اما بعداً به تسلیحات مقیاس بزرگ فناوری‌های مربوط به جنگ، مانند جنگ‌های زیستی، شیمیایی، پرتوزا و هسته‌ای اشاره کرد.

جمهوری فدرال یوگسلاوی



پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری فدرال سوسیالیستی یوگسلاوی هم در جریان جنگ‌های یوگسلاوی تجزیه شد و تنها دو

جمهوری صربستان و مونته‌نگرو باقی‌ماندند که تا سال ۲۰۰۳ با نام
جمهوری فدرال یوگسلاوی شناخته می‌شدند (سومین کشور با نام
یوگسلاوی). در سال ۲۰۰۳، جمهوری فدرال یوگسلاوی رسماً منحل شد
و نام یوگسلاوی به تاریخ پیوست. سپس، حکومتی غیر فدرال بر سر کار
آمد. بدین ترتیب، نام این کشور رسماً به صربستان و مونته‌نگرو تغییر
یافت و به ۴ بخش اصلی صربستان، وویوودینا، کوزوو و مونته‌نگرو
تقسیم شد. سرانجام در ۳۱ مه ۲۰۰۶، همه‌پرسی استقلال در مونته‌نگرو
برگزار شد و ۵۵/۵٪ شرکت‌کنندگان، رأی به استقلال مونته‌نگرو دادند.
هم اکنون کشور یوگسلاوی به شش کشور بشرح ذیل تقسیم شده!؟

۱ _ بوسنی و هرزگوین

۲ _ کرواسی

۳ _ مقدونیه

۴ _ مونته‌نگرو

۵ _ اسلوونی

۶ _ صربستان ه همراه دو استان خود مختار، کوزوو، وویوودینا

اربابان جنگ

بزرگ‌ترین فروشندگان و خریداران سلاح در
جهان چه کشورهایی هستند؟

خریداران

۱۱٪ عربستان

۱۱٪ هند

۶٪ مصر

۷٪ استرالیا

۵٪ چین

۵٪ قطر

۴٪ کره جنوبی

۳٪ پاکستان

فروشندگان

۳۹٪ آمریکا

۱۹٪ روسیه

۱۱٪ فرانسه

۴٪ چین

۴٪ آلمان

۳٪ ایتالیا

۳٪ انگلیس

۳٪ کره جنوبی



کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه

% سهم از کل صادرات یا واردات در جهان

فهرست کمک‌های کشورهای اروپایی به عراق

پشتیبانی از عراق

کشور

 اتحاد جماهیر

[حمایت نظامی و فروش سلاح](#)

[شوروی](#)

مواد مربوط به جنگ‌افزار و تجهیزات شیمیایی مانند [سدیم سیانید](#)، [پلوتونیم](#) و گاز طیف‌سنج و کمک مالی

 [بریتانیا](#)

[فروش تجهیزات پیشرفته نظامی و اورانیوم](#)

 فرانسه

فروش [جنگ‌افزار شیمیایی](#) و تجهیزات نظامی پیشرفته، سیستم‌های مقابله الکترونیکی به ارزش ۶۰۰ میلیون دلار. ۱۵۰۰ کامیون و لوازم یدکی. ۳۰۰ خودروی بازیابی و تعمیر تانک

 [آلمان شرقی](#)

فروش و آموزش [جنگ‌افزار شیمیایی](#)، ارسال تجهیزات پیشرفته ارتباطی، رادار و فروش تجهیزات نظامی با فناوری بالا

 [آلمان غربی](#)

ساخت کارخانه مهمات، فروش قطعات [توپخانه خودکشی](#)

 [اتریش](#)

چندین میلیارد دلار آمریکا کمک مالی و فروش مین‌های زمینی و دریایی و اورانیوم

ایتالیا 

ارسال تجهیزات نوری، از جمله دستگاه‌های دید در شب برای نیروهای زمینی^۱

هلند 

ساخت فرودگاه‌ها و تحویل انواع مهمات

بلژیک 

فروش جنگ‌افزار و جنگ‌افزار شیمیایی، همچنین تحویل ۳۰ فروند هواپیمای آموزشی براوو و پیلاتوس

سوئیس 

فروش اورانیوم و جنگ‌افزار

پرتغال 

فروش جنگ‌افزارهای متعارف و شیمیایی، به‌ویژه مهمات و مواد منفجره

اسپانیا 

فروش تجهیزات نظامی

دانمارک 

فروش جنگ‌افزار

مجارستان 

فروش جنگ‌افزار

لهستان 

فروش جنگ‌افزار

رومانی 

فروش جنگ‌افزار

ترکیه 

ساخت پنج پایگاه هوایی بزرگ با پناهگاه‌های زیرزمینی و مستحکم‌شده هواپیما توسط شرکت ساختمانی یوگسلاویایی انرگوپراجکت، فروش جنگ‌افزار (به ارزش بیش از ۲ میلیارد دلار)

جمهوری فدرال 

سوسیالیستی

یوگسلاوی

امام خمینی علیه السلام:

ما در جنگ برای
یک لحظه هم نادم و
پشیمان از عملکرد
خود نیستیم. ما در جنگ
ابته ابر قدرت‌ها را
شکستیم.

صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۳ و ۲۸۴

کتاب هشدار به یک — ناصر کاوه